ژوندون

شنبه ۲۳ حوت ۱۳۵۹

۱۴ مارچ ۱۹۸۱



ببرك کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهو ری دمو کراتیك افغانستان بالیو نید بریژنف منشی‌عمومی کمیته‌مرکزی حزب کمونست وصدر هیأت رئیسه شورای عالی‌اتحاد شوروی درقصر کرملین.



ببرك کارمل دکابل په بین‌المللی هوایی ډگرکی داسلامی شئونودریاست‌له‌غړو اسره دروغبړ په‌وخت‌کی

اختصار وقایع مهم

شورای وزیران روز ۲۰ حــوت تحت ریاست ببرك کارمل منشـــی عمو می کمیته مرکزی حـــز ب دمـــو کرا تیـك خلق افغانستا ن رئیسس شورای انقلابی و صدراعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان جلسه نمود .

هنگام‌تصویب پلان رشد اجتماعی اقتصادی ، کشور و بودجهٔ انکشافی و عادی دولت در جلسهٔ شـــورای وزیران ، ببرك کارمل ، اعضـــای شورای وزیران ، وزارت خانه ها، رهبر و مسوولین مربوطه را بـــه مسوولیت های سنگین شان جهـت پلان و استفاده معقول ازمنابع کشور به منظور بهبود سطح رفـاه مردم ملتفت ساخته توجه شانـــرا به اصول اساسی تطبیق پـــلان رشد اجتماعی ، اقتصادی کشـور و بودجه انکشافی و بودجه عـادی دولت ، وصرفه جو یی جلب‌کردند.

* * *

بیروی سیاسی کمیته مرکـــزی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان تحت ریاست ببرك کار مل منشی عمومی کمیته مرکزی حـــــز ب دمو کرا تیك خلق افغا نستـــــان رئیسس شورای انقلابی و صدراعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان ساعت چاربعد از ظهر روز ۱۸ حوت تشکیل جلسه داد .

در آغاز جلسه ببرك کارمـــــل گزارش مفصلی در بارهٔ اشتـــــراك هیات حزبی افغا نستان در بیست و ششمین کنگرهٔ حزب کمو نســـت اتحاد شوروی و همچنان اهمیت و نتایج این کنگره ارایه نمودند کـــه مورد تایید عام و تام بیـــــروی سیاسی قرار گرفت .

* * *

نخستین کنگرهٔ اتحادیه هـــــای صنفی جمهو ری دمو کرا تیـــك افغا نستان با قرائت چند آیت از کلام‌الله مجید درحالیکه ببرك کارمل منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حـزب دمو کرا تیك خلق افغا نستـــان ، رئیسس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان نیز شرکت داشتند ضمن مراسـم با شکو هی صبح روز ۱٦ حـــوت در تالار سلامخانه مقر شـــــورای انقلابی گشایشس یافت .

* * *

ببرك کارمل منشی عمومی‌کمیتهٔ مرکزی حزب دمو کرا تیك خلـــق افغا نستان رئیسس شورای انقلابی و صد راعظم جمهو ری دمو کراتیك افغا نستان روز ۸ حوت در قصـــر کر ملین با لیونید بر یژنف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حـــــــزب کمو نست و صدر هیات رئیســـه شورای عالی اتحاد شوروی مذاکره کردند .

* * *

د افغا نستان د خلك دمو کراتیك گوند د مرکزی کمیټی عمو مـــی منشی ، د انقلابی شورا رئیس او صد راعظم ببرك کارمل د حـــوت ۱۹ له غرمی مخکی د افغا نستان د صنفی اتحادیو په لومړی کنگره کی میلمانه هیا تو نه دانقلابـــی شوراد مقر گلخا نی په ماڼی کی ومنل.

* * *

هشتم مارچ مصادف با روز بین‌المللی همبستگی زنان زحمتکشـان جهان بوده و از این روز تاریخـی باشکو همندی خاصی تجلیل بعمل آمد .

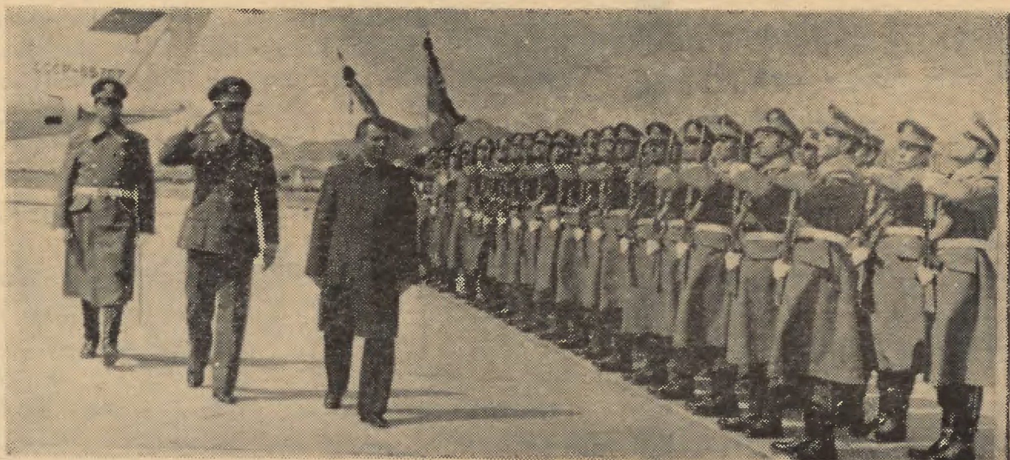
به استقبال از این روز جهانـــی روز ۹ حوت محافل و میتنگ های شانداری از طرف شورا های‌ناحیوی ساز مان دمو کرا تیك زنـــــــان افغا نستان بعضی از نواحی حزبی شهر کابل دایر گردیده و طـــی سخنرانی هایی که بعمل آمـــد ، از نقش زنان زحمتکش ، مبتکر و با استعداد در راه ساختمان جوامع مرفه و مترقی با نیکویی یاد آوری گردید .





ببرك كارمل منشی‌عمومی‌کمیته‌مرکزی حزب دمو کراتیك خلـــق‌افغانستان رئیس شورای انقلا بی‌و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیك افغانستان هنگام ایراد بیانیهٔ شا ن‌درمراسم افتتاح اولین کنگرهٔ‌اتحادیه‌های صنفی افغانستان .

د افغانستان د خلك د دموكراتيك گوند د مركزی كميټی عمومی منشی د افغا نستان د دمو كرا تيـــك جمهو ريت د انقلابی شورا رئيس او صد راعظم ببرك كارمل چـــی د شوروی اتحاد د كمونست گوند د مركزی كميټی په بلنه د شـــوروی اتحاد د كمونست گوند په شپـــږ ويشتمه كنگره كی د برخی اخيستو لپاره مسكو ته تللی وو دحوت پـــه پنځلسمه نيټه وطن ته راغی .



دافغانستان دخلك دمو كـرا تيـك‌گوند دمركزی كميټی عمو می‌منشی، دانقلابی شورا رئيس او صدراعظم ببرك كارمل كله چی دملـی گـارد تشريفاتی قطعی معاينه كوی.

• • •

د افغا نستان د خلك د دموكرا۔ تيك گوند د مركزی كميټی عمومـی منشی د افغا نستان د دموكرا تيك جمهو ريت د انقلابی شورا رئيس او صدراعظم ببرك كارمل د حوت په۱۱ دشوروی اتحاد د كمو نســـت گوند د مركزی كميټی مربـــوط د ټولنيزو علومو د اكاډمی لـــــــه محصلينو ،استادانو او پروفيسرانو سره د خبرو په وخت كی وويل : هيڅ قدرت نه شی كولی د شوروی اتحاد او افغا نستان د خلكو ترمنځ په تاريخی دوستی او ورور گلـوی په پيو ستون كی درز واچوی .



ببرك كارمل هغه وخت چی دهركلی كونكـو تودو او لـه شوره ډكـــواحسا ساتو ته ځواب وايی

رهایی کامل زنان ازقید ظلم‌وستم، خرافات و بقایای مناسبات فیودالی، ماقبل فیودالی‌وطردهرآنچه‌که به‌اسارت، تحقیر وتوهین زن می انجامد وتامین شرایط هرچه مساعدتربرای رشدهمه‌جانبه شخصیت زنان افغانستان که نیمی ازجمعیت وقوای بشری بالقوهٔ‌مارا تشکیل میدهند یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب ملی، دموکراتیک ضدفیودالی وضد امپریالیستی در کشور ما است .

ببرک کارمل

شنبه ۲۳ حوت ۱۳۵۹، ۱٤جنوری۱۹۸۱

هشتم‌مارچ یاروزهمبستگی بین‌المللی زنان‌جهان

هشتم مارچ روز همبستگی بین المللی زنان جهان بوده . و همه ساله از این روز تاریخی بمثا بهٔ یاد وبود بر افرا شتن در فشس مبارز هٔ زنان بخاطر تا مین حقو ق و آزاد ی و مساوا ت صلح و عدالت اجتما عی از طر ف نیرو ها ی صلح پسند و طر فدارا ن عدا لت اجتما عی در سراسر جهان تجلیل بعمل می آید .

زنا ن که نیمی از پیکر جا معه انسا نی را تشکیل داده و در حالیکه چر خها ی تکا ملی جوا مع بشر ی را بحر کت آورد ه و بهترین دانشمندا ن ، نوا بغ ، فیلسو فان و قهرمانا ن تاریخ را پرور ش داده و تحو یل جا معه بشر ی نموده اند ودر ایجاد فر هنگ و تمدن و تغییرا ت و تحو لات اجتما عی‌سهم براز ند ه داشته اند مگر خود در اثر عوا مل غیر عادلا نه اجتما عی و اقتصاد ی و سیاسی طی قرو ن و اعصار در دور ه های مختلف تاریخ تحت ظلم و ستم دو گا نه طبقاتی و جنسی قرار داشته و از تمام حقو ق و آزاد ی های دموکرا-تیك و انسانی‌خود محرو م بوده‌اند در اکثر جوا مع امرو ز نیز به نظر تحقیر به زن نگر یسته می شود ومورد ستم و استثمار بی رحما نه قرار می گیر ند .

یك نگاه گذرا به تاریخ تکا مل جوا مع بشر ی این حقیقت را روشن می سازد که سلب آزاد ی و محرو میت زنا ن از حقو ق و امتیازا ت اجتما عی و اقتصاد ی ریشه بس عمیق و تا ریخی دار د به این معنی که تقسیم جوا مع انسا نی به طبقا ت متخا صم و ظهور ما لکیت خصو صی واستثمار سلب حقوق و اسارت زنان رابطه همراه داشته است .

در دوره ما درسالا ری که ز ن در امور تو لید سهم داشت وسالار جا معه و خانواد ه نیز بود مگر در اثر رشد وسایل تو لید و تقسیم کار اجتما عی بتدریج از امورتولید به حصار خانه کشا نیده شده و فقط متکفل تنظیم امور منز ل وتربیه اطفا ل خانواد ه گردید که در نتیجه استقلال اقتصاد ی خود را از دست داده و بار دوش مرد می شود که این امر سبب امتیا زا ت بیشترمرد و محدو دیت حقو ق و آزاد ی زن می گردد د ردور ه های بعد ی یعنی نظا م های فیودا لی که زن درامور اقتصاد ی و اجتما عی سهمی نداشته بحیث موجود عا طل در چار دیوار ی خا نه محصو ر مانده و با گذ شت زما ن استعداد ها ی جسمی دماغی او سر کوب و راکد گردید ه و در فر هنگ خرا فی فیودا لی بحیث مو جود عا طل و ضعیف و با صفا ت « ضعیفه» «عاجزه» (سیاه سر) و غیر ه انعکاس می یابد . که البته این حالت تا کنو ن در اکثر جوا مع طبقا تی امرو ز وجود دارد .

رشد نیرو ها ی مو لد ه و تکامل جوا مع بشر ی که بشر را در سطح عالی تر از حیا ت اجتماعی و اقتصاد ی قرار داده و انقلا بات صنعتی را در قبا ل دارد زمینه سهمگیر ی زنا ن در امور تو لید مسا عد گردید ه و به موازا ت آن شعور و آگا هی زنان بیدار ونهضت های آزاد ی خوا هی آنها در جهت دفاع از حقوق صنفی‌واجتماعی آنها شکل میگیرد .

او لین جنبش زنان جها ن روز هشتم مار چ ۱۸۵۷ در شهر نیویارك بوقوع می پیوندد درین روز گروهی از زنان در حا لیکه لباس ها ی کهنه کارگر ی بتن داشته جاده ها ی شهر را باشعا ر ها ، مارش کنا ن عبور می نمودند افزود ی مزد و کا هش سا عا ت کار را از صا حبان صنایع نسا جی تقاضا می کردند . البته این اولین مظا هر ه زنان کارگر جهان بو د که توسط پو لیس و حشیا نه سر کو ب گردید .

جنبش آزادی خو اهی زنا ن جهان در همین نقطه توقف نمی کند چه بسا زنا ن مبارز و قهرمانی که در فشس مبارز ه را بخاطر آزادی برابری - صلح و عدا لت اجتماعی بر دوش کشیدند. کلا راز-تکین زن رزمنده آلما نی در دو مین کنفرا نس زنا ن سو سیا لیست جهان منعقد ه کو پنها گن پیشنهاد کرد تا روز هشتم مارچ بخا طر یاد بود از زنا ن قربان شد ه راه مبارزه برا ی آزاد ی - برا بر ی صلح و تر قی همه سا له تجلیل گردد که توسط زنان متر قی جهان پذ یرفته شد . و برا ی او لین بار درسا ل ۱۹۱۰ این رو ز تو سط زنان امریکا یی و آلما نی تجلیل گردید .

از آنزما ن به بعد مبارزا ت زنان در جهت کسب حقو ق و آزاد ی های دمو کرا تیك شد ت یافت و

بقیه در صفحه ٥۳

درین شماره

تبصره

یکپارچگی ما ضامن پیروزی ماست !

روز شانزدهم حوت اولین کنگرهٔ سر تا سری اتحادیه های صنفی جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان توام با مراسم شکو همندی درکابل گشایش یافت . در این کنگرهٔ علاوه از هیات رهبری حزب ودولت اضافه از پنجصد نمایندهٔ اتحادیه های صنفی از تمام کشور ،به تعداد بیش از بیست هیات نمایندگی ممالك مختلف و دو سازمان کارگری بین المللی شرکت ورزیده بودند .

بیانیهٔ پر شور ، پر محتوی و انقلابی ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان گشایشگر این کنگرهٔ پر شکوه بود ایشان در مقدمهٔ بیانیهٔ شان چنین فر مودند :

((تدویر این کنگره یکی ازحوادث بسیار مهم سیاسی و اجتماعی در زندگی پر مضمون کنونی کشور ما محسوب می شود ، حزب ما از بدو تاسیس خویش پیوسته در راه حصول حقوق و آزادیهای دموکرا- تیك برای مردم ماکه شامل حق ایجاد اتحادیه های صنفی ،سازمان توده ای طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان نیز می گردد تلاش ورزیده است . . .))

اکنون پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بخصوص پیروزی مرحلهٔ نوین و تکاملی انقلاب ضدامپریالیستی ضد فیودالی و ضد کمپرا دوری مردم ما، مرحلهٔ جدیدی از تحرك و پویایی طبقهٔ کارگر و کلیه زحمتکشان کشور آغاز گردیده است. از همین رو درین مرحلهٔ حساس و تاریخی ضرورت حفظ انقلاب در برابر توطئه‌های دشمنان خار جی وداخلی یعنی ارتجاع سیاه و شکست خوردهٔ مفتن داخلی و امپریالیست های امریکایی ، شو ینست های چینایی نظامیگران پاکستانی ، از کارگران و دیگر زحمتکشان افغا نستان طلب می کند که هرچه سریع تر تشکل صنفی وسیاسی خویش را بسط و توسعه و تکامل بخشند و نیروی تشکل یافته شانرا وثیقه حفظ انقلاب قرار دهند و ایفای نقش عظیم تاریخی خود را در پاسداری از استقلال و آزادی بدست آمده و تحکیم ریشه ها و پایه های آن‌بکار برند . انجام چنین وظایف سترگ تاریخی ، از طبقات زحمتکش افغا نستان طلب می‌کند که‌در مرحله کنونی هرچه سریع تر و آگاه تر در سازمان های صنفی (اتحادیه ها) تشکل یابند ، اتحادیه های خود را از راه متشکل ساختن ملیون ها زحمتکش شاغل در کار خانه ها، کارگاهها، مزارع ودیگر محلا ت کار ایجاد نمایند . در اثر مساعی و مساعد ساختن شرایط مناسب از طرف حزب و دولت امروز ۱۶۰ هزار نفر در صفوف اتحادیه های صنفی جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان متشکل گردیده اند و تحت رهبری سیاسی حزب قهرمان شان ((حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان)) از دست آورد های انقلاب ثور ومرحلهٔ‌نوین و پیروزمند آن دفاع می‌نمایند ودر نتیجه در ساختمان جامعهٔ نوین فارغ از استثمار انسان از انسان سهم فعالانه خویش را ایفا می نمایند. این موضوع قابل مباهات است که نه تنها در ادارات مربوط دولت و موسسات مربوط این اتحادیه ها به شکل فعال وجود دارد بلکه در موسسات خصوصی و درمیان پیشه وران و صنعت گران نیز ایجاد گردیده است . لذا می توان گفت که انقلاب ثور و بخصوص مرحلهٔ نوین و تکاملی آن امکانات وسیع و همه‌جانبه و مساعدی را که هرگز در گذشته وجود نداشته است‌برای جنبش و تشکل صنفی و سیاسی کار گران و همه زحمتکشان به‌وجود آورده است .

ازآنچه بدان‌اشاره‌شد دیده می- شود که در مرحلهٔ کنونی تاریخ کشور ما امکان بسط و گستر ش جنبش اتحادیه ای زحمتکشان در افغا نستان برمبنای عینی مستحکمی استوار است و به همین جهت نتایجی که از تشکل صنفی و سیاسی کار گران ، دهقانان ودیگر زحمتکشان به دست آمده و میاید به مراتب چشمگیر تر و قابل توجه تراز قبل خواهد بود . اما صحبت از امکان بسط و گسترش جنبش سند یکایی در مرحلهٔ کنونی انقلاب و این امر که تشکل ملیونی زحمتکشان در اتحادیه ها ضرورتی بر خاسته از خواست های اساسی، رفاهی و اجتماعی طبقهٔ کارگر و کلیه زحمتکشان افغا نستان است، به آن معنی نیست که چنین گسترش به خودی خود صورت خواهد گرفت . به هیچ وجه ! بسط و گسترش جنبش اتحادیه ای با وجود آنکه همه امکانات و شرایط بصورت عینی برای آن وجود داشته باشد در آخرین تحلیل فقط و فقط می تواند بر اثر فعالیت آگاهانه خود طبقهٔ کارگر وسایر زحمتکشان حزب یعنی پیشس آهنگ سیاسی آن ، از قوه به فعل در آید. ازهمین جاست که نقشس ساز ماندهی آگا هانهٔ جنبش اتحادیه ای و کو پرا تیفی بیشس از پیشس‌کسب اهمیت می کند و انجام وظایف‌مهمی را که فوق العاده قابل توجه است درین زمینه در برابر سازمان های اصیل متشکل کننده و حزب‌سیاسی طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان در کشور ما قرار می دهد . باید اطمینان داشت که حزب و دولت انقلابی ما از عهدهٔ این کار سترگ به پایمردی طبقهٔ کارگر و تمام زحمتکشان افغا نستان بر خواهد آمد .

اتحادیه های صنفی افغا نستان به مثابه سازمان مدافع منافع طبقات زحمتکش جامعه باید به شکل مستقیم و فعال در جهت رشد و تکامل جامعهٔ ما و در راه رشد اقتصادی افغا نستان عزیز فعالانه شرکت ورزد . البته هد ف عمدهٔ زحمتکشان ماکه در اتحادیه های صنفی شان متشکل شده اندو می شوند دفاع از منافع والای زحمتکشان در عرصه های مختلف کار وزندگی میباشد .

ببرك کارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دموکر ا تیك خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهوری دموکراتیك افغا نستان در بخشی از بیانیهٔ پر شور و انقلابی شان د رمراسم گشایش نخستین کنگرهٔ سر تا - سری اتحادیه های صنفی جمهوری دمو کرا تیك‌افغا نستان فر مودند:

«... اتحادیه‌های‌صنفی به‌مثابه‌توده‌ای ترین سازمان اجتماعی باید تمام آنچه را که در میراث غنی فر هنگی مردمان کشور ما خوب و با ارزش است حفظ و تکامل دهند و بخاطر ایجاد شرایط بهتر برای کار خلاق تمام گروه های روشنفکر ، مترقی و مردمی تلاش ورزند . . .)) .

آری خلق بلا کشیدهٔ افغا- نستان در نتیجهٔ انقلاب شکو همند ثور وبخصوص مرحلهٔ نوین وتکاملی آن همه بند های استبداد و بی- عدالتی رایکی بعد دیگر از هم می- گسلند و بسوی تکامل مادی و معنوی جامعه و وطن خود را بسه پیش می‌برند و هر گز توطئه ها و دسایس و سنگ اندازی های ارتجاع و امپریا لیزم سد این پروسه قانو نمند و عینی شده نتوانسته و شده نمی تواند.متشکل شدن و یکپارچه شدن خلق مظهر گویای این پیشرفت بسوی قلل خو شبختی و بهروزی است .

پیروز باد زحمتکشان افغا نستان

تدویر نخستین کنگرهٔ اتحادیه‌های صنفی زحمتکشان افغانستان

رویداد مهمی است در تاریخ نهضت سندیکائی کشور ما

خوانندگان محترم ما اطلاع دارند که‌نخستین کنگره اتحادیه های‌صنفی زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیانیهٔ ارزشمند و انقلابی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بتاریخ شانزدهم حوت در مقر شورای انقلابی گشایش یافت .

در این کنگره عظیم و تاریخی علاوه از پنجصد نفر از نمایندگان اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان بیشتر از بیست هیات و نماینده از کشور های مختلف جهان و دو سازمان کارگری جهان شرکت ورزیده بودند .

کنگرهٔ مذکور بعد از طی دو روز جلسات خود را با تصویب اساسنامه ، سمبول و درفش اتحادیه و تصویب اعضای ارگان های رهبری شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان موفقانه بپایان رسانید .

از آنجاییکه تدویر نخستین کنگره اتحادیه‌های صنفی زحمتکشان افغانستان در شرایط کنونی از جملهٔ رویداد های با عظمتی است که در حیات زحمتکشان کشور ما رونما گردیده است و نقش نهایت ارزنده و مهمی را در راه اتحاد و پیوستگی و همچنان کار خلاق و سازندهٔ زحمتکشان افغانستان در امر بزرگ دفاع از حاکمیت ملی ، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور و در راه تحقق آرمان های والای انقلاب آزادی بخش ثور و ایجاد جامعه عادلانه نوین فارغ از استثمار فرد از فرد بازی می نماید و با در نظر داشت اهمیت خاصیکه این کنگره تاریخی در حیات اتحادیه های سند یکایی زحمتکشان افغانستان دارا بوده اثرات مثبت و ارزنده یی را در تاریخ اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان از خود بجا می گذارد و برای ابد درج صفحات زرین تاریخ مبارزات صنفی زحمتکشان کشور ما می گردد خواستیم با تنی چند از نمایندگان کشور های دوست ونمایندگان زحمتکشان سرتاسر افغانستان که در این کنگره با عظمت اشتراك ورزیده بودند مصاحبه یی بعمل آوریم که اینك تقدیم شما خوانندگان ارجمند میگردد :

* * *

مصاحبه خودرا بایکتن ازمهمانان خارجی که در نخستین کنگرهٔ اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغانستان اشتراك داشتند آغاز می نماییم .

این مهمان ارجمند و گرامی ما (گیورگی اف گینیو) معاون شورای مرکزی‌اتحادیه های صنفی‌زحمتکشان کشور بلغاریا می باشد .

گیورگی اف گینیو معاون‌شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان کشوربلغاریا بجواب این سوال که آیا اتحادیه های صنفی زحمتکشان درکشور بلغاریا چقدر سابقهٔ طولانی دارند و در حال حاضر بچه تعداد از مردم بلغاریا عضویت اتحادیه های صنفی زحمتکشان را دارا می باشند گفت:

در کشور ما (بلغاریا) اتحادیه های صنفی سابقه ۷۶ ساله را دارا می باشند . اولین کنگره موسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا در سال۱۹۰٤ دایر گردیده برای نخستین بار اتحادیه های سند یکایی را درکشور ما بوجود آورد در حال حاضربتعداد چهار ملیون نفر از زحمتکشان بلغاریا افتخار عضویت اتحادیه های



گیورگی اف گینیو نماینده‌کشور بلغاریا

صنفی زحمتکشان را دارا می باشند .

او شرایط شمول در اتحادیه‌های صنفی زحمتکشان را در کشور بلغاریا چنین بیان داشت : هرکسی که اساس نامه اتحادیه های صنفی زحمتکشان را مطالعه نموده به آن موافق باشد میتواند عضویت‌اتحادیه های سند یکایی را حاصل کند ، فقط کار کنان خارندوی ، قوای مسلح و کسانیکه در موسسات صنعتی و تو لیدی کو پراتیفی کار می کنند عضویت اتحادیه های صنفی زحمتکشان را حاصل نموده نمی توانند ، مگر تمام کسانیکه به امور زراعت و مالداری مشغول اند عضو اتحادیه ها شده می‌توانند و تعداد کثیری از اینگونه اشخاص فعلا عضویت اتحادیه های سندیکایی کشور ما را حایز اند .

معاون شورای مرکزی اتحادیه های صنفی بلغاریا بجواب این پرسش که در کشور شما اتحادیه های صنفی زحمتکشان چه نوع مساعدت هایی را برای اعضای خود انجام می دهند چنین بیان داشت : اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا در رهبری دستگاه دولتی و فعالیت های اجتماعی نقش ارزنده و مهمی را دارا می باشند و این موقف اتحادیه ها از طریق وظایفی که به اتحادیه های صنفی واگذار شده اند تعیین می شود .

۱- وظیفه اشتراك در امور تولیدی واقتصادی :

عمده ترین وظیفه یی که در کشور ما بلغاریا به اتحادیه های صنفی واگذار میگردد وظیفه‌اشتراك در امور تولیدی و اقتصادی است ، وظیفه اشتراك در امور تولیدی و اقتصادی باعث میگردد تا عواید ملی کشور بالا برود و بنیهٔ اقتصادی کشور قدرت مزیدی کسب کند .

با انجام موفقانه همین امر بود که اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا توانستند در طی دو سال اخیر (۱۹۷۹ و ۱۹۸۰) عواید ملی‌را به یك ملیارد و یکصد ملیون لیف (واحد پولی بلغاریا) بالا ببرند واین رقم بیشتر از پلانی است که قبلا پیش بینی گردیده بود.

در کشور ما هر قدر عواید ملی بلند برود و اقتصاد کشور قدرت بیشتر یابد بهمان اندازه بالای حیات اقتصادی زحمتکشان اثرات مثبت و چشم گیری بجا می گذارد.



گونته میولر نماینده‌آلمان‌دموکراتیك

بالا رفتن عواید ملی نسبت به پلان پیش بینی شده در سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ بر مبنای مسابقات سوسیالستی ، مطالعه ، تعمیم و نشر تجارب دست داشته و همچنان تشکیل انواع سهم گیری زحمت کشان در امور تولیدی در کشور ما میسر گردیده است .

۲ – وظایف اجتماعی :

بعضی ها آن را وظایف دفاعی نیز می‌نامند در این قسمت ما کار

ها را بچندین قسم انجام می‌دهیم .

الف- بهتر شدن شرایط کار و بهتر شدن حفاظت تخنیکی :

مقصد از انجام این وظیفه این است که ما شرایط کار را روز تا روز بهتر می سازیم و در قسمت بهبود شرایط کار پرو گرام ملی ای را روی دست داریم کار بر اساس این پروگرام ملی باعث گردیده است تا سطح مریضی در میان کار گران پایین آید و کار گران کشور ما از نعمت صحت کامل برخوردارگردند در دوران پلان پنج ساله هفتم (۱۹۷۵ -۱۹۸۰) در کشور ماسطح مریضی سی فیصد کمتر گردیده است و وقایه صحت کار گران باعث شده است تا سطح عاید ملی ارتقا یابد ، چنانچه در حال حاضر در عاید ملی کشور ما نسبت به گذشته سالانه (۶۰) در صد افزایش بعمل آمده است .

ب - تامینات اجتماعی :

اکنون در شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا فوندی (سر جمع پول) بوجود آمده است و همچنان هر تصدی (۳۰) در صد اوسط معاش خود را به شورای مرکزی غرض تقویه بنیهٔ مالی آن می پر دازد .و این پول ها بدو مقصد به مصرف می رسند. دوی برسه حصهٔ آن بخاطر پرداخت معاش تقاعد کار گران ،به مصرف می رسد و به کسانی پر داخته می شود که به تقاعد سوق داده می شوند .

(درکشور بلغاریا زن هادر سن ۵۵ سالگی و مرد ها در سن ۶۰ سالگی در صورتیکه قدرت کار را نداشته باشند به تقاعد سوق داده می شوند) و یك برسه حصهٔ با قیمانده بخاطر تادیهٔ کمك های اولیه به زحمتکشان در حالاتی چون مریضی ها ، زخم بر داشتن‌ها زیادی اطفال و عایله و دیگر ضروریات عاجل به مصرف می رسد .

ج - وظایف اجتماعی ا ستراحت زحمتکشان :

در کشور بلغاریا سالانه دوملیون تن از زحمت کشان برای مدت بیست روز در سنا توریم های استراحت گاه ها و سناتوریم های طبی به استراحت می پر دازند وپر داخت تمام مصارف آنها را درطول این مدت اتحادیه های‌صنفی بدوش دارند .

د - حل مو ضوع معیشتی زحمتکشان درساز مان های اجتماعی:

در کشور ما هر تصدی یك مقدار پول را برای انکشاف‌وبهبود وضع اجتماعی ، کلتوری و معیشتی زحمتکشان تخصیص می دهند و بر اساس فیصله جمعی برای بوجودآوردن و بنای‌کودکستان ها، طعام خانه ها، منازل رهایشی بهتر شدن وضع ترا نسپورت و سایری مو ضوعات مربوط به بهتر شدن شرایط زنده گی زحمتکشان به مصرف رسانیده می شود .

۳- وظیفهٔ تر بیوی :

اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا کار همه جانبه یی را جهت تربیهٔ زحمت کشان با روحیهٔ وطن پرستی ، درك انتر ناسیو نا لیزم



محترمه نفیسه «پیکار گر» عضو هیات رئیسه‌شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشا ن افغانستان

پرو لتار یایی ، درك کار سوسیالیستی و مردم دوستی انجام می دهند، و کار های فوق در دوجهت انجام می پذیرد :

الف : همه ساله تدریس امور مربوط به اتحادیه های صنفی زحمتکشان در کشور ما انجام می پذیرد و سالانه به تعداد دو ونیم ملیون نفر ازآن استفاده بعمل می آورند دراین‌کورس هاموضوعات مختلف مربوط به انکشاف جنبشس های کارگری در جهان ، جنبشس کار گری در بلغاریا ، اساسات مار کسیزم ، لنینیزم ، اساسات کلتور و اجتماع و غیره تدریس میگردند .

ب- کار کلتوری و دسته جمعی:

ما در کشور خود ششس صدو پنجاه کلوپ ،جاها و مراکز کلتوری را دا را می باشیم و در این کلوپ ها و مراکز کلتوری و فر هنگی کولکتیف های هنری (آواز خوانی اجراء کنسرت ها ، تهیهٔ درام هاو غیره) فعالیت می نمایند ، همچنان وظایف تشکیلاتی و ارتباط بین‌- المللی را انجام می دهند .

اف گینیو بجواب سوال دیگریکه آیا اتحادیه های صنفی زحمتکشان بلغاریا با چند اتحادیه سند یکایی جهان ارتباط دارد اظهار داشت :

اتحادیه های صنفی بلغاریا با بیشتر از (۱۲۰) اتحادیه صنفی کشور های مختلف جهان ارتباط دارد .

معاون شورای مرکزی اتحادیه های‌صنفی زحمتکشان کشور بلغاریا راجع به‌جلسات‌نخستین کنگرهٔمؤسس اتحادیه های‌صنفی ز حمتکشا ن



مهتاب نمایندهٔ ولایت ننگرهار

افغانستان وبرداشت وی از خلال این جلسات چنین ابراز نظرنمود:

نظر ما در مورد کنگره موسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان بسیار عالی است زیرا این اولین باری است که در تاریخ کشور قهر مان و انقلابی ا فغا - نستان کنگره اتحادیه های صنفی دایر میگردد ودر آن نماینده گان طبقات زحمتکشس کشور اشتراك دارند و این کنگره شکوهمند برای همیشس در تاریخ اتحادیه های سندیکایی کشور دوست افغانستان آزاد و انقلابی می در خشد .

این کنگره با عظمت از یك طر ف آغاز گر جنبشس سازمان داده شدهٔ اتحادیه های صنفی زحمتکشا ن افغا نستان بشمار آمده از جانب دیگر اشتراك (۵۰۰) نفر از نماینده گان اقشار و طبقات عذاب دیده افغا نستان که یك رقم بزرگی را نشان می دهد همراه با وحدت نظر ایشان در امر پشتیبانی از فیصله های کنگره و تصویب اساسنامه ، بیرق ونشان اتحادیه های صنفی زحمتکشان موید همبستگی کامل ز حمتکشان ا فغانستان انقلابی بشمار می آید .

اشتراك نماینده اتحادیه های صنفی زحمتکشان‌بلغاریا در نخستین کنگره اتحا دیه ها ی صنفی زحمتکشان افغا نستان قدم بزرگی است در امر دوستی میان کشور ما و افغا نستان نوین که زمینه مساعدت ها و همکاری های مزید را میان زحمتکشان هردو کشور مساعد می سازد .

مو صوف سخنان خود را چنین خاتمه بخشید :

در اخیر می خواهم اضافه نمایم که ما نماینده های اتحادیه های صنفی بلغاریا یقین کامل داریم که اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان تکیه گاه صدیق و نیرومند حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان‌درعملی نمو دن آر ما ن های والای انقلاب شکو همند ثور خواهند بود .

همچنان ما عقیده داریم که‌اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان اعتمادی را که ازحزب دمو کراتیك خلق افغا نستان حاصل نموده اند و این اعتماددر بیانیه ارزشمند و انقلابی ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان انعکاس یافته است حفظ خواهند نمود و در راه تحقق آرمان های والای انقلاب دوران ساز ثور از هیچگونه سعی و عمل انقلابی دریغ نخواهند ورزید .

• • •

کو نته میو لر عضو شورای مرکزی و رئیسس شورای ولایتی (گیر) جمهو ریت دمو کرا تیك آلمان که در حال حاضر یکتن از اشتراك کننده گان کنگره موسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان نیز می باشد نظر خود را راجع به کنگره موسس اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان چنین بیان می دارد :

ما بسیار مسرور هستیم که مردم زحمت کشس افغا نستان

لطفا ورق بزنید

توانستند در مدت کوتاهی که از سقوط دیکتا توری امین و ایجاد مرحله نوین انقلاب ملی و دموکراتیک ثور در تحت رهبری حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان ، و شخص ببرک کار مل منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق ا فغا نستا ن رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیک افغا نستان می گذرد مصئونیت کامل را در کشور خود ایجاد نمایند و حقیقت این امر را میتوان از تدویر پیروز مندانه نخستین کنگره‌اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان دریافت نمود .

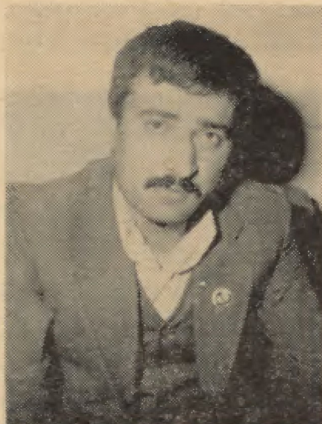
د راین کنگرهٔ با عظمت وحدت نظر واتفاق آراء میان نما ینده‌گان صنوف مختلف زحمتکشان افغانستان مشاهده گردید و ما از خلال جلسات این کنگره باشکوه‌توانستیم به بسیاری از کار هایی که از طرف اتحادیه انجام یافته اند آگاهی یابیم .

ما در دوران اقامت خود در افغا نستان با رفیق ستار (پردلی) رئیس هیات رئیسه شورای‌مرکزی اتحادیه های صنفی زحمتکشان ا فغا نستا ن و همچنا ن ر ئیس شورای شهری و اعضای اتحادیه های صنفی فابریکهٔ خانه سازی‌آشنا شدیم و باور کامل حصل نمودیم که اعضای اتحادیه های سند یکایی افغا نستان می توا نند و ظایف و دساتیر محوله رابه زودی و به موفقیت هرچه تمامتر انجام دهند .

گونته میولر راجع به روابط موجود میان اتحادیه های صنفی زحمتکشان جمهوریت د مو کراتیک آلما ن با اتحاد یه های سند یکا یی دیگر کشور های جهان چنین اظهار داشت :

اتحادیه های صنفی کشور ما با تمام اتحادیه های صنفی زحمتکشان جهان ارتباط محکم و نا گسستنی دارد و اتحادیه های صنفی جهان نقشی ارزنده یی را در امر برسمیت شناختن آلمان دمو کرا تیک بازی نموده اند و از همین جهت است که همبستگی اتحادیه های صنفی زحمتکشان جهان برای ما ارزش زیادی دارند و ما بر آن بسیار ارج می گذاریم . ما با اتحادیه های صنفی زحمتکشان کشور های سو سیا لیستی از تبا طات بسیار محکم و نیرو مندی را دارا می باشیم. همچنان از تبا طات بسیار خوبی میان اتحادیه های سند یکایی کشور ماوممالك آسیا، افریقا و امریکای لاتین و جود دارد و ما از مبارزات برحق و عادلانه خلقهای این سر زمین ها حمایت و پشتیبانی بعمل می آوریم . بهمین قسم ارتباط عادی بین اتحادیه های سند یکایی آلمان دمو کرا تیک و کشور های کپیتا لستی نیز موجود است ،مثلا با انگلستان ، جاپان ، ایتالیا و کشور های دیگر مانند آلمان فدرال ارتبا طات عادی داریم .

نامبرده نقشی اتحادیه های سند یکایی کشور ما را در امر سر کوب و امحای عناصر ضد



ظاهرمعاشر نماینده ولایت سمنگان

انقلاب شکو همند ثور چنین بیان داشت :

هنگا میکه از فابریکه خانه سازی بازدید بعمل آوردیم و با کار گران دوران ساز افغا نستان ملاقات نمو د یم بسیار خورسند گردیدیم، زیرا مشاهدهٔ آن هایکی از آرزوهای دیرینه و قلبی ما بشمار می رفت. این مو ضوع یعنی خرابکاری های عنا صر ضد انقلاب شکوهمند ثور ما را بیاد آن روز گاری می اندازد که دشمنان آزادی خلقهای میهن ما نیز می خواستند چنین کاری را انجام دهند .

در سال (۱۹۵۳) ارتجاع و امپریا لیزم سعی نمودند تا در کشور ما نیز عناصر ضد انقلاب را تر بیه نما یند و از ین طر یق بتوانند بر ضد میهن و مردم ما اعمال سبو تاژ کا رانه‌یی را انجام دهند . ولی کار گران دوران ساز کشور ما برای دفاع از انقلاب خود گروپ های مقاومت را تشکیل‌دادند و از انقلاب خود قاطعانه دفاع نمودند . از این جهت است که دشمنان مردم ما امروز خوب میدانند که اگر بخواهند علیه انقلاب ما کدام عمل خرا بکا رانه‌یی را انجام دهند به سر کوب بی امان از طرف همهٔ کار گران جمهوریت دمو کرا تیک آلمان مواجه میگردند و همه زحمتکشان کشور ما ازمیهن دوست داشتنی خویش پشتیبانی می نمایند .

از آن جاییکه دفاع ازدست آورد های انقلاب وظیفه دایمی اتحادیه های صنفی زحمتکشان بشمار می آید ما آرزو مندیم که کار گران و زحمتکشان دوران ساز افغانستان با تشکیل گروپ های مقاومت در چوکات اتحاد یه های صنفی بر دشمنان انقلاب موفقیت های زیادی کما یی نمایند، سیا ستی که ا کنون در کشور شما برای دفاع از انقلاب از طرف اتحادیه های صنفی زحمتکشان در پیش گرفته شده است ، سیاست معقول و لازمی می باشد که مردم افغا نستان را به پیروزی های مزیدی نایل خواهد



عزیز الله کارگر نماینده ولایت هرات

کرد .

گونته میولر عضو شورای مرکزی و رئیس شورای ولایتی (گیر) و نماینده اتحادیه های سند یکایی جمهوریت دمو کرا تیک المان در نخستین کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان بیام خودرا عنوانی کار گران و زحمتکشان افغا نستان چنین بیان داشت :

ما یقین داریم که زحمتکشان افغا نستان اکنون راه مشخصی را در پیش دارند و آرزو مندیم زحمتکشان افغا نستان با تشکل انقلابی هرچه بیشتر در اتحادیه های سند یکایی بزودی بتوانند جا معه عا دلانه فارغ از استثمارفرد از فرد را در کشور خود اعمار نمایند و در وظایف سترگ خویشی در این راه مقدس پیروزی های زیادی کسب نمایند .

در این قسمت مصا حبه خود با محترمه نفیسه (پیکارگر) عضو هیات رئیسه شورای مرکزی و رئیس کمیسیون دفاع از کار و تولید اتحادیه های‌صنفی زحمتکشان افغانستان به گفت و شنود آغاز می کنم .

پیکارگر نظرش را در باره نخستین کنگره اتحادیه های صنفی زحمت کشان افغا نستان اینطور بیان می دارد :

اولین کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان که‌درشرایط حساس کنونی تاریخی کشور د ا یر گر د ید به یقین تما یلا ت حزب د مو کرا تیک خلق افغا نستان را درجهت بهبودشرایط زندگی زحمتکشان به اثبات می رساند .

وی گفت : در این کنگره تاریخی مطالب نهایت اساسی و ارزشمند در حیات صنفی زحمتکشان افغانستان مورد بحث و مذاکره قرار گرفت که مهمترین آنها تصو یب مسودهٔ مصوبه اولین اساس نامهٔ اتحادیه های صنفی زحمتکشا ن افغا نستان می باشد که بر اساس آن همه زحمتکشان کشور ما هرچه فشرده تر بدور اتحادیه های صنفی خویش در تحت رهبری حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان بسیج می شوند و مبارزات عادلانه خود را برای رفع هر نوع عقب مانده‌گی به‌جلو دنبال می‌نمایند.

رئیس کمیسیون دفاع از کار و تولید اتحادیه های صنفی‌زحمتکشان افغا نستان در مورد اساس نامهٔ اتحادیه های صنفی چنین ابراز نظر نمود :

در مواد اساس نامه امتیازات و حقوق اعضای اتحادیه‌به صراحت تذکر داده شده است که مادرین‌جا دو مثالی از آن را بیان می داریم :

در اساس نامه گفته شده است زنانیکه عضو اتحادیه اند اگر بنابر وضع حمل و یا ولادت خلایی در جریان کار آن ها ایجاد گردد وبه از رفع معذرت عایده دو باره به شغل سابقهٔ خود مراجعه کنند حقوق و امتیازات آنها برابر باتمام

بقیه در صفحه ۵۲

پوهاند م.ن. نگهت سعیدی

و دکتور خال نظر اورال زاده



اعلاخان افصح زاد . روز گار وآثار عبد الرحمان جامی . زیر نظر محمد سیف الدین عاصمی عضـــوعلی البدل اکادهٔی علوم اتحـــاد شوروی . نشریات ((دانشس)) شهردو شنبه ، ۱۹۸۰ ، ۲۲٤ صفحه ، به خط تاجیکی .

...

رسالهٔ جدید در بارهٔ روز گار و آثار مولانا نورالدین عبد الرحمان بن نظام‌الدین احمد بن شمس‌الدین محمد جامی هروی که تازه به نشر رسیده است ، یکی از جدید ترین کتا بهای پژوهشی دانشمند شرق شناس تا جیکستانی اعلاخان افصح زاد میباشد .

میراث ادبی مولانا عبد الرحمان جامی از ذخایر معنوی بشری است وعبارت است از آثار ارزنده ه در مو ضوعهای مختلف ادب ، فلسفه و حکمت ، تصوف و عرفان ، وکلام که به زبانهای دری و عربی نوشته شده است .

مطالعهٔ روز گار و آثار این شاعر و نویسندهٔ زبر دست ، در هنگام زندگی او اساس گذاشته شده‌بود. مولف رساله به تاکید بیان میکند که اگر تمام آثار مربوط به زندگی وایجاد یات مولانا عبدالرحمن جامی در یکجا جمع کرده شوند ، صدها جلد کتاب را تشکیل میدهند . در این باره در بخشس (تو ضیحات) کتاب مذکور به ۵۳۰ مرجع و ماخذ مختلف اشاره شده است که دلیل سخن ما میباشند .

طبق معلو مات منابع ادبی ، از اولین محققان زندگانی و ایجادیات مولانا عبد الر حمان جامی ،دولتشاه سمر قندی (در تذکرة الشعـــراء ، سال ۸۹۲ هجری قمری) ، امیـــر علی شیر نوایی (در مجالـــس النفایس و سد سکندری ،سالهای ۸۹۶ و ۹۰۴ هجری قمری) ، معین الدین اسفزاری (در روضات الجنات فی او صاف مدینة الهراة سال ۸۹۸ هـ . ق.) حسینی گازر گاهـی (در مجالس العشاق . سال ۹۰۸ هـ ق) و کمال الدین بنایی (در بهـروز و بهرام، سال ۹۱۳ هـ . ق.) میباشند

غیر از ادیبان ذکرشـــده ، از معاصران مولانا عبد الرحمان جامی، سهیلی ، هاتفی ، کاشفی ، عبدالله مروارید ، مسعود ترکمن ، آصفـی هلالی و دیگران نیز مطالبی راجع‌به زندگانی و افکار او در آثار خـود گنجانیده و اعتقاد و صداقت‌خویش را نسبت به استاد جامی افـــاده کرده اند .

موضوع بررسی روزگار و آثـار و اندیشه های جامی پس از فوت او ، در دوره های مختلف ، توجه‌و دقت ادیبان ، شارحان و محققان را جلب کرده است که ما از بخـشس ((تو ضیحات)) (صفحهٔ ۲۰٤)رساله اطلاع یافتیم .

اعلاخان افصح زاد پیشس از این کتابی که مادر دست داریم ، چندین رساله و مقالهٔ تحقیقی و علمی را در بارهٔ روزگار و آثار و افکـــار مولانا عبد الرحمان جامی تالیـــف کرده است که بعضی از آنها رابه خوانندگان محترم یادآوری میکنیم :

۱ـ عبد الر حمان جامی ، بهار-ستان (مقدمه و توضیح برخـی از کلمه ها و اصطلاحات توسط اعلاخان افصح زاد) ، به خط تاجیکی ،شهر دو شنبه ، ۱۹٦٦ .

۲ـ اعلاخان افصح زاد، داستان (لیلی و مجنون) عبد الر حمان جامی شهر دوشنبه : نشریات (دانشس) ۱۹۷۰ (به خط تاجیکی) .

۳ـ عبد الر حمان جامی ،بهار-ستان . با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد ،شهر دوشنبه : نشریات (دانشس) ، ۱۹۷۲ (به خط دری) .

٤ـ عبد الر حمان جامی ؛ لیلی و مجنون . متن علمی و انتقادی و مقدمه ازاعلاخان افصح زاد ، مسکو: ادارهٔ انتشارات دانشس ، شعبـــهٔ ادبیات‌خاور ، ۱۹۷٤ (به خط دری).

۵ـ عبد الرحمان جامی ، دیوان اول : فاتحة الشباب . متن علمی و انتقادی با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد ، مسکو : ادارهٔ انتشارات دانشس ، شعبهٔ ادبیات خاور ،۱۹۷۷، (به خط دری) .

٦ـ عبد الر حمان جامی ، دیوان دوم : واسطة العقد ، و دیوان سوم: خاتمة الحیاة . متن علمی و انتقادی با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد ،مسکو :ادارهٔ انتشارات دانشس شعبهٔ ادبیات خاور ، ۱۹۸۰ (به‌خط دری) .

در اینجا از موقع استفاده کرده، چند محقق جامی شناس عصرمعاصر افغا نستان را نیز نام می بریم .در ماه قوس ۱۳٤۳ در شهر های کابل و هرات ، پنج صدو پنجا همیـــن سال تولد نور الدین عبد الرحمان جامی هروی تجلیل گردید . در این محفل ، بسا دانشمندان و محققان اشتراك کردند و درنتیجه ،مجموعهٔ مقالات مربوط به جامی به طبـــع رسید (کابل ۱۳٤٤) و رسایـــل و کتابهای ذیل انتشار یافت :

از پو هاند عبد الحی حبیبی :

۱ـ تحقیق سلامان و ابسال جامی

۲ـ تصحیح وتحشیهٔ طریقهٔ خوا-جگان ، از فکری سلجو قی :

۱ـ تاریخ خیابان هـــرات ، از انتشارات انجمن جامی ، کابـل ، ماه عقرب ۱۳٤۳ ،

۲ـ تصحیح و تحشیهٔ مقا مـات شیخ الإسلام به قلم جامی از روی نسخهٔ عربی ، از محمد اسماعیـل مبلغ : ۱ ـجامی و ابن عربــی

۲ـ تعلیق بر سلامان و ابسـال

۳ـ نقد فلسفه از نگاه جامی از مایل هروی

مقدمه و تصحیح و تعلیق شرح رباعیات جامی ، و از دکتور روان فرهادی افزون بر مقاله ((آغـاز و انجام عشق و عشقبازی در لیلی و مجنون)) مندرج در مجموعهٔ مقالات جامی منتشر در ســال ۱۳٤٤ ، (فهرست آثار مولانا عبد الرحمان جامی هروی با ذکر نسخه هـــای چاپ شده ونسخه های عمدهٔ خطی که به قلم خود جامی نوشته شده گنجینهٔ آرشیف ملی افغا نستـان) در روز نامهٔ انیس ما ههای حمل و ثور ۱۳۵۷ چاپ شده .

از روی مقالهٔ دکتور روان‌فرهادی منتشر در وز نامهٔ انیس ، معلوم میگردد که محمد ابراهیم ستوده به تهیه فهرست علمی کتب چاپی از آثار جا می مشغو ل بوده و محمد انور نیر به تدوین فهرست کتـب خطی جامی در کتا بخانهٔ هـــای افغا نستان اشتغال داشته است .

مولف رسالهٔ (روز گار و آثـار عبد الرحمان جامی) از زندگانـی . محیط . تعداد آثار و قسما شـرح آنها ، تاریخ تالیف آثار ، از زمینه های تاریخی و اجتماعی تحول افکار بزرگترین سخنور و متفکر قـرن نهم افغانستان نورالدین عبدالرحمان جامی سخن میگوید .

مندرجهٔ کتاب ، عبارت است از: (آغاز) ، باب یکم (روز گار جامی) (طفولیت ، تحصیل و جوانی جامی میانه سالی و پیری او ، جامـی و تمدن نیمهٔ دوم قرن نهم هجـری قمری ، وفات جامی ، با بدوم (آثار جامی) (بحث در بارهٔ تعداد و مقدار و نام آثار جامی ، اثر های بدیعی‌او اثر های علمی وی) . در آخر کتاب انجام تو ضیحات ، و روی خـــط اختصا رات ، گنجانیده شده .محرر مسوول رساله ، عبد النبی ستاروف است .

در آغاز کتاب در پانزده صفحه، اساسا راجع به دانشمندان محقق روز گار و آثار وافکارجامی درممالك مختلف شرح دادم شده . آشکـار است که در سال ۱۹٦٤ در برخی از کشور های جهان پنج صـدو پنجا همین‌زاد روز مولاناعبدالرحمان جامی به صورت پر شکوه تجلیـل

بقیه در صفحه ۵۳

نوشته : اسمعیل «محشور»

«بوی نفت وسود سرشار از تجارت نفت، امریکا را دیوانه ساخته، نه امنیت ملی اش»

درمیان کشور های رشدیافته صنعتی جهان غرب‌ایالات متحده امریکابزرگترین‌کشورتولید کننده ودر عین‌حال بزرگترین کشور مصرف کنندهٔ نفت در جهان غرب‌است • درسال۱۹۷۷ درین کشور ٤٥٠ملیون‌تن‌نفت خام تولید شده درهمان سال نفت منبع عمدهٔ انرژی مصرفی ایالات متحدهٔ امریکا بوده وسهم آن در مجموع مصرف انرژی به٤٩ فیصد می‌رسید • در حال حاضر سهم کشور مذکور در مجموع تجارت سوخت مایع جهان‌در حدود۲٥ فیصد است واین موضوع ایالات‌متحدهٔ‌امریکارابه بزرگترین خریدار نفت خام‌و گاز مبدل گرده‌است •طبق محاسبه ایکه انجام گرفته است،واردات‌سوخت امریکا طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۷ در حدود ۳۸ فیصد افزایش یافته است • علت این افزایش سریع مصرف درشرایطی که تقاضای آن بطورنسبی ثابت مانده آنست‌که طی این مدت تولید نفت خام امریکا ٥۰ ملیون تن وتولید گاز طبیعی آن ۷٥ ملیارد متر مکعب کاهش یافته است • دراین مدت در ترکیب جغرافیایی صادر کنندگان سوخت مایع به ایالات متحدهٔ امریکانیز تغییر محسوسی‌بوجود آمده به این ترتیب که سهم کانا دابه‌یک سوم کاهش یافت وسهم کشورهای (اوپك) دوبرابر شد• درسال ۱۹۷۷ سهم اوپك در واردات سوخت مایع امریکا ۸۰ فیصد بود ، هکذاپیش بینی شده که در آینده‌وابستگی امریکا به‌نفت وگازوارداتی بیش از پیش تشدید می یابد . این روند در کشور های اروپای غربی (به استثنای انگلستان و ناروی) وهمچنین جاپان که فاقد منابع نفتی هستند ، نیز ادامه خواهد یافت . پخش ناموزون منابع نفت و تولید آن درجهان همراه بارشدفزایندهٔ تقاضای سوخت مایع‌در کشورهای‌رشدیافته صنعتی سرمایه داری ، نقش بازار خارجی نفت را بالامی‌برد و در نتیجه آن مواضع دول صادر کننده نفت (اعضای اوپك) را در تجارت خارجی تفویت می‌کند جدول زیرین تولید و صادرات نفت‌خام کشور های عضو اوپك رادر سال ۱۹۷۷ نشان می‌دهد • ارقام زیرین به ملیون تن میباشند•

نام مملکت	تولید	صادرات
عربستان سعودی	۴۸۰	۴۴۰
ایران	۲۸۵	۲۹۰
عراق	۱۱۵	۱۰۵
لیبیا	۱۰۵	۱۰۰
نایجریا	۱۰۵	۱۰۰
کویت	۱۰۰	۱۰۰
امارات متحدهٔ عربی	۱۰۰	۹۵
وینزویلا	۱۱۰	۱۰۰
الجزایر	۵۵	۵۵
اندونزیا	۸۵	۲۰
قطر	۲۰	۲۰
گابن	۱۰	۱۰
اکوادور	۱۰	۱۰

جدول بالا چگونگی وضع کشور های اوپك را که یك محصول یعنی فقط نفت خام تولید می‌کنند نشان می‌دهد•درسال۱۹۷۷ صد فیصد نفت کویت ، قطر ، گابن الجزایر واکوادور، ۹٥ فیصد نفت نایجر یاوامارات متحدهٔ عربی ۹۱ فیصد نفت ایران وعراق ، ۹۰ فیصدنفت عربستان سعودی ونزویلا بشکل خام به بازار جهانی صادر شده است که نمایانگر عمل‌کرد استعمارنو در کشورهای عضواوپك میباشند.

از آنچه گفته شدبه این نتیجه می‌رسیم که درسال ۱۹۷۷ تقاضا برای نفت خام درکشور های عضو سازمان همکاری وتوسعهٔ اقتصادی (او ،ای ،سی ،دی) به ٦ر۳۹ ملیون بیرل درروز رسیده بود وازآن‌جمله در اروپای غربی به ٦ر۱۳ ملیون ودر ایالات متحده به ۲ر۱۸ ملیون بیرل روزانه بالغ شد • در همان سال سهم اروپای غربی وامریکا درمجموع تولید نفت جهان سرمایه داری ۳ر۱۱ ملیون بیرل در روز وسهم کشور های عضو اوپك ۲ر۳۱ میلون بیرل در روز بود • او سط آهنگ رشد تقاضا برای نفت و مشتقات آن در فاصله سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۷ در کشو ر های رشد یافته سرمایداری ۸فیصد بود . حال آنکه در کشور های رشد یابنده این رقم به ٤۳ فیصد می‌رسید • بانکه آهنگ رشد مصرف محصولات نفتی در کشور های در حال رشد سریع تراست ، کشور های رشد یافتهٔ صنعتی سرمایه داری با صرف ۳ر۷۸ فیصد مجموع محصولات نفتی‌در«جهان‌سوم»باسرعت بیشتری افزایش خواهد یافت •

مثلا طبق پیشس بینی های که انجام گرفته درسال ۲۰۰۰ میلادی سهم کشور های جهان سوم به ۲۰ تا ۲٥ فیصد مجموع مصرف محصولات نفتی خواهد رسید واین امر تاثیری زیادی در بازار جهانی نفت خواهد داشت •

در حال حاضر کشور های عضو اوپك حدود ۹۰ فیصد صادرات نفت خام رادر دست دارند به موجب بر آورد کار شناسان درسال ۱۹۸٥ تقاضای روزانه برای نفت خام تولیدشده در کشور های عضو اوپك بین ٤۲ ملیون بیرل الی ٥٤ ملیون بیرل روزانه (۱ر۲ ملیاردتن الی ۷ر۲ ملیارد تن درسال) خواهد رسید• واضح است‌که کشور های عضو اوپك با در دست داشتن چنین اهرم نیرومندی نه تنها می‌توانند در بازار جهانی نقش موثری داشته باشند ، بلکه در عین حال می توانند درشیوهٔ استفاده از ین ماده گرانبها نیز تغییر بنیادی پدید آورند • بهر حال از هم اکنون می‌توان گفت که در آینده‌نزدیك‌تقاضادر بازار جهانی نفت‌خام بعلت کاهش نسبی خود کفایی‌کشور های رشد یافته صنعتی‌به‌سوخت مایع ، بیشتر از عرضهٔ آن خواهد شد ولذا قیمت نفت خام نمیتواند در سطح کنونی آن باقی بماند ،البته عوامل دیگری‌نظیرتورم وافزایش‌قیمت تولیدات صنعتی نیز موجب افزایش قیمت نفت خام خواهد شد • واما افزایش قیمت نفت به نوبهٔ خود ، طرح های مربوط به بهره برداری از منابع انرژی پرمصرف راکه تاکنون بعلت رقابت نفت ارزان قیمت،اقتصادی نبوده بتدریج مقرون به صرفه خواهد کرد •

پایگاه عمده استعمار نو :ـ

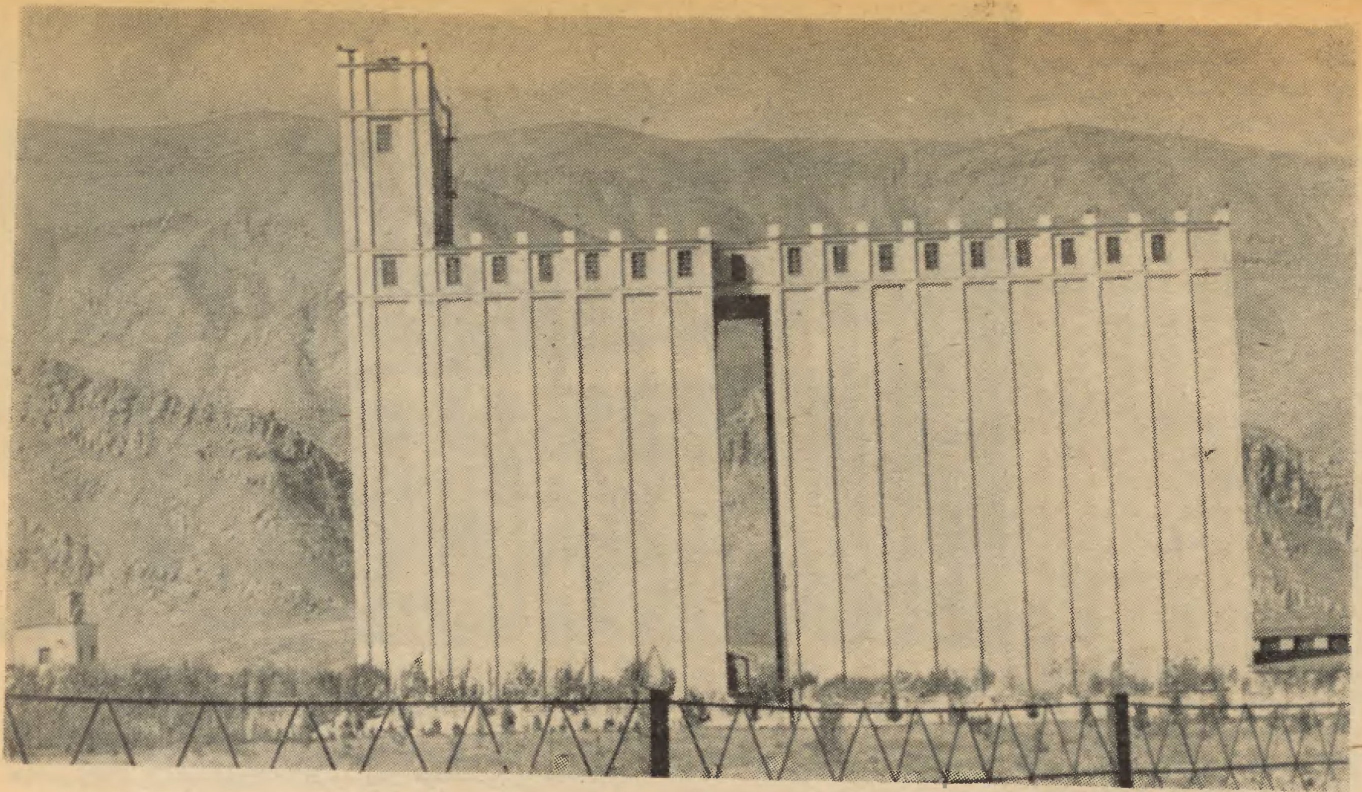
انحصارت جهان سرمایه برای خفه کردن کسانیکه به پیروی از سیاست آنها تن درنمی دهند، علاوه بروسایل مالی، شیوه های‌سیاسی وحتی تروریستی نیزبکار می‌برندتاریخ معاصر همه کشور های نفت خیز آسیایی ،افریقایی وا مریکای لاتین که مشحون از جنایات‌بیشمار امپریالیزم نفت خوار است • صحت این نظر را بار هابه ثبوت رسانیده است .

امپریالیزم نفت خوارباوجود ضرباتی که‌تاکنون بدان وارد شده ، هنوز هم یکی از بزرگترین دشمنان مردمان ممالك نفت خیز وعمده ترین پایگاه استعمار نواست •

عرصهٔ تولید وتوزیع انرژی یکی از عرصه هائیست که روند انحصاری درآن عمیقا ریشه دوانیده است . کنسرن (انحصارات نفت)نفت نیز نیرومندترین گروههای انحصارات جهان سرمایه داری را تشکیل می‌دهند ودر میان‌آنها انحصارات چند ملیتی نقش عمده را بعهده دارند • این انحصار ها شاخه خاصی از

بقیه درصفحه ٤٤

نام کمپنی	سودناخالص	سودخالص	سرمایه‌گذاری	سرمایه اصلی
اکسون	٦٤٠٤	۲٤۲۳	۳٥۹۸	۲۰٥۳۸
گلف اویل	۲۱۸۸	۷٥۲	۲۰٦۸	۸۳۳۲
موبیل اویل	۲۷٥۹	۱۰۰٥	۱۲۸٥	۹۰٤۳
ستاندرداویل	۲٦۱۳	۱۰۱٦	۸۹۹	٦۱۹۹
تك گواویل	۲٥۲۸	۹۳۱	۱۲٤۸	۹۸۹۷
برتش پطرولیم	۱۸۲٤	٦۰۸	۱٤٤۲	٦٥۹٦
رویل دج شل	٦٥۹٤	۲٦۸۰	٤٤٤٤	۱٦۲۸۲



نمایی از عمارت سیلوی پلخمری‌که به‌کمک‌اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده است .

یك نظر خوا هی همه جانبه ازاقشار مختلف مردم پیرامون :

ارزشها و مایه‌های دوستی افغان-شوروی



حلیمه احمدی

حلیمه احمدی‌که دختری است جوان ونیك اندیش و فارغ التحصیل از لیسه رابعه بلخی چهارمین کسی است که بااو به گفت‌و شنود میپردازم وی که از کلامش هویدا است که صاحب مطالعه‌کافی در زمینه های سیاسی و اجتماعی می باشد در پاسخ به این سوال‌که ازنظر وی دوستی مردم افغا نستان باهمسایه بزرگ شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی واجد چه ارزش ها می باشد واین روابط حسنه در مجموع خود چه اثراتی در امر انکشاف و پیشرفت کشور ما داشته است چنین ابراز نظرمی کند :

** سود مندی این نتایج بحدی گسترده‌و متنوع است که دراین گفت و شنود کوتاه‌مدت به بررسی نمی آید . به نظرمن هرفردی از کشور ما که صاحب‌اندك‌شعور سیاسی وآگاهی اجتماعی بوده و مطالعه یی هر چندکم و ناکافی درتاریخ کشور داشته باشد صاحب ایـــن نظر و اندیشه نیز می باشد که کشور کبیر شـورا هـــا نـــه تنهـا در دورهٔ پیـروزی ا نقـلا ب شکـو همنـد نـو ر بلکه از همان آغاز پیـروزی انقـلاب کبیراکتوبر و بـــه ثمر رسیدن انقلاب‌کار گری در عرصه سیاست جهانی به‌عنوان بزرگترین‌حامی‌نهضت‌های‌مترقی مردم سر زمین های مختلف به شناخت آمده‌و باپیروی از همین سیاست انساندوستانه از پیروزی نهضت آزادی خواهی مردم قهرمـــان افغانستان در زمان غازی امان الله خان و استردادآزادی کشورماونجات خلق‌کشورازیوغ استثمار و استعمار بریتانیای کبیر یار ویاور مابوده است .

کشور همسایه بزرگ شمالی ما در بیش‌از شصت سالی که از عقد معاهده دوستی دو کشـور مـی گـذرد تـاکنـون در امـــر سازندگی جامعه و شگوفایی آن با گستـــرده ساختن ساحه همکاری در مسایـــل اقتصادی فرهنگی ، اجتماعی ، نظامی ، تخنیکی و تعلیمی نقش فعال ، مثبت و ارزنده داشته است .

حلیمه احمدی دریك بخش دیگر ازسخنان خود ودر جواب به یك پرسش دیگر این‌طور می گوید که :

** اساسا سو سیا لیزم در مجموع وکشور کبیر شورا ها به عنوان نخستین به پیرو زی رساننده ی انقلاب کار گری در جهان سیاست انترناسیونا لیستی کارگری را کـــه در آن ارزش های صلح خواهی و حمایت از صلح عادلانه در هر گوشه جهان است و هم چنین حمایت از کشور های ضعیف در برابر امپر-یالیزم جهانخوار در صدر اهداف سیاسی‌خود پذیرفته است و به همین دلیل هم است که این کشوربعد ازپیروزی انقلاب کبیر اکتوبر باهمه نهضت های آزادی خواهی ضد امپریا-لیستی در سطح جهانی همنوایی داشته است وباز هم دارد .

در مورد کمك های شوروی به‌افغانستان و ارزش دوستی دیرپای‌میان دو کشور به‌صورت بسیار فشرده باید گفت که با الخصوص در شرایط بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند نورو بازهم در بعداز پیروزی‌مرحله نوین تکاملی‌آن این دوستی بی شایبه و با ارزش ما را یاری

لطفاً ورق بزنید



نمایی از انستیتوت پولی تخنیك كابل كه بكمك كشور دوست اتحاد شوروی ساخته شده است .

«دوستی افغان و شـــوروی ازآزمون زمان موفقانه بدر آمده چنانكه مروری بر ارزش های این دوستـی در جریان دهه هایی که بـــر آن گذشته است ما را متیقن میســازدشوروی تنها کشوری بوده است که بدون نظر داشت خاص سیاســی وصرفا به منظور سهمگیـــری در انکشاف کشور عقب نگهداشته شده‌ما کمکهای بدون قید و شرط خودرا در اختیار ما قرار دهد .»

* * *

«نخستین همکاری و کمــــك شوروی برای افغا نستان چه وقت ودر چه مواردی صورت‌گرفت ؟»

داد تاز توطئه های خاینانه ومرتجعانه ضد انقلاب در داخل کشور بتوانیم جلو گیـــری کنیم و نقشه های شوم امپریالیزم خونخوار امریکا و دیگر کشور های وابسته به‌سیاست آنرا در سطح جهانی‌ودربخش مربوط به فعالیت های تخریبی در موردافغانستان انقلابی راعقیم گذار یم پس چه به‌جاست بگوییم پاینده و همیشه باد این دوستی دو جانبه ، عمیق و تاریخی میان کشور های ما .

* * *

کامله کوهستانی معلم درکودکستان زرغونه خانم جوانی‌است که دارای دیدواندیشه در مسایل سیاسی و اجتماعی بوده‌وگویا مطالعاتی نیز دراین زمینه ها دارد که از محتوای کلام‌و برداشت هایش از مسایل بخوبی آشکـــار است . وی‌وقتی به سخن می نشیند و گفت‌و شنود رابه آغاز می گیرد در جواب به اولین پرسش دراین مورد که به نظر او انگیزه‌اصلی وواقعی از تبلیغات ضد افغا نستان به وسیله وسایل ارتباط جمعی کشور های امپریا لیستی چه می باشد و چرا این کشور ها در پروپاگند های دوامدار خود می کوشند از دوستی افغان وشوروی چهره غیر واقعی رابه نمایش‌گذارند وواقعیت هارا در این زمینه مسخ گرداننده‌می گوید :

«نخست پیش از اینکه به مرور ایـــن اهداف ارتجاعی بپردازیم باید شناختی از ماهیت امپریا لیستی داشته باشیم .امپریالیزم درسطح جهانی می خواهد به مکیدن خود ازخون کشورهای دیگر دوام دهد می خواهد منافع آزمندانه استعماری و استثماری خودرا در قاره های جهان از دست ندهد، می خواهد نظا م‌های غیر ملی فیودالی و بورژوازی درمیان ملل قدرت سیاسی رادر دست داشته باشد تابه وسیله آنها اهداف شوم امپریا لیستی‌به عمل پیاده شده بتواند واز همین روی وقتی در کشوری یك نظام مترقی ضد امپریالیستی به‌قدرت میرسد . وقتی انقلاب های دموکراتیك در کشور هاراه موفقیت را می پیمایند و زمانی که مقاصد صلح‌خواهی وصلح‌طلبی‌مانع مقاصد جنگ افروزی امپریا لیزم می گردد که به آن به‌عنوان یك اصل‌اقتصادی از راه فروش‌اسلحه وفعال نگاه‌داشتن کارخانجات‌تهیه موادتسلیحاتی خود مینگرد . طبیعی است که واکنش نشان میدهد وبانمام امکانات و قوای خود می‌کوشد این‌گونه انقلابات ونظام هارادر نطفه خفـــه گرداند و یا از رشد وبالندگی آن جلو گیر شود .

بااین مقدمه و با آشنایی که به ماهیـــت انقلاب دموکراتیك و ضد امپریا لیستی افغا نستان انقلابی داریم علت پروپاگند های‌غیر واقع ودروغین کشور های امپریا لیستی نیـــز آشکار می گردد . آنها چون میدانند که‌دوستی دو کشور افغانستان و شوروی نمونه بسیار خوبی از همسایگی نیك و همکاری و احترام متقابل می باشد که در تامین صلح در این منطقه جهان اثری نیك دارد مي کوشند ازآن چهره دروغین و غیر واقعی به نمایش گذارندتا ازیکسو افکار مردم جهان را مشوش گردانند واز سوی دیگر از آب گل آلود به نفع خود ماهی بگیرند .»

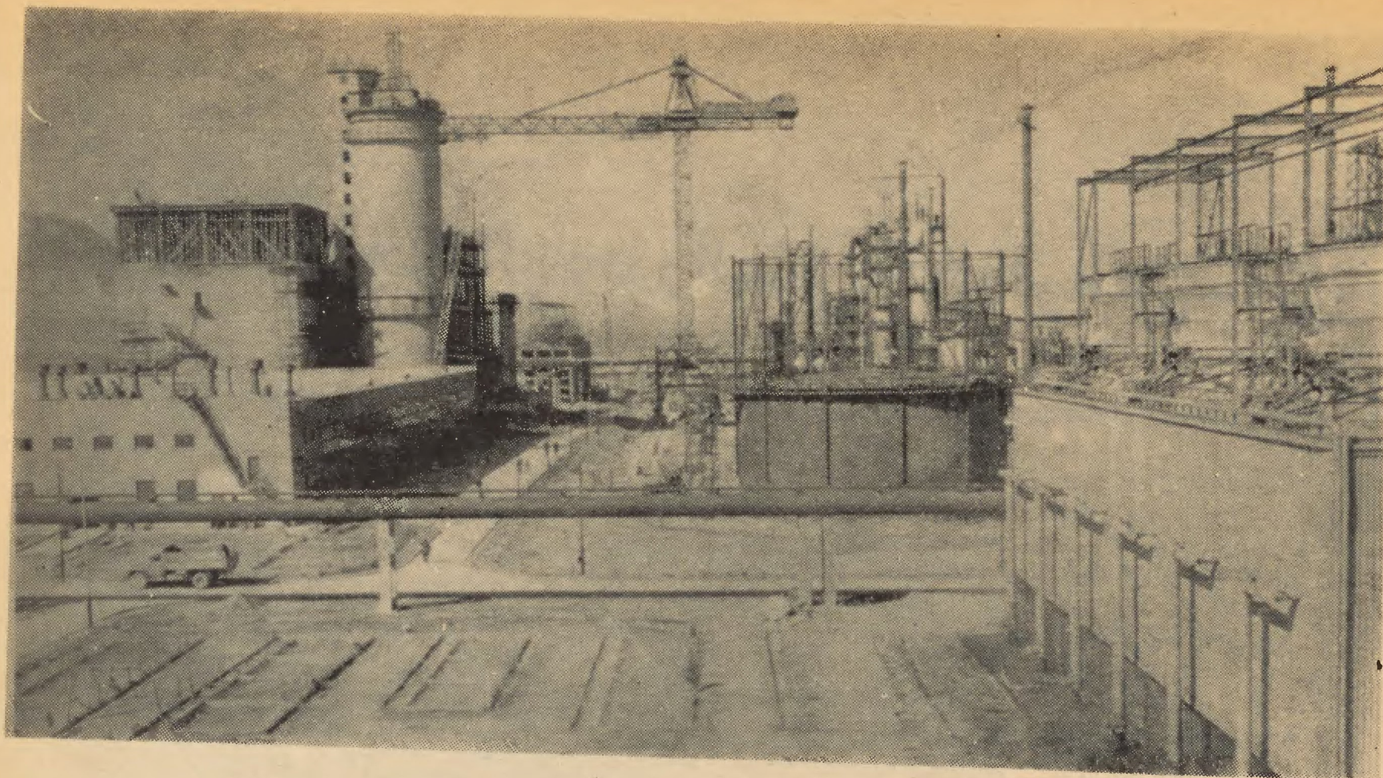
اواظهار نظرمی‌کندکه : امامردم ما اکنون بخوبی ازاین نقشه های اهریمنانه آگاهـــی دارند و به امپریا لیزم به همان شکلی مـــی نگرندکه به شیطان. وی درجای دیگر از کلام خود ودرپاسخ به پرسش دیگرچنین ابرازنظر می کند که دوستی افغان و شوروی خار چشم امپریا لیزم جهان است و چه بهتر که ایـــن دوستی بازهم آنقدر عمق یابد وقوی گـــردد که‌این خار چشم دشمن راکور سازد و دلش راخونین گرداند از کامله کوهستانی تشکرمی کنم و به سراغ یکی از کارگران جوان میروم تاوی چه گفتنی هایی در زمینه مورد بـــحث داشته باشد .

محمدزاده آشناکه دراین‌بخش سخن باوی به گفت وشنود می نشینیم کارگرجوانی است که۱۲ سال تحصیل و پنج سال سابقه کار درامور طباعتی دارد . وی که در صحافی‌مطبعه

لطفا ورق بز نید



منظره یی از دستگاه استخراج نفت و گاز جرقدوق .



دورنمایی از پروژهٔ برق حرارتی مزارشریف

تعلیم و تربیه ایفای خدمت می کند پیرامون دوستی بی شایبه افغان و شوروی چنین نظر دارد که‌این دوستی نیك از تجربه زمان پیروز بدر آمده و چنان پایه های قوی‌و مستحکمی یافته است که دیگر غیر ممکن است بایاوه سرایی های دستگا ههای دروغ پراکنی کشور های امپریالیستی خدشه بردارد .

محمد زاده می افزاید که اکنون وقت آن رسیده که مردم مادوست‌رااز‌دشمن باز شناسند مابه ارزش این دوستی نیك آگاهیم . قدرآنرا میدانیم و اثرات آن را در رشد مسایل فرهنگی و اجتماعی‌واقتصادی کشور خودهمیشه پیش روی داریم و به همین دلیل آرزو مندآن میباشیم که هر روز شا لوده همکاری های متقابل میان مردم ماو مردم شوروی مستحکم ترگردد . او می گوید ما صلح عادلانه می خواهیم و پیشرفت کشور خودرا آرزو داریم وکشور کبیر شورا ها در همه این مواردیار- ماست ودوست دیرینه ماو همین است که‌مارا وامیدارد با ذره ذره وجودخود وباتمام احساس خود خواهان استحکام باز هم بیشتر این دوستی وپاری ومددگاری دوجانبه باشیم .



فابریکه سیلوی مرکز که بکمك اتحادشوروی ساخته شده است .

* * *

فریحه نوابی فارغ التحصیل لیسه زرغونه یکی دیگر از دختران جوانی است که به نظر خواهی از او پیرامون ارزش های دوستی‌خلق های افغان و شوروی میپردازیم :

وی در پاسخ به پر سش ما در این مورد که او چگونه این دوستی رابه بررسی می گیرد وچه دلایلی رابرای آن ارائه میدهد، می گوید :

** این مثالی مردمی است که آفتاب‌رابادو انگشت نمی توان پنهان داشت ، دوستی خلق های افغان و شوروی نیز چنان دلایلی محکم وانکار ناپذیر دارد که نادیده گرفتن آن چون انکار از روشنی آفتاب است .کشور کبیر شورا هابه اساس پیروی ازسیاست مدبرانه لنینی واهداف عمده صلح، آزادی ودموکراسی برای همه کشور هاو همه ملیت ها، باتوجه به‌خصوصیت ضد امپریالیستی که دارا می باشد صمیمانه بیدریغ و به منظور تحقق تامین صلح در این‌منطقه جهان به افغا نستان کمك می کند و از انقلاب ملی و دموکراتیك‌ما حمایت می نماید ، مردم شوروی میدانند که دفاع و حمایت از دست آورد های انقلاب‌ثور در کشور ما و جلو گیری از پیروزی توطئه های ارتجاع داخلی و خارجی برای سر کوب ساختن انقلاب ثور در واقع خدمت برای تامین صلح ، آزادی و تامین عدالت در جامعه ماست و به همین دلیل به این حمایت‌قاطعانه خود از کشور انقلابی ما دوام میدهند وی در پاسخ به یك پرسش دیگر می گوید :

** در مدت بیش از نیم‌قرنی که از استرداد آزادی افغانستان از امپراطوری بریتانیا می گذرد شوروی یگانه کشوری بوده است که‌درهمه حالات در جهت رشد و شگوفایی و انکشاف همه جانبه کشور ما نقش عظیم داشته است دوام همکاری بیریا و خالصانه این کشور در پروژه های فراوان علمی و صنعتی ودر پدیده های فرهنگی و مسایل اجتماعی و اقتصادی بهترین نماد ازاین دوستی به شمار می‌آید وی میافزاید: این دوستی از آزمون زمان بدر آمده و اکنون میتواند به عنوان یك نمونه‌و مدل بسیار خوب از همکاری صمیمانه میان ملل و یك نماد عینی‌وزنده از حسن همجواری واحترام متقابل و عدم مداخله درامور داخلی همدیگر به حساب آید .

از نظر فریحه نوابی هیچ فرد و طندوست‌و

بقیه درصفحه ۴۵

دلطیف لیکنه او څېړنه

هغه شاهان چه د کوه نور الماس څخه قربانی شول

دکوه‌نور دالماس په باره کی به مو ډیر څه‌او ریدلی وی.ددی الماس تاریخچه ډیره اوږده اوافسانوی ده. دغه ښکلی او ښایسته الماس چی (یو سل او نهه) قیر اطه‌وزن‌لری‌او د انگلستان د ملکی الیزا بت په‌تاج کی ځلیږی تقریبا خړ(خاکستری) رنگ لری او ددی سره سره دانسان ستر گی ددی مجال نه لری چی حتی دڅوشیبو له پاره هم ورته وگوری.

دکوه‌نور دالماس په هکله ډیر داستانونه او روایتونه شته دی.مگر په مها بهار اتا کی چی‌د هند یولر غونی ،مذهبی‌او افسانوی کتاب‌دی، ددی الماس لومړنی خاوند کارنادهند ستر پهلوان اونامتو اتل ښودل شویدی .

په مهابهارا تاکی راغلی دی چی دا الماس دلمریوه ټوټه وه چی (کارنا) ته‌دلمر رب النوع‌وربخښلی وه،له همدی‌کبله کارنا ته‌دلمردرب النوع زوی ویل کیده . کارنا به تل دا الماس دیوه کمر بند په وسیله دخپل تندی له پاسه تاړه او په دی ډول هیڅا ددی توان نه درلود چی ده ته مخا مخ وگوری .

ویل کیږی چی یوه ښکلی او ښایسته پیغله په کار نامینه شوه او داپیغله به‌هره ورځ دکارناد ښکلی مخ دلید لوله پاره‌د ده‌لاری په‌مسیر کی ناسته وه. په نوموړی پیغلی باندی یو بل ځوان هم مین‌و، مگر دا پیغله دکارنا په عشق او مینه کی داسی ډوبه وه چی بل‌چا ته‌یی توجه هم نه کوله. دنجلی دغه عاشق دخپل مقصد دتر لاسه کولو له پاره د تورو ځنگلونو جادو گرانو ته پناه یوړه. جادو گرانو به‌نوموړی عا شق‌ته‌ویل چی تر څو دکارنا په تندی دلمر ټوټه یعنی دکوه نور الماس تړلی وی دانجلی به په کارنا مینه وی او دانجلی به هغه وخت دکارنا دمینی څخه لاس واخلی چی دا الماس د کارنا څخه واخیستل شی. دتورو ځنگلو نو جا دو گرا نو نو موړی عاشق ته دا هم وویل چی که هر څوك ددی الماس خاوند شو دنړی دټولو ښځو دزړو نوما لك به‌هم‌شی.

مین سړی ددی راز تر پوهیدلو وروسته تصمیم ونیو په هر ډول‌چی وی باید دا الماس تر لاسه کړی، مگر څرنگه چی کارنا دهند یوستر پهلوان اونامتو اتل واو هیڅا دهغه سره‌دمقابلی‌توان نه‌درلوداودهیڅا کارنا نه دمبارزی میدان نه وگټلی ، والی مینه ،استدلا ل او منطق نه من،مین غوښتل په هره وسیله چی وی الماس لاس ته راوړی او په دی ډول د خپلی مینی او د نړی دټولو ښځو زړونه تسخیر کړی .

مین بالاخره په دی بر یالی شو چی (کارنا) دلمردربا لنوع زوی ووژنی او الماس ترلاسه کړی. ویل کیږی چی کار نا د خپل ژوند په‌وروستیوشیبو کی دنوموړی‌الماس څخه خپله‌کرکه څرگنده کړه‌او ددی څخه وروسته دا الماس د نارینه وو دپاره شوم وگرځید او په دی ډول کارنادکوه نورا لماس لومړنی قربانی و .

دا الماس د کارنا دمرگ څخه وروسته کلونه کلونه ورك وتر څو چی دمیلاد څخه زر کاله دمخه دهند دیو ستر راجا اویه ئین په خزا نو کی ولیدل شو . دی الماس په خپل خړ رنگ سره ستو گی خیره کولی او څوك به چی داو یه ئین په لیدلو بریالی کیدل ددی الما س د ځلیدلو په باره کی به یی داستانونه ویل او په دی ډول دنو موړی‌الماس دشهرت انگازی دخلکو په پراخه‌خ پر گتوکی خپری شوی. هیڅا ددی قدرت نه درلود چی دنوموړی الماس رښتیانی‌بیه وټاکی یوه‌ورځ داویه ئین څخه‌چاپو ښتنه وکړه‌چی ددی الماس بیه به څومره وی ؟ اویه‌ئین ځواب ورکړ: «فکر کوم چی دټولی نړی دیوی ورځی دخرڅ‌نیمایی.»

دغه جادویی الماس د(اویه‌ئین) کار هم وکړ او هغه دا چی اویه ئین په یوه جنگ کی سخته ماتی وخوړه او په دی ډول اویه ئین دکوه‌نور د الماس دوهم قربانی شو .

دکوه‌نور الماس ددوهم ځل له پاره بیاورك شو ، بیا هم دخلکو له سترگو ولوید او هیرکړی شو. یوازی سپین ږیرو او سپین سروبه ددی الماس په باره کی څه نا څه ویل‌اوپه‌دی ډول‌نږدی‌وچی د کو ه‌نور الماس او دهغه شوم والی بیخی دخلکو څخه هیر شی، چی ناڅاپه په اتمه هجری پیړ ی کی د (مالوا) دراجا «بکر ساجیت» سره ولیدل شو .

بکر ساجیت دهند دشمال غربی ایالت (مالوا) راجا د جواهر اتو او قیمتی ډبرو یوه ستره خزانه درلودله د نوموړی راجا په خزانه کی په‌زرها وو ټوټی الماس یا قوت او زمرد لیدل کیدل او دهغه ډیرو، زړورو سپا یانو شپه او ورځ‌دنوموړی بی مثله او ارزښتناکی خزانی سا تنه کوله. هغه کلا، کوم چی دا قیمتی ډبری او جوهرات پکی ساتل کیدل ډیره مستحکمه،کلکه اونه ماتیدونکی وه.بکر ساجیت هم‌دا ارزونه درلوده چی څوك دی دده ددی بی نظیری خزانی نه خبروی .

بکر ساجیت دخپلو ټولو جواهر اتونه یوازی دکوه‌نور دالماس سره ډیره مینه درلوده او کله کله به‌دنو موړی الماس دلیدلو له پاره ته . بکر ساجیت به ویل چی ددی الماس په خړ رنگ کی یوبه زړه پوری غوندی تا ثیر موجود دی چی ما ته یوه عجیبه آرامی بخښی، مگر ډیر ژر دی هم ددی الماس قربانی شو، په دی ترتیب چی شهزاده علاوالدین محمد خلجی دجلال‌الدین فیروزشاه زوم د یو ستر پوځ سره په (مالوا) حمله وکړه او دیو ستر جنگ به نتیجه کی یی بکر ساجیت ژوندی ونیو او د ځانه سره یی ډیلی ته راووست او هلته یی وواژه وروسته تر هغه دفیروز شاه مور دا الماس ځان ته‌واخیست او تر څوپوری‌چی دا الماس دهغی سره وهیڅ کومه شومه پیښه ونه شوه او په دی ډول فکر کیده چی ددی الماس جادویی طلسم او شو متیا له مینځه تللی‌دی. فکر کیده چی نور هغه ویرونکی روح چی دالما س په منځ کی وددی قربا نیو څخه وروسته آرام شو ی اودوینو دتو یولو څخه یی لا س اخستی دی.دفیروز شاه‌دمور دمرگ څخه وروسته دکوه نور الماس لاس‌په لاس وگرځید تر څو چی مغلی محمد شاه ته ورسید.

کله چی محمد شاه ته نوموړی الماس په لاس ورغی نو ددی الماس د احتمالی شومیت څخه دخلاصون له‌پاره یی امرو کړ چی دیو سر وزرو طاوس جوړ کړ ی او په مرغلرو او جواهراتو یی‌ښکلی کړی. دهند ډیرو هنر مندانو په کار پیل وکړ، لومړی یی دخالصی طلا څخه یوطاوس دطبیعی اندازی یوطاوس دطبیعی اندازی معادل جوړکړ او وروسته یی دهغی په‌وزرونو اولکی کی په زرهاوو ټوټی یاقوت ، زمرد اونوری قیمتی ډبری نصب کړی او بیایی محمد شاه ته راوړ محمد شاه چی ولید طاوس‌ډیر ښکلی جوړ شوی امری وکړ :اوس هغه الماس چی دلمردرب النوع زوی کارنایی‌قربانی شوی‌اوشوم‌گڼل کیږی ددی طاوس په ستر گو کی کیږ دی ! جواهر جو ړوونکو د محمد شاه امر پر ځای کړ او الماس یی دطاو س په سترگو کی‌وټومبه. محمد شاه وو یل: «اوس که په

رښتیا سره دالماس شوم وی‌هره‌بلا چی کولی شی په طاوس دی وکړی، زه‌الماس آزاد پر یږدم چی هر څو مره یی زړه غواړی خپل شومیت په طاوس وشندی .»

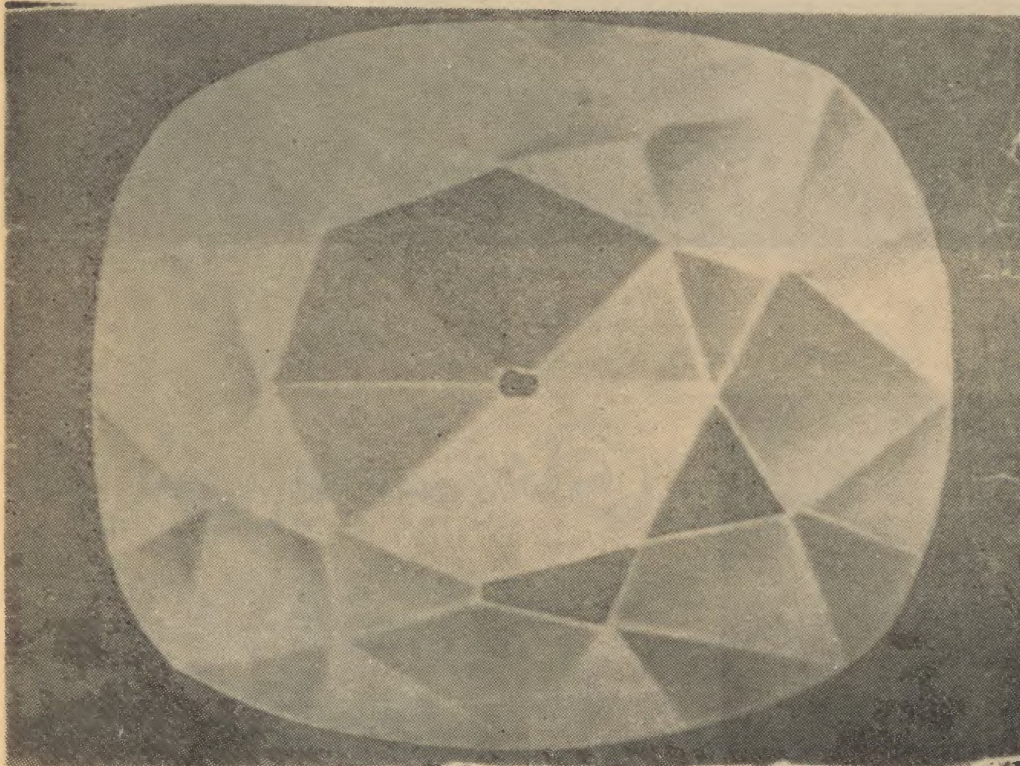
محمد شاه فکر کاوه چی په دی چل به دالماس خاوندشی بی له‌دی چی کوم زیان او ضرر ورسیږی

مگر دده دا خیال با طل ثابت شو او یوه عجیبه حادثه وشوه، اگر چی محمد شاه ددی شوم الماس دضرر څخه په امان کی پاتی نه شو، مگر ژوندی پاتی شو، په دی ډول چی نادر شاه افشار ایرانی سردار دیو ستر لښکر سره په‌هند حمله وکړه اوپه ډیری چالاکی سره یی دهند دنیمی وچی اکثره برخی ونیولی او دمحمد شاه جواهرات او خزانی هم دده په لاس کی ولویدی.

په کال (۱۷۳۹) عسیوی کی کله چی نادر شاه ددی باارزښته خزانو څخه چی لاس ته یی راوړی وی په کتنه مشغو ل و متو جه شو چی هغه ستر طاوس چی د محمد شاه‌په امیرجوړ شوی وستر-گی نلری، نادر شاه وویل چی دا یوه عجیبه مساله ده چی داسی طاوس چی ټول دی په جواهراتو او مرغلرو ښکلی شوی وی‌سترگی ونلری ؟ نادر شاه په ډیری ځیر کی سره پوه شو چی دطاوس ستر گی باید ډیری با ارزښته اوسی اوحتما غلاشوی دی، نادر شاه دالماس‌په لټه کی شو خو پیدایی نه کړ .

کله چی جنگ پای ته ورسید او نادر شاه د هند د چارو واگی یه لاس کی ونیولی نو لږه موده ورو-سته یی سلطنت بیرته محمد شاه ته پریښود. محمد شاه دځینو نورو سوغاتونو سره یو ځای دکوه‌نور الماس نادر شاه ته دتحفی په ډول ورکړ، نادر شاه ددی قمیتی الماس په لیدلو سره وویل: کو ه نور! (درو ښنایی غر) ددی نیټی څخه وروسته دهند دا شوم او تار یخی الماس دکوه نور په نامه مشهور شو. هیچا نادر شاه ته ددی شوم الماس دشو موالی په باره کی څه ونه‌ویل‌اونادر شاه هم داسی‌سړی نه‌و چی‌په دی‌خبر وباندی باور کړی. نادر شاه افشار دهند دفتحی څخه وروسته دا الماس دځا نه سره ایران ته یووړ. په کال (۱۷٤۷) عیسوی کی نادر شاه افشار هم د خپلو افسرانو له خوا ووژل شو . دنادر شاه دوژل کیدلو وروسته احمد خان ابدالی (احمد شاه بابا) دهغه دکورنی دخلاصون په‌لټه‌کی‌شو اودهغه کورنی یی‌دیاغی افسرانو د منگولو څخه خلاصه کړه .

احمد شاه بابا ته دنادر شاه افشار دکورنی له خوا ددی خدمت په مقابل کی‌دکوه نورالماس ورکړ-ای شو او په دی ډول دکوه‌نور الماس دلومړی ځل له پاره دیو افغانی شخصیت لاس ته ورغی. د احمد شاه بابا دمړینی څخه وروسته دکوه نور الماس لومړی تیمور شاه او بیا شاه زمان ته په لاس ورغی. مگر کله چی شاه محمود په شاه زمان بریالی شونو شاه‌زمان پېښور



د کوه نور الماس

ته دتگ په‌لاره کی‌دملاعاشق شینو-اری په کلاکی داستراحت له پاره کوز شو، مگر دملا عاشق له خوا ونیول شو او شاه محمود ته‌یی د شاه زمان دسر نوشت په باره کی استازی ولیږه، شاه محمود هم په ډیره بیړه دشاه زمان دړندو لودپاره

یو ټولی عسکر او یوځ ولیږه. شاه زمان چی دخپل سر نوشت څخه خبر شو نود کوه نور الماس دخپل ړندیدلو څخه مخکی دیوه دیوال په سوری کی کیښود، مگر د الما س شومیت خپل کار و کړ، شاه زمان ړوند کړی شواو دکابل په بالاحصار کی بندی شو. وروسته له هغه چی شاه شجاع دشاه زمان سکنی وروز خپل میرنی وروز شاه محمود د سلطنت‌څخه خلع‌اوبندی کړنولومړی یی ملا عاشق شینواری کابل ته راوغوښت اواعدام یی‌کړ اودکوه‌نور الماس‌یی دهغه د کور څخه پیداکړه. شاه شجاع به‌تل دا قیمتی الما س دځانه سره ساته او هڅیکله به یی دځانه څخه نه لری کاوه، مگر شاه شجاع هم دټولو هغو کسانو په سر نوشت اخته شو کوم چی دده څخه دمخه ددی الماس خاوندا ن و. شاه محمود مخلوع پاچا او دشاه

شجاع میرنی وروز دشاه شجا ع دبند یخانی څخه وتښتید او دیو لږ جگړ و څخه وروسته ددو هم ځل له پاره دا فغا نستا ن پاچا شو . شاه شجاع د کابل نه‌اپریدیو او تیرا ته وتښتید او بیا د پیښور دحکمران‌په دی بریالی نه شو چی دکوه‌نور الماس د ده څخه تر لاسه کړی‌نو بیایی د کشمیر حکمران ته بند ی ولیږه .

دیوه کال نظر بندی څخه وروسته شاه شجاع ښوره وگنله چی رنجیت سنگ دپنجاب گورنر ته پناه یوسی رنجیت سنگ چی دخدای نه شاه-شجاع غوښت په اوله‌کی‌یی دده ډیر قدر وکړ، مگر وروسته یی په ډیر سختو مشکلاتو د هغه څخه دکوه نور الماس تر لاسه کړاو په دی ډول دتل له پا ره دکوه نور الماس دافغا نستا ن څخه ووت .

شاه شجاع وروسته له دی چی ددویم ځل له پاره په کابل کی پاچا شو. دشوم دالماس دشومیت قربانی شو اوپه کال (۱۸٤۲) عیسوی‌کی دخلکو دتوپانی قیام په نتیجه کی‌ووژل شو.

درنجیت سنگ څخه وروسته د کوه نور الماس دده زوی (گر گ سنگ) ته پاتی شو .

گرگ سنگ به تل دا الما س دخپلی سینی دپاسه ځړاوه او دخپل پلار رنجیت سنگ دمیړانی سمبول یی گاڼه. ده به دا الماس هر چاته ښوده اوویل به یی: «که چیری دا الماس شوم وی نوولی زما سینه نه سوری کوی ؟

ولی دا الماس زماپه سرکومه بلانه راولی ؟»

مگر دا ځل دا بلا په گرگ سنگ هم راغله او گر گ سنگ به ډیره مرموزه توگه مسموم او ووژل‌شواو په دی ډول دا الماس چی دخپلو

پاتی په ٤٥ مخ کی

بدیع وروشنی از تغییرات غم‌انگیز روانشناسی ایوان عرضه می‌کند. تحول‌اواز یك سیاستمدار نیرومند وبشاش بیك فردمنزوی کینه جو و بدگمان بازیگران ورزیده سینما وتیاترپیکره های قوی وروشنی‌ازسرنوشت‌تاریخی شخصیت های جنگجویان سرکوبگران به شیوه فـردی بی نظیر ترسیم شده اند .

برداشت ایزنشتین از تاریخ قابل بحث است وشخص ایوان را نیز می‌توان به شیوه های گونا گون تعبیر نمود اما گیرایی فلم بزرگ ایزنشتین تلاش‌اودر ترسیم سر نوشت ایوان به عنوان یك تراژدی یـك تضادبی فرجام میان نقش عینی تاریخ وتجارب ذهنی قهرمان انکار ناپذیر است دست آورده ای افتخار آمیز ایزنشتین و همکارانش در زمینه های ترکیب بصری وسایل بیان ، بازیگران استفاده از موسیقی وکیفیت چنداوایی، این فلم راتا سالهای دراز موضوع بررسی های‌بی پایان خواهد ساخت .

پس از جنگ :ـ

درسال‌های پس ازجنگ تعدادی‌زیادی‌فلم های زندگی نامه‌ای تهیه شد . در اتحاد جما هیر شوروی سوسیالیستی این نوع فلم های که‌در غرب برپایه زندگی شخصیت های تاریخی ساخته میشود بداستان های احساساتی صرفا سر گرم کننده هستند اساسا متفاوت است



صحنه یی از فلم «طوفان خصمانه» .

تتبع ونگارش «محشور»

پیوسته بگذشته

نگرشی به‌سینمای شوروی این سینمای انسانی



از فلم «مسلح وخطرناك» .

رف پوشی که از سراسر آن جمعیت پیش می‌آیند اندام تهدیدکننده تزار آهسته پدیدار می‌گردد. تقریباتمام بخش دوم در استدیوی فلم برداری شده مضمون اصلی این بخش تکیه کلام تلخ ایوان مخوف است بی مانند ... همیشه تنها اوکه در نهایت سنگدلی وبه بهای از دست دادن تمامی دوستانش سرانجام به قدرت مطلقه دست یافت‌ازتنهایی وبدگمانی رنج می‌کشد اوبه این نتیجه می‌رسد که کشتار های دسته جمعی اجتناب ناپذیر ند وقلع وقمع خانواده های اشراف را از سر می گیرد .

ایزنشتین به‌بررسی‌دنیای ذهنی‌ایوان مخوف می‌پردازد ازنظر اوبی رحمی ایوان ریشه در سیاست دارد نیاز به جلو گیری از پراگندگی قدرت فیودالی نیاز به تحکیم بخشیدن دولت خاطرات کودکی او تجاوزات اشراف درك شهودی از توطیه های ستاریتسکایای جاه‌طلب در صحنه ای مادر ودایی ایوان خردسال رادر برابر دیدگانش شکنجه‌می‌کنند صحنه مشاجره تلخ تزار با دوست کودکیش اوسیپ کولی چف ساکن‌کنونی پایتخت وصحنه های مناسك رمزی‌کشیشان در معبد بانظری به‌گیرانداختن ترساندن وشکستن مقاومت ایوان در نهایت هنرمندی ساخته وپرداخته شده است .

بازیگران فلم درایفای نقش ها قدرت خیره کننده ای دارند نیکلای چر کاسف برگردان



صحنه یی از فلم «جت هابه آسمان پروازمی کنند» .

هدف کارگردانان شوروی از پرداختن به‌زندگی انسان های برجسته نمایش‌ماهیت فعالیت های آنان وثبت سهم آنان درمیراث فرهنگی نوع بشراست این‌نگرش به‌فلم‌های زندگی نامه‌ای شوروی ارزش پند پذیری و آموزشی مسلمی می‌بخشد .

چهره دانشمندان بزرگ روس پاولــوف میچورین ویرژوالسکی در فلم های روشال داوژنگوویو تکه ویچ به طرز روشن زنده‌شده گر یکروی روشال همچنین زندگی نا مه های سینمایی با ارزشی از آهنگ سازان بزرگ روسی موسورگسکی(۱۹۵۰) وریمسکی کوسا-کوف (۱۹۵۳) تهیه گردد وباز نمایش‌اصلی از اوپراهای مشهور آنان به‌روی پرده آورد زندگی نامه های سینمایی‌تهیه شده در موسسه های صنایـــع فلم جمهوری های شوروی نیز سهم بـزرگی در این حرکت اجتماعی دارند ایگو شاوچنگودراو کراین فلم غم‌انگیزی به‌نام تاراس شو چیگوساخت که سرگی پاندار چوك جوان رادر نقش شاعر مردمی نشان‌میداد کامل یارماتوف درازبکستان فلم های درباره نویسندگان ودانشمندان بزرگ مشرق زمین مانند نوایی وابن سینا تهیه کرد بدین سان سینما کمك کرده‌که عامه‌مردم بادست آوردهای فرهنگی خلـــق‌های‌اتحاد شوروی آشنا شوند این گامی بزرگ دروحدت بخشیدن فرهنگ‌های ملی گوناگون در فرهنگ یگانه وچندملیتی شوروی به شمار می‌رفت .

هم‌اکنون سینمای شوروی سطح تولیدبالا دارد (سالانه ۱۳۰ فلم دراز وبیش ازهزارفلم کوتاه) مضامین و انواع فلم ها تنوع روز - افزونی یافته اند ، نیاز به گفتن ندارد که همه اشکال وسخن‌های‌فلم‌تاریخی‌انقلابی‌وبیوگرافیك درحال تکامل هستند .

رویداد های سر نوشت ساز انقلاب کبیر اکتوبر ، جنگ داخلی ، اولین سال هــای ساختمان سوسیالیسم‌وشخصیت های انقلابیون وکمونیست هادر چندین فلم به نمایش درآمده است فلم کمونیست (۱۹۵۸) اثر رایزمان،فلم حماسی سامسونوف به عنوان ترازدی خوش بینانه وفلم ستروو‌ابه نام ما‌مردم روس.ازآثار نمایشنامه نویس معروف وسه ولودویشنویسکی ،وتکه ویچ به اتفاق گابریلوویچ فلم نامه نویس وباز یگرش شتراوخ باتهیه فلم های داستانی در باره‌لنین (۱۹۵۸) ولنین درلهستان (۱۹۶۷) خدمت شایانی‌به‌سینما کردند. درفلم اخیرشیوه گفتاردرونی به شکلی استادانه و موفقیت آمیز به کار رفته است که تفکر لنین روند تکامل اند یشه های اودر باره انقلاب انترناسیونالسیم جنگ های حــق طلبانه ومبارزه برای صلح را نشان می‌دهد (مارك-دانسکوی) در دوفلمی که در سال (۱۹۶۶) به‌نام های قلب یك مادر و فداکاری یك مادر در باره خانواده اولیانف تهیه کرداز دیدگاهی تازه به لنین پرداخت ناخاییوف دراین فلــم هاتصویری از لنین جــوان را عـــر ضـه می‌کندفلم ششم ژانویه به‌کارگردانی کاراز - یك عمد تابه‌خاطر بپوند دراماتیك اسنادتاریخی معتبر اهمیت دارد این فلم لنین رادر مبارزه باکسانی تصویر می‌کند که به انقلاب پشت کرده اند بیشتر فلم‌های‌انقلابی تاریخی کنونی برپایه آثار ادبیات شوروی ساخته شده‌اندکه از آن میان باید به این فلم هااشاره کرد فلم سه قسمتی آن آرام (۱۹۵۸) ساخته سرگی گراسیموف از رمان حماسی عظیم میخاییـل شولوخوف‌فلم سه‌قسمتی‌روشال ازرمان‌راه رنج نوشته الکسی تولستوی، فلم پاول کور چاگین به‌کارگردانی الوف ونایوموف برمبنای رمانی چگونه فولاد آبدیده شدائرا سترو فسکی. از آثار ادبی دیگری که به فلم در آمده اند این نام هارامی توان ذکر کرد زمین نو آباداثر شولوخوف ، زمان به پیش اثر کاتایف اولین شادی ها نوشته فدین ، شکست اثر فادایف، کمیسر ها اثــرلبد ینسکی ، تاریخ موقعیت اجتماعی شوروی و حزب کمونیست نیز از

بقیه در صفحه ۵۰



صحنه دیگری ازفلم «جت هابه آسمان پرواز می کنند» .



«تاباب‌رای » نویسنده‌این داستان بزرگترین نویسنده هندوستان است که بیشتر بانام مستعار «پریم‌چاند »مینویسد و به همین‌نام نیز به‌شهر ت رسیده است·

وی که سال هابه سمت معلم ومفتش‌درمکاتب هند ایفای خدمت کرده است زیرتاثیر تعلیمات گاندی رهبر بزرگ مردم هند قرارداشت و به خاطرپخش تعلیمات همین ابرمرد بود که از وظایف‌دولتی کناره گرفت·

کرکتر های قصه های او بینوا تریــن وفقیر ترین مردم هند در نیمه اول‌قرن بیست می باشند که‌او باقدرت و مهارت زندگی غـم‌انگیز آنان را تصویر می کند ·

این داستان نمونه خوبی از قدرت تخیل‌ونشاندهی تاثیرات فقر مسلط در جامعه‌هند است که در آن باتوانایی خصو صیات روانی‌کسانی که در زیر فشار فقر شخصیت ،غرور وحتی انسا نیت خودرا می بازند واز دست‌میدهند تصویر شده است ·

پدر و پسر ساکت دم در کلبه‌ی خود کنار آتش نشسته بودند ،داخل کلبه زن جوانی کـه «بدیعه» نام داشت از درد های بی - در پی و سخت زایمان زجر می کشید وهر چند لحظه یکبار چنان نعره های گوشخراشی میزد که قلب هردو میخواست از حرکـــت بایستد، یکشب زمستان بود، همه غرق‌در سکوت بودو در تاریکی غوطه می خورد·

«قیس» گفت :

ـمثل اینکه درحالت جان‌کندن اس،تمام‌روز پی‌یك لقمه نان میدویدم ،بهتراس بروی‌داخل کلبه ببینی حالش چطور اس ؟

«مادهاوا» پسر قیس با ترش رویی وکج خلقی جواب داد :

ـاگر مرد نیه ، هر چه زودتر بهتر، بروم چی را ببینم ؟

ـخیلی بی عاطفه یی، آیا بیرحمی نیست نسبت به زنی که یك‌سال تمام باتو زندگی کرده و آن همه در کنارش خوشبخت بودی تااین اندازه بی اعتنا باشی ؟

ـچه کنم ، نمی تـوانـم درد و شکنجه او راببینم و تحمل کنم·

این پدر و پسرازیك خانواده فقیر بودند که‌در سر تاسر ده به بیکارگی‌شهرت داشتند قیس یکروز کارمی کرد و سه روز بیجاگردی میکرد، پسر او «مادهاوا» چنان زود خسته میشد که بعداز هر نیم ساعت کار احتیاج به یکساعت دراز کشیدن وسگرت دود کردن داشت ، به همین دلیل این‌دوبهر جا میرفتند کمتر ممکن بود کار ی برایشان پیدا شود، ازطرفی اگر ایندو فقط کمی مواد خوراکی در خانه میداشتند از هر نوع کار و فعالیتی‌شانه خالی می کردند و معمولا بعداز آنکه چند روز گرسنه می ماندند و روزه اجباری می گرفتند قیس از درختی‌بالا میرفت و مقداری از شاخه های آنرا برای سوزاندن قطع می کرد ،مادهاـ واین شاخه هارا به بـازار میبرد ومیفروخت وتازمانی که آخرین پول سیاه آن باقی بود هردو در گوشه یی میافتادند واز جایشان تکان نمی خوردند، وقتی دوباره کار شان‌به مرحله روزه گرفتن میرسید آنوقت بازشروع به شکستن شاخه های درختان می کردندیا دنبال کار می گشتند ·

در دهکده آنان کار کم نبود بلکه برای مردان کاری و زحمتکش‌صد ها نوع کاروجود داشت اما این‌دو نفر فقط در مواقع اضطراری بکار دعوت میشدند آن‌هم در صورتی که‌کار فرمابدو نفر که کار یکنفر را انجام میدادند قانع میشد ،راستی اگر اینها مرتاض میشدند به‌هیچ وجه لزومی نداشت که ریاضت‌بیشتری بکشند، چون ریاضت کشیدن و تحمل رنج بخشی از طبیعتشان شده بود·

زندگی آنهاعجیب بود، در خانه هیچ‌چیز به‌جز چند کوزه و کاسه گلی نداشتند ، اتاق های خالی شان را با چند تکه گلیم پاره‌فرش کرده بودند· علیرغم‌قروض زیادی که داشتند ورنج و محنتی که‌از بدر فتاری طلبگار هـا میکشیدند ، ذره یی نگرانی نداشتند امــا همیشه غمگین بودند ·

مردم گاهی مجبور میشدند به آنان پولی قرض بدهند اما هرگز امید نداشتند کـــه بتوانند آنچه ر ا داده اندپس بگیرند ·

هنگام درد هر طور بود خود شان را برای کار کردن در یکی از مزارع شامل می‌کردند گاهی دزدکی مقدار ی لبلبو از زمین بیرون میکشیدند وبا آن غذایی برای خود درست می کردند ،قیس شصت سال عمر خودراهمین گونه با سر گردانی گذرانده بود، مادهاواهم پسر حلال زاده‌یی بود، چون پایش‌را درست جای پای پدر میگذاشت و حتی با افراط در این کار به افتخارات خانوادگی اش مـــی افزود ·

زن «قیس»سالهاپیش مرده بودو «مادهاوا» یکسال پیش از دواج کرده بود، ازوقتی این زن به خانه آنها آمده بود سعی داشت نظم وترتیبی در زندگی این خانواده بوجود آورد، باآسیاب کردن گندم‌برای یك‌خانواده یابسته بندی کردن علو فه برای خانواده دیگرکمی آرد بدست می آورد و با آن شکم این دو مخلوق بیشرم را سیر می کرد، اما از وقتی اوآمده بود این دو نفر خیلی تنبل تر ومفت خودتر ازهمیشه شده وغـرور وتکبری هـم پیدا کرده بودند ، اگر کسی آنهارا به کار دعوت می کرد باکمال پر رویی دو برابـر معمول مزد می خواستند وبا این همه حالاکه عروس خانواده از درد رنج می کشید ونالـه می کرد به نظر میرسید این پدر و پسرفقط منتظر مرگ او هستند تا بتوانندبدون دغدغه وناراحتی بخوابند ·

قیس پس از آنکه یك کچالوی دزدی را از زیر خاکستر داغ بیرون کشید و مشغول پوست کردن آن شد ،گفت :

ـبر خیز به کلبه برو و خبری از اوبگیر شاید اگرداکتر می آوردیم میتوانست کـاری بکند، امادرین حویلی اگریك دایی بیســواد هم پیدا شود کمتر از یـك روپیه نمی‌گیره

مادهاوا میترسید که اگر برود قیس بیشتر کچالو هارا بخورد و برای او چیزی باقـی نگذارد و به همین علت در جواب پـــدرش گفت :

ـمن میترسم بروم داخل کلبه·

ـاز چی میتر سی، مگر نمی بینی من‌اینجا نشستم ؟

ـاگر اینطوره پس چرا خودت نمیری‌ببینی چه حال داره ؟

ـوقتی زن من‌میردسه روز تمام از کنار بسترش دور نشدم ، حالا هم حاضرم بروم، اما زن تواز من خجالت می کشد، چون من هنوز صورتش را هم ندیدم ، آنوقت تو می گویی بروم بدن‌لختش را ببینم ؟

ـاما من فقط به این فکر می کنم که اگر کودك به دنیا بیاید ،چطور خواهد شد؟ چون درخانه هیچ چیز نداریم ،نه قند، نه روغن نه‌چای و نه هیچ خوراکی دیگر·

ـاگر خدا بخواهد همه کارها درست‌می‌شود مطمئن باش همان مردمی که تا امروز حتی یك تکه نان هم بما نمیدادند از فردا برایما غذا وحتی پول نقد می آورند، خدا بمن پسر داد، در صورتیکه آنوقت هاهم هیچ‌چیز درخانه نداشتیم ، اما خدا کمك کرد وهـر طور بودزنده ماندیم و زندگی کردیم ·

هردو نفر کچالو هارا با شتاب از زیـر خاکستر بیرون می آوردند و همانطور داغ‌داغ دردهان می گذاشتند وچـون از روزی پیشس تاکنون غذا نخورده بودند صبر نداشتند که بگذارند سرد شود ودر نتیجه چندین بـار دهانشان سوخت ·

قیس دراین حال جشن عروسی اربـاب را بیاد میاورد که بیست سال پیش درآن شرـ کت کرده بود، لذتی که ازآن جشن برده بود برایش این ارزش را داشت که‌در تـمام دوره عمرش آنرابخاطر بسپارد واین خاطـره هنوز هم در مغزش تازه بود و تمام لحظات آنرا به یادداشت ، می گفت:

«جشن عروسی ارباب را نمی توانم‌فراموش کنم ، چون نه به عمرم آن همه غذا خورده‌ام ونه‌خواهم توانست بخورم ، آنقدر شرینی و

میوه چیده بودندکه همه مهمانهاراسیرمی - کرد چطور میتوانم برایت شرح دهم کـه چه غذا های لذیزی بود، هیچ ممانعتی بـرای خوردن وجود نداشت ، هر چه میخوا ستی برایت می آوردند و هر چه میخواستی می - خوردی، من آنقدر خورده بودم که دیگرجا حتی برای نوشیدن یك قطره آب هـــم نداشتم .»

مادهاوا که از تجسم این مناظر در خیال خود خیلی لذت میبرد ، گفت :

-این روز ها هرگز جشنی نظیر این نمی توانیم ببینیم .

-بلی ، آنروز ها چیز دیگری بود، حالا همه به فکر صرفه جویی هستند و حتی‌موقع عروسی و عزاداری هم نمی خواهند پول‌خرج کنند، معلوم نیست بااین همه پول کـه‌از دسترنج فقرا و بیچاره ها بدست می آورند، میخواهند چه کنند؟پول جمع کردن هم‌اندازه یی دارد اقلا باید هما نطور که جمع مـــی کنند خرج هم بکنند.

-پدر ، حتما تو آنشب پیش از بیست کیك خورده بودی ؟

-خیلی بیشتر پسرم .

-اما اگر من جای تو میبودم پنجاه تـــا میخوردم .

-من هم کمتر از پنجاه تا نخوردم ،یادش بخیر آنروز هاخیلی قوی بودم، توحتی نصف قوت آنروز های مرا نداری .

بعداز تمام شدن کچالو ها آب فراوانی نوشیدند ودر کنار آتش دراز کشیدند، زانو های شانرا به شکمشان تکیه دادند و خودرا در چادر شب صخیمی پیچیدند ،درآن تاریکی به‌بدو مار بزرگی شباهت داشتند که چنبرزده باشد و «بدیعه» زن مادهاوا هنوز هم نالـه می کرد .

• • •

صبح هنگا میکه مادهاوا وارد کلبه شد زنش یخ کرده و مرده بود، آنقدر مگس‌روی بینی ودهان و پیشانیش نشسته بود کـه صورتش دیده نمی شد، چشمانش با نگـاه ثابت و یخ زده یی خیره مانده بود، تمام بدنش‌غرق در خاك بود و بـچه در رحمش مرده بود.

ماده‌وا دیوانه وار خودرا به قیس رسانید وبه او خبر داد، هردو به صدای بلند شروع به شیون کردند وقتی همسایـه ها صدای گریه‌ی آنها را شنیدند بطرف کلبه دویدند وسعی‌کردند این دو نفر مصیبت زده رابـــا محبت و مهربانی تسلی دهند و ساکت‌کنند.

اما آنها وقت زیادی برای گریه و شیون نداشتند ، چون مجبور بودند کفن و چوب کافی برای سوزاندن جسد و برگزاری مراسم عزاداری بخرند ولی پولی در اختیـــــار نداشتند .

پدر و پسر گر یه کنان به خانه صاحب ملك رفتند، اما او حتی از دیـدن ابندو نفر بیزار بود چون بار ها در مواقع مختلف به علت دزدی و سرکارحاضرنشدن کتکشان زده بود،او به محض ورود آنها گفت :

-باز چه خبره قیس ، چه شده که شمادو تا بیکار گریه می‌کنید ؟ ماهها شده‌که مـن حتی رنگ شمارا هم ندیده ام، چه مـــی خواهید؟

قیس خودش را به پای او انداخت و پیشانیش رابه خاك مالید ودر حالیکـــــه چشمانش پر از اشك شده بود ، گفت :

-ارباب ، من دچار بدبختی بزرگی شده‌ام زن‌ماده‌وا دیشب مرد، تمام شب درد کشید وفریاد زد، من و پسرم تا صبح کنار او نشسته بودیم ، دوا های لازم را خریدیم‌و هرچه میتوانستیم کردیم، اما عاقبت مرد،حالا هیچکس نیست که حتی یك تکه نان‌بما بدهد ارباب ،ماخانه خراب شدیم ، چه کسی غیراز شما در این دنیا میباشد که در مـــراسم عزاداری آن بیچاره بما کمك کند ؟ ماهرچه داشتیم خرج معالجه او کردیم ، تنهـــا در صورتیکه شما بما رحم کنید میتوانیم مرده رابسوزانیم .

ارباب مرد خوش‌قلبی‌بوداما خوب میدانست که‌دلسوزی بحال این پدر و پسر و نشان دادن ترحم به آنها نتیجه خوبی نخواهـــد داشت‌میخواست‌بگوید: زودازاینجاخارج شوید پست فطرتها اما بلا فاصله بیاد آورد کـــه حالا موقع خشونت نیست و نباید عصبانی شد ناچار با تمام نفرت و انزجاری که داشت دوروپیه جلو پای آنها روی زمین انداخت‌وبی آنکه یك کلمه بگوید یاحتی به صور تشان نگاه کند از آنجا دور شده وقتی ارباب‌دو روپیه داده بود چطور امکان داشت پولدار هاومغازه دار های ده از دادن پول خود داری کنند، قیس خوب میدانست که چطور از نام

لطفاً ورق بزنید



ونفوذ ارباب به نفع خود استفاده کند وبا همین نیت همراه پسرش برای جمع کردن پول براه افتاد، یکنفر به آنها دو «آنه» داد دیگری چهار «آنه» تا عاقبت پس از یکساعت قیس توانست پول زیادی که حدود پنج آنه میشد جمع کند. نزدیك ظهر همراه پسرش برای خریدن تکه کفن ببازار رفت، همسایه هاهم شروع ببریدن شاخه های درختو تهیه سایر لوازم بـــرای سوزاندن جسد کردند .

گروهی از زنان رحمدل و مهربان‌دهکده هم بدیدن جسد آمدند و برای سر نوشت غم‌انگیز «بدیعه» اشك ریختند .

* * *

وقتی ببازار رسیدند ، قیس گفت :

-برای سوزاندن جسد چوب باندازه‌کافی داریم ، اینطور نیست مادهاوا ؟

-بلی پدر ، چوب به اندازه کافی داریم اماحالا فقط یك کفن کم داریم .

-پس بیا برویم کفن ارزان بخریم .

-بلی برویم چون پیش از آنکه جنازه‌را آماده کنیم هوا تاریك خواهد شدو هیچ‌کس نمیتواند بفهمد که کفن از تکه ارزانی بوده است .

-راستی چه رسم بدی است ،فکر کن ! کسی که در تمام دوره زندگیش بزحمت تن پوشی گیر می آورده وقتی میمیرد باید این همه پول بدهند و برایش کفن نو بخرند.

- بدتر اینکه کفن راهم با جسد میسو-زانند .

-بلی راستی فکر کن اگر مااین پنج‌روپیه رازود تر بدست‌میاوردیم میتوا نستیم دوای کافی برای زنت‌بخریم و نگذاریم که بمیرد.

در عین حال هریك افکار پنهانی دیگری‌را میخواند و هر دو باهم در بازار سر گردان بودند، به تکه فروشی‌های‌متعدد رفتند وانواع تکه های ابریشمی و پخته ی را پسندیدند.

رفته رفته غروب نزدیك میشد، ناگهـان گویی یك تمایل شدید درونی‌آنها را بدریك مشروب فروشی راهنمایی کرد، به مـحض رسیدن به آنجا وارد شدند، مثل اینکه هردو قبلا نقشه این کار را در ذهن خود کشیده بودند ، مدتی ایستادند ،هردو ساکت ومردد بودند، عاقبت قیس به مرد مشروب فروش نزدیك شد و گفت :

-آقا ، لطفا یکبوتل ... بدهید !

-بعد یك خوراك ماهی سرخ کرده سفارش داد و خوردنی های دیگری نیز خواست،باهم سر میزی که در گوشه تاریك قرار داشت نشستند و به آرامی شروع به نوشیدن و خوردن کردند.

پس از نوشیدن چند گیلاس پـی در پـی مشروب اثر خودرا کرد و آنــوقت قیس گفت :

-خریدن کفن فایده یی ندارد، چــون بلافاصله بعداز پوشاندن آن به مرده باید بسوزانش .

مادهاوا از پنجره به آسمان صاف نگاه کرد مثل آنکه میخواست فرشتگان را بـه شهادت بیگناهی خود دعوت کند و بعــد گفت:

-بلی راست می گویی ، اما این یك‌رسم است و ....

-پولدار ها میتوانند اینطور پول مصرف کنند، همه‌هم مصرف زیاد آنها را تحسین‌می کنند اما ما که چیزی نداریم که از این‌پول ها خرج کنیم .

-ولی پدر اگر مردم از ما بپرسند کـه کفن چطور شد، چه جواب بدهیم ؟

قیس به صدای بلندخندید و گفت:

-برایشان می گوییم پول هارا گم کردیم وهر چه گشتیم پیدا نشد، البته حرف‌مارا باور نمی‌کنند اما دو باره برای ما پول‌زیادی میدهند .

-مادهاوا هم از این فکر خوب خندیـدو گفت:

-چه زن خوبی بود ! بعدازمرگش هم برای مانفع میرساند !

بیش از نصف بوتل را نوشیده بودند،آن وقت قیس سفارش چندنان تازه وجگر وگرده سرخ کرده داد، درست روبروی دکان‌شراب فروشی یك دکان قصابی بود، مادهاوا بـه عجله به آنجا رفت‌و بعداز چند دقیقه بـا دوبسته‌بزرگ گوشت و جگر وگرده برگشت یك روپیه ونیم پول داده بود و دیگر بیش ازسه چهار سکه‌کوچك برای شان باقی‌نمانده بود .

هردو مثل حیوان گرسنه یی که به طعمه لذیذی رسیده باشد لقمه میزدند ، دیگرنه‌به فکر پرسش مردم در باره کفن بودند و نه‌به فکر بدنامی و رسوایی ، چون از سالها قبل به‌این احساسات خود فایق شده بودند .

قیس خیلی فیلسوف مآبـانه حـرف میزدو می گفت :

-قلب های‌مابه خاطر این جشن کوچك‌او رادعا می‌کند وبرای روحش آمرزش می طلبد، این کار خیلی بیشترثواب دارد .

مادهاوا با تواضع سرش را خم کـــردو گفت :

-البته که ثواب داره ، ای خداوند بزرگ که‌بر همه چیز دانایی بهشت رابه بدیعه‌عطاء کن ، ما هردو از صمیم قلب برای او طلب آمرزش می کنیم چون هرگز به عمر خــود این همه غذا نخورده بودیم، پس از مدتی کنجکاوی شدیدی در قلب مادهاوا به وجود آمدو پرسید :

-پدر ، آیاما هم روزی به بهشت خواهیم رفت ؟

-قیس به این سوال معصومانه جوابـی نداد، چون به‌هیچ‌وجه میل نداشت آن حال خوش رابا تفکر در باره دنیای دیگر خراب کند .

مادهاوا دوباره پرسید :

-اگر یك روز زنم در بهشت از مـــن بپرسد کـه چرا برایش کفن نخریدم ، چه بگویم ؟.

-چرند نگو پسر !

-اطمینان دارم که خواهد پرسید ،پدر!

-از کجا میدانی که او را بی کفن مـی سوزانند ؟ کی گفته که او کفن ندارد ؟ تو خیال می کنی پدرت احمق است ؟ آیا فکر میکنی من در مدت شصت سال عمرم هیـچ چیزدراین دنیایادنگرفتم؟ مطمئن باش او کفن خواهد داشت وحتی کفنی خیلی هم بهتر از آنچه ما می خواستیم برایش بخریم خواهد داشت .

مادهاوا که دچار تردید شده بود، بـــا استفهام به پدرش نگاه کرد و گفت :

-کی این کفن را برایش میخرد ؟ ما همه پولی راکه گرفته بودیم خرج کردیم وحالا این منم که مورد باز خواست او قرار مـی گیرم و باید جواب بدهم ،این من بودم‌کـه وقتی بااو ازدواج کردم مسوولیت همه امور اورا به عهده گرفتم .

قیس ناگهان عصبانی شد و فریاد زد :

-بتو می گویم برای او کفن تهیه می‌کنند چرا حرفم رانمی فهمی ؟

-پس بگو کی این کفن رابرایش مـی خرد ؟

-همان هایی که دفعه گذشته برای زن‌من کفن خریدند ، تنها فرقی که دارد اینست‌که این دفعه دیگر پولی بما نخواهند داد.

هرچه هوا تاریکتر میشد و ستاره هـــا درخشندگی بیشتری پیدا می کردند ،مشروب فروشی هم بیرو بار ترمیشد ، یکی ازمشتری هاآواز می‌خواند ، دیگر ی با صدای بلند حرف میزدو قسم میخورد، سومی رفقایش‌را در آغوش می گرفت چهار می ...

مستی و بیخبری تمام محوطه میخانه‌وحتی فضای اطراف آنرا فرا گرفته بود، در اینجا عده یی فقط با نوشیدن چند قطره مشروب مست شده بودند چون در حقیقت محیـــط میخانه خیلی بیش از مشروب مستی آور بود اینها را معایب‌زندگی باینجا کشانیده بودتا برای مدتی فراموش کنند که زنده هستندیا مرده ویالااقل به غم های خود اهمیـــت ندهند .

پدر و پسر با خوشحالی به‌نوشیدن ادامه میدادند ، تمام چشمها بروی آنها خیره شده بود، همه فکر می‌کردند که این دونفر چقدر خوشبختند که یك بوتل پر را جلو خــود گذاشته اند، بعدازآن تا میتوانستند خوردند مادهاوا نان هاو شیرینی های باقیمانده‌رابه گدای داد که دم در میخانه ایستاده بودوبـا چشمهای گرسنه بطرف آنها نگاه می کرد،او برای اولین بار در دوره زندگی خود لذت بخشیدن چیزی و خوشحالی و غرور ناشی‌از آن را حس کرد .

قیس خطاب به گدا گفت :

-بگیر ، بخور و بما دعا کن ! صاحب این پولها و خوردنی ها مرده ،اما دعای تو حتما به‌او خواهد رسید ، با هر موی بدنت به‌او دعا کن چون این پولهارا اوبا زحمت ومرارت بسیار بدست آورده بود .

ما دهاوا بار دیگر به آسمان نگاه کردو گفت :

-پدر ! مطمئناً او به بهشت خواهد رفت، اینطور نیست ؟ او به بهشت خواهد رفت.

قیس از جای خود بر خاست و مثل اینکه برروی امواجی از غرور وتکبر شنا می کند، گفت :

-بلی پسرم ! مطمئن باش که او به‌بهشت خواهد رفت ، چون هر گز آزارش به کسی نرسید وباعث ناراحتی کسی نشد، حتــی هنگام مرگ هم ذره یی مارا اذیت نکردوتا آخرین لحظه به فکر آرزو های قلبی ما بود، اگر او به بهشت نرود کی برود ؟ آن شکم پندیده هایی که در خون فقرا و بد بختها غوطه می خورند و بعد در رود گنگ‌غسل‌می کنند وبه معابد صدقه میدهند تا گناهانشان پاك شود ؟

حالا دیگر هردو غمگین و نا امید به نظر میرسیدند ، مادهاوا گفت :

-اما پدر ! این زن بیچاره در چه جهنمی زندگی کرد ، چقدر زجر کشید و باچه دردو مشقتی مرد !

آنوقت صورتش را در دودست پنهان‌کرد وبه تلخی گریست ، قیس اورا تسلی دادو گفت :

-چرا گریه می کنی پسرم ؟ بر عکس تو باید خوشحال باشی که از اسارت فانــی این دنیا نجات پیدا کرد، او از غم هاودرد های خود آزاد شد، او خیلی خوشبخت بود که‌به این زودی قید اسارت زندگی راشکست و به آغوش خاك رفت .

ناگهان هردو از جا بلند شدند و شروع به‌خواندن آواز مذهبی معروفی کردند که‌می گوید :

«ای مایا، ای الهه تخیلات و رویا هـــای فریبنده ما، نگاه آن چشمهای فسونگر و فریبنده ات را از ما مپوشان ...»

چشمهای همه مشتر یهای مست بروی‌این دو نفر که با خوشحالی و لبریز از مسرت و بیخبری مستی آوازمی خواندند خیره شده بود ، آنوقت پدر و پسر شروع به‌رقصیدن کردند، جست‌وخیز می کردند و چشمهایشان ازحدقه در آمده بود با تمام نیرو یی‌کـــه داشتند می کوشیدند هیجان و شور درونی خودرا نشان دهند ودر پایان از شدت مستی بروی زمین میخانه غلطیدند و مثل مـــرده بیحرکت ماندند .

پایان

تیاترو ناهمگونی

پیوسته بگذشته :

نخستین ریشه‌های تیاتر

به طور قطع نمیدانیم که او لین نما یشنا مه چه وقت نگا شته شده و لی شروع تیا تر را تا ٤٠٠٠قبل از میلاد در مصر جستجو کـــر ده میتوا نیم . مصر با ستان ، قدیمی ترین کشوری است که نشانه های تیا تر از آ ن به دست آمــــده شو اهد و مدارك حا صله نشا ن میدهد که در مصر تیاتر بوده واین تیا تر در خد مت دین و آیین‌قـرار دا شته ا ست .

سال ۱۹۲۲ در «ادو» معبد هو- روس سنگ قبری پیدا شد که به هوروس هدیه شده بود روی سنگ قبراین جملات به چشم میخورد :

«من کسی بودم که هر جا اربابم می رفت در خد متش می رفتم ، از آن چه بیان میکرد خسته نشدم ، همه جا ودر هر چه میگفت ، نقش مقا بلش بود م ...» (۱)

از عبارات (بیا ن کردم) و(نقش بمقا بلش) دقیقا ثا بت میگر دد که منظور تیا تر است . زند گی ، جنگ ، کشته شدن ، زند گی پس از مرگ مضمون تیا تر مصر را تشکیل مید هد .

((اتین دریو تون)) در کتا ب خود که راجع به تیا تر مصر نو - شته قطعا ت شعری را به چا پ رسا ند ه که یکی هم قطعه شعری در باره هوروس ا ست . ایــــن قطعه فر یاد یست در ستا یش پروزی و تسا وی و غنایشس بـــر تحر ك دراما تیك آن غلبه دارد.(۲)

تیا تر به معنای واقعی آ ن د ر قرن پنجم ق.م. در یو نا ن به‌وجود آمده که در سال ٥٣٥ق.م. کسی به نام ((تس پس)) به حیث ممثل ، اولین جایزه مسا بقه نما یشنا مه تراژیـك را حایز شد واو اولیـن اکتور دنیا نام نهاده شد .

آشیل او لین نما یشنا مه‌نویس یو نانی (٥٢٥- ٤٥٦ ق.م.) غا لبا نما یشنا مه ها یش جنبهٔ مذ هبـی داشت و را جع به ارباب الا انواع وشهر ((ترای)) مینو شت . ا ز جمله ۹۰ نما یشنا مه آشیل تنها ۷ آن با قی مانده است ، تـرا - ژیدی ((پروهته)) ((قربا نی‌دهند - گان)) ، ((خدایان انتقا م)) ا ز مشهور تر ین آثار او ست .(۳)

سو فو کل نما یشنا مه نو یس دیگر (٤٩٧-٤٠٥ ق.م.) که‌نما - یشنا مه نو یسی را به کمال‌رسانده بود ، آثار ش برا ی ۲۵ قرن‌دیگر سر مشق قرار گر فته ، یعنی‌هیچ نما یشنا مه نو یسی که ما نند ا و دارای فکر بوده با شدنتو ا نسته است نظر خود را از نظر فن،مثل او عاری از نقص بیا ن کند .

نو شته اند که سو فو کـــل ۱۲۳نما یشنا مه نو شته ا ســت عنوان ۱۰۰ تا ی آ ن هست امــا ۷نما یشنا مه او به طور کا مــل با قی ماند ه که همه به شعر بیا ن شده اند . مضمو ن تیا تر آشیـل آیین و ارباب الانواع و بعضـــا اسا طیر بود ، اما با سو فو کـــل در ها ی جها ن تازهٔ به روی‌تیاتر یو نا ن گشو ده شد . تیا تـــر از آسمان ها به زمین با ز گشـت یعنی تیا تری که سو فو کل عرضه کرد ، قصه گو ی زند گی عا د ی مردم آنزما ن بود . تیا تر سوفوکل حاوی چند چیز بود :

۱-انسا ن تنها رها شد ه ،باید خو د ش را باز بشنا سد ،واوست که مرکز نقل نمایشی است .

۲- انسان به دنبـــا ل کشف حقیقت راه می افتد ، ابر ها را می شکا فد و پیش میرود .

بقیه در صفحه ٥٠



صحنه یی از نمایش اودیب‌شهریار - اثر سوفوکل

۱-ایرج زهری ، ((تیا تـر د ر مصر با ستا ن)) ، تما شـــا ، ۱۲۸٦ سال ششم (١٣٥٥٦) ، ص ٢٤ .

۲- پیرا مه تو شار ، ص ٦.

۳-ام تنگ فرام ، تاریخ تیا تر، ترجمه عبدالحق واله ، ا کا بـــل (بیهقی) ، ص ۳ر٤ .

ستارگان افسانه ساز

ترجمه وافی

هنرمندیکه نقش هایش رابامهارت بازی میکند

نعمت الله گردش یکی از خوبترین اکتور های جوان افغان ننداری به حساب میاید• نقش های زیاد رابا مهارت بازی نمــــوده است •

جوان با استعداد است و همیشه در اجرای نقش هایش خیل‌عمیق‌می شود در نمایشنامه های «تنگ‌و تکمار» «خشم‌خلق» «ارباب‌یونستلا ونوکرش ماتی» «شربت غیرت» «عاطفه» «طبیب اجباری » «میرزا قلم ها» «سلما و بهــــرام» «پشیمان» «رسوایی» ودیگرنمایشنامه‌هاموفقانه درخشیده است . درنمایشنامه مردعجیب که فعلا در افغان ننداری تمرین می‌گردد یکی از نقش هارا به عهده دارد دیده شود که آیــا گردش مثل همیشه موفق خواهد بود یاخیر؟



الکساندر لازاریف چهره‌شناخته‌شده و محبوب سینما و تیاتر اتحاد شوروی

جوان خوش بر خورد وجـد ی است ازدواج نموده و یك پسر دارد بعد از اینکه تیاتر هنری مسکــو بنام ((گورکی)) را تمام نمودباتیاتر مایاکوفسکی شروع‌به‌همکاری نمود. از کار تیاتری وی می تــوان از نما یشنامه ((انسانی از ارمانچی)) یاد کرد .

کاروی در سینما از سال ۱۹۶۱ شروع میشود از فلم های((شمال آزاد)) ، ((ساحــل و حشی)) ، ((یکبــار د یگر در بــاره عشق)) «گلها دیر تر شگفتند » ، « دشمن نابخشودنی» ، « دیمتری‌کا نتیرمیر»

وفلم «ساحل آرام» که درین اواخر درسینمای کابل ننداری بمعر ض نمایش قرار گرفت می توان‌نام‌برد وساحل آرام خیلی مورد تو جــه هنر دوستان واقع گردید .



الکساندر لازاریف

دهرمندرهنرمند پر آوازه‌سینمای هند

دهر مندر یکی از هیرو هـــا ی موفق سینمای هند است در کابل اکثرا او را می شناسند وفلم های زیادی را بخاطر دارند که نقش‌های اول آنرا بازی نموده است. ازجمله فلـم های « بلك میل »، «مادر » ، «سیتا و گیتا» ، «یادون کی بارت»، دوست و فلم آزاد که چند قبـل‌از طریق تلویزیون به نشر رسید .

هما مالینی ازجمله اکتریس های خیلی ماهر وباکر کتر د هر منـدر است چنانچه در فلم آزاد نیزنقشی مقابل وی را داشت و در فلم‌مشترك اتحادشوروی و هند د هر مندرنقش «علی بابا» و همــــامالینی درنقش پرنسس مرجان و نقش فا طمه را زینت امان بازی میکند .

ثمره همکاری مشترك سینما ی هند و شوروی چند فلم خیلی عالی بوده که‌ازجمله می‌توان‌فلم «مسافر» و«میرانام جوکر » را یاد کرد .

درین اواخراستدیوی فلمبر داری «ازبك فلم» اتحاد شوروی باز هـم فلم مشترك با هند تهیه کود کـه خیلی مورد توجه واقع شد در بین مردم از زمانهای خیلی قدیم‌افسانه خیلی جالب راجع به «علی‌بابا» مرد دوست داشتنی ، مهربان و هوشیار رواج دارد رژیسو ران معــر وف جهان جندین بار به این افسانـــه رجوع نموده و فلم های از آن‌ساخته اند،درفرانسه نقش‌علی بابارا اکتور فرانسوی فرننانیدل بازی کرد کـه خیلی مورد توجه واقع شد.درجاپان از روی این افسانه فلم کار تو نی ساخته شد که سالها تما شا چـی داشت .

اینك از نو این افسانه روی‌پرده جان می‌گیرد و رژیسور مـعـرو ف شوروی لطیف فیضی یف‌واو میش میراسازندگان آن می با شنـــد . واکتوران هندی و شوروی آ نــرا ماهرانه بازی می کنند .



دهرمندر وهما مالینی دریکی ازنقش‌های سینمایی

کاترین دینوستاره‌زیبای فرانسوی



چندی قبل فلم مقبول فرا نسو ی بنام «وحشی» را از طریق‌تلویزیون تماشا کردیم. نقش اول این فلم‌زا زیباروی فرانسوی کاترین د ینو بازی نموده بود .

کاترین دینو از جمله ا کتر یس های خیلیً خوب سینما بحساب‌می‌آید که استعداد و زیبایی اش برای کامل شدن هنرش کمك‌کرده است. کاترین خیلی ساده داخل جهان سینما شد خواهرش برای با زی در فلمی انتخاب شده بـود و ا و کاترین را که شانزده سال دا شت باخود آورده بود . امتحان موفقانه گذشمت . البته ز یادتر به مفا د دینوی کوچك.

کاترین در چند ین فلم حصه گرفت که این فلم ها چندان مو رد توجه واقع نشد اما کاترین را همه پسندیدند .

اوژه وادیم ر ژیسور معـر و ف فرانسه از کاترین د عوت کرد تا درفلمش حصه گیرد واین‌فلم خیلی مورد تو جه واقع شد اما فلم های دیگر بود که کاترین را به شهرت جهانی رساند مخصوصا((چتر ی از شیر بورگ و گلهای‌می‌سی‌سی بی .

کاترین هرنقش را خیلی‌ماهرانه ومتفاوت بازی می کند .



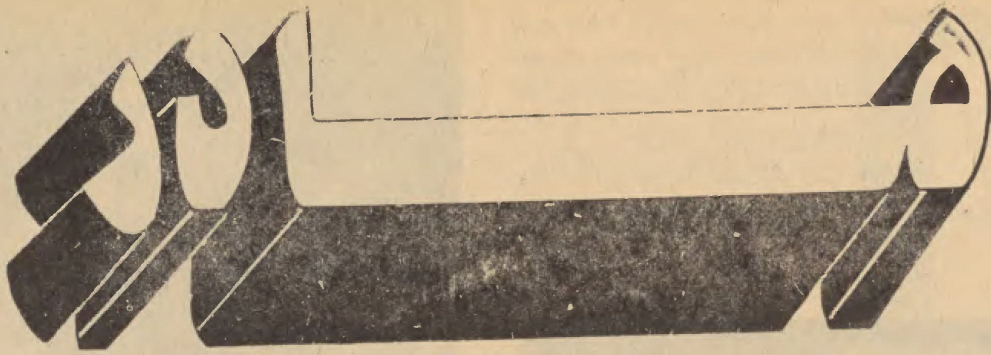
بیاتی تیشکیویچ ستاره طناز سینمای پولند

بیاتی از جمله آن عده اکتریس هاست که دراجرای نقش هایش موفق است ۰وی عقیده دارد که اکتور ورژیسور باید مستقل باشند وحتمی نمیداند که اکتورحتمابا‌ید برای‌رژیسور نظر بدهد ۰برای وی خوبتر ین رژیسوریکه‌تا حال همکارش‌بوده‌اندری‌میخا لکوف کاینچسلوفسکی است، فلم های «ماماوانیا»، « آشیانه اشراف» «حماسه یك عشق» آسیه ازساخته‌های این رژیسور موفق است‌که مورد استقبـال گرم هنر دوستان تمام جهان واقـع گردیده است .

این رژیسور اکتورراچنان رهنمایی می‌نماید که اگر اکتور نقش عاشق را داشته باشد اودر حقیقت عاشق می شود ۰

اندری میخالکوف رژیسور دقیق و سختگیر است هر آنچه به اکتور میدهد از وی تقاضای ارائه آنرا دارد اوزمینه را قسمی مساعد می سازد که فضای صمیمیت و اعتماد بین اکتور ورژیسور بوجود بیاید ودر نتیجه تما شاچی زندگی واقعی را روی پرده می بیند ۰

بیاتی عقیده داردکه تا حال آنچه دلش می ـ خواهد نتوانسته بازی کند اما آنچه نخواسته بازی نکرده است



یک داستان واقعی

نوشتهٔ : اما لکنسیکیا

ترجمهٔ : آ.ف.

نزدیک شهرک بایلوروسی ژودینو مجسمه یی برپاست. از یک مادر وطن پرست شوروی.

مودل این مجسمه برای مادر انستازیا کوپریانوا بود. او پنج فرزندش را به جبهه فرستاد: پنج فرزندش هرگز برنگشتند.

انستازیا گمان برد که طبیبان از حالت قلبش ناراضی اند آنان یک آمپول و مقداری دوا برایش داده بودند و او بدون هیچ حرفی آنها را گرفته بود: میل داشت برود. ولی معلوم می شد دکتوران هیچ شتابی به گرفتن تصمیم ندارند. فشار خون و تعداد ضربان نبضش را گرفته بودند.

با دستان چروکیده اش شال سیاهش را محکمتر پیچید. این شال را دیروز برداشته بود تا هنگام دیدار فرزندانش بپوشد. و نگاه های مشوشی به ساعت بدر کلان انداخت. روز بیشتر دختران و بچه ها ازمکتب نزدیک خانه آمده بودند تا به او بگویند که فرزندانش کنار سرک ایستاده بودند.

چرا نمی گذاشتند برود؟ آیا این‌مردم با بالاپوش های سفید واقعا نمیدانستند که اگر نگذارند به دیدار فرزندانش برود قلبش زودتر ازتپش می ایستد؟

مردم شهر شنیده بودند که آمبولانس دم خانهٔ انستازیا ایستاده و هر آن بیتابانه انتظار خبر تازه یی را می کشیدند کنار سرک ایستاده بودم واحساس کردم که موج جمعیت به جلو پیش رفت و بعد ناگهان به عقب برگشت تا برای انستازیا راه باز شود. والنتینا تریشکوا شتابزده پیش رفت تا انستازیا را ملاقات کند. او را به آغوش گرفت و کمکش کرد تا از راهروی که جمعیت برایش باز گذاشته بودند عبور کند.

از همان روز هایی که انستازیا را شناختم پیوسته فکر میکردم این زن شکستنی این همه طاقت را از کجا آورده است؟

وقتی مردم از یک خانوادهٔ کلان گپ می زنند من همیشه درخت تنومندی را تصور می‌کنم که ریشه هایش با استواری درزمین فرورفته است. درخت کوپریانوف شاخه های محکمی داشت:

پنج پسر و یک دختر. همه تنومند، مهربان و قشنگ. باید آن درخت می گرفت تا رشد کند، برگهایش سبز گردد و برای مردم شادمانی آورد. اما جرقهٔ سیاه پرید.

و وقتی خبر مرگ آخرین وجوانترین فرزند رسید. همسایگان با هراس به آشیانِ نیمه ویران انستازیا نگریستند. آنان احساس کردند که باید بروند وآرامش سازند اما پاهای شان توان رفتن نداشت — کلمه یی نبود که با آن غم مادر را تسکین دهندو درد لعنتی را کاهش بخشند.

او بعد از پنج روز از انزوا بر آمد. موهایش از غم سیاه، سفید شده بود.

در دهکده های بایلوروسی معمول است که تصویر نزدیکترین و گرامی ترین بستگان خود را زیر دستمال‌های گلدوزی شده، روی دیوار می آویزند. چه به سفری دور بروند وچه جنگال مرگ گریبان شان را بگیرد، همه زیر آن سقف می مانند، مثل اینکه هرگز خانهٔ‌مادر را ترک نگفته باشند.

انستازیا، فرزندانش، استیپن، میخائیل، ولادیمیر و پیوتر را اینچنین پیش خود نگهداشته بود. جایی که می بایست عکس کلانترین فرزند، نیکولای آویخته می بود. خالی بود:

جنگ آنرا از میان برده بود.

کوپریانوف های جوان تکهٔ باریکی زمین داشتند که پدر گریگوری برایشان داده بود.

انستازیا بازهم شاد و سربلند بود: خانواده اش ناچار بودند برای زمینداری‌کار کنند و ازخود زمینی نداشتند.

ملاقات گریگوری جوان‌برای انستازیا شادیبخش بود.

او شوهری خوب و پدری مهربان بود، حتی در خشکسالی هنگامیکه تکه زمین شان حاصل خیلی کم داشت او نگذاشته بود خانواده اش ناامید گردند در هنگام بهار نیم نان شان سبوس بود ولی خوشحال بودند.

ولی این خوشحالی دوامی نکرد. جنگ اول جهانی کلمهٔ ترسناک و ناآشنای ((آماده باش)) را در دهکده پخش نمود زنان و کودکان می گریستند و مردان گردهم می نشستند خاموشانه سگرت دود می کردند.

ترنی که سپاهیان را از استیشن کوچک ((ژودینو))انتقال می داد زوزه می کشید.

بعد نوبت اعزام گریگوری رسید. او از انستازیا خواست تا مراقب بچه ها باشد و وعده داد که برگردد.

او به وعده اش وفا کرد ولی دیری درین جهان نپایید. او برگشت درحالیکه زخمی علاج ناپذیر برداشته بود و تنها چشمانش مثل گذشته بر چهرهٔ افسرده اش متبسم بودند، سرانجام شمع زندگی او خاموش شد.

دومین شادمانی انستازیا بچه هایش بودند که هریک جای بخصوصی در دلش داشتند.

بچهٔ اولبارش، نیکولای پس از مرگ پدر به مادرش کمک کرد تا بچه های دیگر را کلان کرد.

وقتی انستازیا به جای‌خالی عکس او می دید گفتی بر چهره‌اش می نگرد. مادر می‌گفت:

((او جوانی آرام و مهربان بود. برادرانش همیشه دور اوجمع بودند. با دختری از دهکدهٔ دیگر عروسی کرد. همسرش زنی

کارگر و خا نه دار خو ب بود. او نخستین نوا سه امرا بدنیا آورد .))

فر زندا نش از رو ی د یوا ربر چهرهٔ مادر می نگر یستند .

« استیپن هر گز خاموش نبود یك لحظه هم آ را م نمی نشست وقتی بزرگ شد در مز رعـــه هیچکاری برا یش سخت نبـــو د خیلی خوب درو میکرد .))

شادیبخش تر ین شا م ها یش و قتی بود که فر زندا نش دو ر چرا غ تیلی جمع می‌شوند .

خوا هر شا ن ا نیا بلند بلنـد کتا ب می خوا ند و دیگرا ن‌گوش می دادند .وقتی تیل چراغ تمـــام می شد از ما در می خوا ستند بر- او در ا ندوه فرزند ا نش غر ق بود . گا هی آنا ن شبا نه مـــی آمدند وچون می خوا بیدند او جا- مه ها ی شا ن را پیو ند می زد گا هی برا ی آنکه از فریاد ز د ن خود ما نع گر دد .

للو ها ی فکا هی می خواند .

مصیبت دم دروازه رسید ه بود همینکه ولادیمیر در آستا نهٔ د ر ظا هر شد ، مادر فهمید که حادثه یی رخ داده است ،دنیاپیشش‌چشمش تاریك شد .میخاییل مرده بود .

دسته یی از پار تیزا ن ها ا ز ما مور یت بر گشته بود ند . آنان فیصله کرد ند که جنگ نکننـــد میخا ئیل در عقب از آنا ن مراقبت می‌کرد. او هد ف تیر نازی ها قرار گرفت و بیهو ش و گر فتا ر شـد نازی ها پا ر تیزا ن جوا ن را ظا- لمانه شکنجه داد ند به امید آنکـه س ها ی شا نرا می شست . او در همهٔ مصا ئب و سختی هـــای جنگل سهم می گر فت تا رو ز ی‌که تانك های ستاره‌نشا ن به ژودینو وارد شد ند .

در تا بستا ن ٤٤ انستا ز یا و فر ز ندا ن به و یرا نهٔ سر منز ل خویش با ز گشتند .

تبا هی همه جا را فرا گر فتـه بود. و قت برا ی نو سا ز ی کلبه نبود . جنگ هنو ز تما م نشـــده وصر ف به غر ب را ند ه شـــده بود . فر زندا ن ا نستا ز یا د ر مقا بلش استاده بـو دنـد از او دعامی خوا ستند .

مادر در حا لیکه گر د مجسمه ها

نقا ب سفید به آهستگی پا یین افتاد و فر ز ندا ن نیرو منـــد و جوا نش ظا هر شدند کـــه با مادر و دا ع می کرد ند.

از مجسمه سا ز بشنو ید : روزی انستا زیا به د یدا ر مجسمه آمـد با لحن‌مهر با ن ووا قعی گفـت: پیتر، کلاهت را بپوشـ ! سـرد است.

انستاز یا یك ز ن ا جتما عـی بود همیشه جوا نا ن و شا گردانی که به فر زندا نش شبا هت‌داشتند یا درقطعات آنان کار میکرد نـــد مورد تفقد او قرار می گر فتند .

مردم از سرا سر کشور با ا و



ا یشا ن ا فسا نه بگو ید .

((مرد م دهکد ه میخا ئیــل مرا مغو ل صدا می کرد ند . شاید به‌خاطر برو ت ها یش بود ، یا ازین سبب که همیشه به منچو ریا سفر می کرد ، زیرا تکت فر و ش آن تر ن بود .))

هیچکس نمی توا ند از غبارتیرهٔ غمی که جنگ به همرا ه دا ردبگر- یزد . یك جنگ شو هر ا نستا زیا را از وگرفت و جنگ د یگر بچه های بزرگش را . آنا ن همینکه یو- نیفو رم ها ی سبز پار تیزا نی در جاد ه ها ی ژود ینو ظا هر شـد به پار تیزا ن ها پیو ستند . کلبهٔ شان سو خت‌و انستا زیا باپیتربه بك‌چیوی کو چك منتقل شد ند .

دربارهٔ کمپ پا ر تیزا ن هـــا معلو ما ت دهد و لی بیهو د ه بود .

پا ر تیزا ن ها از مر گ رفیـق قهر ما ن خو یش عمیقا ا ندو هگین بو دند . کمیسا ر آنا ن را فـــرا خواندوگفت : ((جرا ت ، شہا - مت وو طن پر ستی میخا ئیل به ما الهام می بخشد وباد اودردلهای مـا زنده می ما ند .))

چندی بعد پیتر گرفتار وزندانی شدوبعدا به جر منی فر ستا د ه شد ولی فرار کرد .

پیتر به ما دز گفت که آنها بـه جنگل خوا هند ر فت و ا نستا زیا ازآن پس مادر پا ر تیزا ن ها شد.

اوبرای شا ن غذا می پخت ولبا- می گشت فر زندا ن بر نزی ا ش‌را خطا ب‌می کرد : ((چند و قت می شود شما را ندید ه ا م ؟)) حا لا همه یکجا بودند :نیکو لای کـه در آزادی پو لند کشته شد، استیپن که در پو لند د فن گر د ید ،میخا- ئیل که در شکنجهٔ نا زی ها جـان سپرد وپیتر که درجنگ لـتوانـیا به قتل رسید و ولا د یمیر که براثر زخم ها یش در خا نه مرد .

اشك از چشما ن ا نستا ز یـــا فرو غلتید ا شکی که سا لهـــا نگهدا شته بود . از آ ن به بعـد انستا ز یا غا لبا نزد یك مجسمه های بر نزی فر زندا ن د ید ه می شد .

تما س دا شتند و هر سا ل رو ز تو لد ش را تبر یك می گفتند وبه اوتحفه می فر ستا د ند . د ر۱۰۷ سا لگی او ، اعضا ی سازما نجوا- نان برا ی ا ظہا ر تبر یك بــــه ملا قا ت او شتا فتند .

در مرا سم تد فین ا نستا ز یا تمام مرد م شہر شر کت کرد ه بو د ند .

حالا هم در کنا ر سر ك انستا- زیارا می بینید که مراقب فر زند- ان خو یش است. چـــنین ا ست رسم جہا ن : فر زندا ن ما د ر را سر گر دا ن رہا می کنند و ما در وفا دار و چشم به راه می ما ند .

((تر جمه از مجلهٔ اد بیـــا ت شوروی))

کلارا زتکین

بنیانگذار روز جهانی زن

کلارازتکین از برجسته ترین رهبران‌جنبش کارگری آلمان و یکی از بنیاد گذاران اصلی جنبش بین المللی زنان است که‌در پنجم‌جون ۱۸۵۷ زاده شدودر ۲۰ ژوین ۱۹۳۳ درگذشت.

کلارازتکین تمام زندگی آگاهانه خود را در راه مبارزه به خاطر آزادی زحمتکشان بویژه زنان وقف کرد اوبا این اعتقاد که بـــدون شرکت برابر و فعال زنان ، که نیمی ازبشریت راتشکیل میدهند نمی توان جامعه ای آزادو خوشبخت بوجود آورد و هم بااین اعتقاد کــه فقط در جامعه مترقی میتوان آزادی‌و برابری واقعی زنان را تامین کرد. در این‌پیکارعادلانه وآزاد ی بخش شرکت جست کلارا در سال ۱۹۱۰ در کنفرانس بین المللی زنان سوسیا-لیست پیشنهاد کرد که روزی به عنوان روز بین المللی زن تعیین گردد. هدف ازایـــن پیشنهاد آن بود که هرچه بیشتر به جنبش زنان خصلت بین المللی داده شود و بدین وسیله پیکار در راه آزادی و برابری حقوق زنان را اثر بخش سازد .

کلارازتکین بیشتر از ۴۰ سال بهتریـــن روز های زندگی اش را برای مبارزه در راه هدفش که ایجاد جنبش بین المللی زنان جهان در راه صلح و ترقی اجتماعی بود وقف کرد.

باآنکه وی رسیدن باین هدف را دشوار میدانست ولی‌باایمان و اعتقاد یکه بایـــن اصل داشت بیهراس دراین راه گام گذاشت‌و آنقدر جسورانه راه‌پیمود که‌تعداد زیادی‌اززنان مترقی و همزما نش نتوانستند از تعقیب راه اوطفره بروند . کلارازتکین در جون ۱۸۸۹ زمانیکه ۳۲ سال داشت در کنفرانس کارگری منعقده پاریس به حیث نماینده زنان کار گر برلین اشتراك کرد ودراین‌کنفرانس باصراحت اظهار کردکه اشتراك هرچه بیشترو وسیعتر زنان در امور تولیدی و اجتماعی یك امرکاملا ضروری است . وی همچنان در ین کنفرانس درمورد اشتراك زنان در احزاب سیاسی و اتحادیه های کار گری تاکید جدی نموده. طرح هاو رهنمود هاییکه بو سیله کلارازتکین در کنفرانس تقدیم گردید باستقبال پرشورزنان کارگر عضو کنفرانس مواجه گردید .

کلارازتکین وروزالوکزا مبورگ زن مبـــارز وبرجسته جنبش کارگری آلمان در سال ۱۹۰۰ درکانگرس بین المللی زنان سوسیا لست اشتراك نمودند درین کانگرس در پهـــلوی پیشنهاد و طرحهای مهم دیگر طرح مبـــارزه مشترك زنان در راه پشتیبانی از صلح جهانی ومبارزه علیه ارتجاع و امپریا لیزم بین المللی که در تدارك هسته های جدید جنگ بودند. نظر اشتراك کنندگان در کار کانگرس را جلب نمود و به آن توجه جدی صورت گرفت .

بعدازین کانگر س با آنکه کلاراز تکیـــن بلافاصله موفق نگردیدتا همبستگی بین المللی زنان راتامین نماید ولی افکار وی به صورت نشر یه هاو جزوات کوچك در سراسر جهان بین زنان کارگر پخش و گسترش یافت وزنان کارگربه اندیشه های او علاقه خـــاصی پیدا کردند. در یکی از ین نشریه ها کلارازتکین بزنان چنین خطاب نموده بود : «زنان آگاه و مبارز ، شما در ابتدای کار با مشکلات وموانع بیشماری در راه آرمان های تان برای صلح وهمبستگی و اتحاد زنان مواجه خواهید بود. شاید جلب زنان باین امربرجسته ، در ابتدا محدود باشد ولی رسیدن باین پیروزی مبارزه خستگی ناپذیر می خواهدپشتکارداشته باشید وموقف حساس خودرا درتشکل جامعه ونقش انگیز نده خویشرا درفامیل و خانواده فراموش نکنید بپا خیزید ودر راه زندگی بهتر و جامعه نوین مبارزه کنید ».

در نتیجه پخش نظر یات و اعتقـــادات وی بود که زنان در جاهای مختلف از شهرهاو قریه ها گرفته تا دستگاه های کارگری ومزارع کمیته های مختلف رابرای رهنما یی زنان به میان آوردند و گروه های مختلفی برای سر-پرستی و محافظت اطفال بوجود آوردند تابدین وسیله به زنان و مادر انیکه بکار های بیرون خانه اشتغال دارند یاری نمایند.

کورس های سواد آموزی در کار گاه های کارگری ودر مزارع برا ی کمك زنان بیسواد تشکیل گردید ودر پهلوی آن کورس های‌دایر گردید تا به زنان دانش سیاسی بیا موزد و زنان رادر امور اجتماعی و سیاسی آگاهی‌کامل بخشند .

دراین زمان کلارازتکین رساله یی تحت عنوان پرنسیب های تربیت اطفال و نو جوانان را انتشار داد این‌رساله باشور و شوق‌فراوان زنان کارگر رو برو شد .

کلارازتکین ودیگر هدرا هانش که در زمان پرتلاطم آمادگی امپریا لست ها برای ایجاد جنگ خانمانسوز جهانی بسر میبردند بیش‌از پیش میتوانستند به روشنی نتایج و خیم جنگ وحوادث خونین آنرا برای زحمتکشان که بار اصلی جنگ بدوش شان بود تصویرنمایند .

بدین جهت بود که از طریق کورس هاوکمیته های مختلف بزنان درمورد جنگ‌و نتایج آن آگاهی میدادند و بدین‌وسیله زنان رابه نیروی بزرگ مقاومت در برابر دسایس جنگ طلبان تبدیل نمودند و هم بوسیله همین زنان بودکه صدای استحکام صلح جهانی و مبارزه علیـــه جنگ بلند گردید .

در سال ۱۹۰۷ کـــلارازتکین در اولین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست‌اشتراك ودر سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس زنـــان سوسیالیست منعقده کوپنهاگن که در آن در حدود صد نفر زن از هفت کشور اشتراك‌نموده بودند شرکت ورزید . همین کنفرانس باساس پیشنهاد کلارازتکین روز هشتم مارچ را بحیث روز همبستگی بین المللی زنان جهان‌برسمیت شناخت و بر اصل مبارزات وسیع زنان جهت کسب حقوق سیاسی و اشتراك‌شان درمبارزات انتخاباتی صحه گذاشت .

در سال ۱۹۱۱ درکشور های آلمان،استرالیا وفرانسه روز هشتم مارچ تجلیل گردید که‌در آن بیشتراز یك میلیون زن و مرد بـــرای خواست های صنفی‌زنان به تظاهرات پرداختند

بقیه در صفحه ۴۵



هـدف مقدس این زن مبارز ایجاد جنبش‌بین المللی زنان جهان در راه صلح وترقی اجتماعی بود .



هشت مارچ یاروز همبستگی بین المللی زن

از هشتم مارچ به مثابه روز همبستگی‌جهانی زنان‌و به مثابه روز برافراشتن درفش پیکارو اتحاد به خاطر صلح‌ودوستی، به خاطر ترقی اجتماعی و استقلال ملی،به خاطر دمو کراسی وبرابری حقوق زنان و سعادت آینده کودکان شان، در سراسر گیتی بوسیله درفشداران صلح‌و عدالت تجلیل صور ت می گیرد ۰

ولی باید دید که این حرکت مسالمت آمیز انقلابی چه راه های پر خم و پیچی را پیمود وچگونه از آزمون تاریخ پرافتخار پیروزمندانه سر بلند نمود، که اکنون نیروی آنرا در همه جامیتوان احساس کردو عظمت آنرا از کران تاکران میتوان درك نمود ۰

باید دید که چه نیرو وشهامتی در وجود پیش روندگان و قربان شده گان این روز پرافتخار تاریخی نهفته بود که قهرما نانه در برابر دژ استبداد مقاومت کردند واین پایداری راتا سر حدی رسانیدند که دشمنان نهضت زنان را سخت بهراس انداختند ۰

بتاریخ هشتم مارچ ۱۸۵۷ حادثه بس عجیب توجه باشندگان شهر نیو یارك رابه خودجلب کرد۰ گروهی از زنان در حالیکه لباسهای کهنه کارگری بتن داشتند جاده های شهر را بـــا شعارها، مارش کنان عبور نمودند: «ما مزدهای منا سب می خواهیم ! ده ساعت کار در یکروز عادلانه نیست» این اولین مظاهره زنان کارگری بودکه بیش ازسی سال منبع‌کارارزان صاحبان آزمندصنایع نساجی‌راتشکیل میدادند، به راه انداخته شده بود ۰

هنگامیکه تظاهر کنندگان به مرکز شهـــر رسیدند بامقاومت غیرانسانی پولیس‌برخوردند ومظاهره مسالمت آمیز ایشان بشکل وحشیانه سرکوب گردیدو عده هم بدست دژخیمان‌اسیر شدند اعتراض اتحادیه کارگران مردان درین زمینه با بی اعتنا یی مقامات حاکمه مواجـــه گردید ولی سه سال بعدازاین واقعه کارگران نساجی پس از تلاش های پیگیر و خستگــی ناپذیر موفق به ایجاد اتحاد یه خود شدندوبه اتحاد یه ملی کارگران پیو ستند ۰

ازآن تاریخ به بعد مردم جهان شاهــــد مبارزات پر شور زنان در امریکا و کشورهای اروپایی بودند که به‌موفقیت های‌کوچکی نیز نایل آمدند به دست آوردن حق رای برای‌زنان بتاریخ هشتم مارچ ۱۸۷۸ در یکی از ایالات شاهد خوب این ادعاست واین حق به زودی درسایر ایالات امریکا نیز بزنان اعطا گردید۰

در همین هنگام در لندن استوارت میل در مقابل مجلس عوام در باره حق رای زنـــان بیانیهٔ ایراد کردکه درنتیجه‌آن زنان مالیه ده انگلیس حق اشتراك در بلدیه هارا به دست آوردند و این شکست کوچکی بود در دیوار ضخیم امتیازات طبقات مرتجع حاکم، در سال ۱۸۷۱ زمانیکه امپرا طوری فرانسه قرار داد متارکه یعنی در واقع تسلیم را با پروس‌امضا کرد امربه آتش بستن مردم بیگناه پاریس داده شد ۰

یکبار دیگر زنان‌به‌مثابه مادران بپا خاستند وموضعگیری قاطع و سر سختانه در برابر این دستور از خود نشان دادند ، آنها عساکر را متوجه وظایف وطنپرستانه شان در برابـــر فرانسه نمودند ۰ وبدین وسیله مانع به‌خاك و خون کشیدن باشندگان پاریس شدند ۰

همچنان تاریخ مبارزات شجا عانه ده هزار زن از خود گذر فرانسوی رادر کمون پاریس (اولین قیام کارگران فرانسه برای بدست گرفتن قدرت سیاسی) هر گز ازیاد نخواهد بردو همیشه رزم دلیرانه این زنان پیکار جو را با افتخار واحترام یاد خواهند کرد ۰

بالاخره در اثر پیشنهاد کلاراز تگین ز ن رزمنده آلمانی در دومین کنفرانس زنان سوسیالیست منعقده کوپن هـاگن هشتم مارچ به‌خاطر یاد بود از زنان قربان شده کوره راه های نا منکشف پیکار و مبارزه برای آزادی، برابری ، صلح و ترقی تو سط زنان مترقی جهان پذیرفته شد و برای اولین باردر سال ۱۹۱۰ این روز توسط زنان امریکا و آلمان تجلیل گردید ۰

زنان روسیه تزاری هشتم مارچ رادر سال ۱۹۱۳ بافریاد «سرنگون بادجنگ» مارش‌کنان در جاده های شهر تجلیل نمودند و قاطعانه مخالفت خود در را با جنگ ایـن وسیلـه تباهی بشریت اعلام نمودند ، و یکسال بعداز آن زنان رزمجوی فرانسوی در محلات کارگری تظاهرات پر شگو هی رادر شهر پاریس در مخالفت با دستگیری (روزالوکزامبورگ) زن شجاع و مبارز آلمانی براه‌انداختند و خواستار آزادی هرچه زودتر روز الوکزا مبورگ ازدولت آلمان شدند ۰

در فاصله بین دو جنگ جهانی شعار هـــای زنان صراحت بیشتری کسب نمودو نـهضت زنان بخصوص در فرانسه وآلمان باوج خود رسید، و دامنه مبارزات زنان جهت احیای حقوق شان وسعت بیشتری یافت ولی بـــا تسلط فاشیزم در آلمان روز های تاریك فرا رسید و سایه شوم جنگ بر فضای کشورهای جهان و بخصوص بر فراز اروپا گسترده شد ودر همه جاباخود مرگ‌ونیستی ترور و اختناق رابه ارمغان آورد که در اثرو حشیگری های نازیسم میلیونها انسان وکودك به‌خاك وخون کشیده شدند۰

ازآنجاییکه‌زنان‌همیشه‌پاسدارصلح بوده‌اند ومیدانند که سعادت و آسایش کودکان‌شان تنها در شرایط آرام و صلح آمیز می تواند تامین شود، باز هم شجاعانه سر تسلیم فرود نیاروند ودر مبارزات و مقاومت علیه نازیسم فعالانه شرکت ورزید ند که نبرد قهرمانانه‌و افتخار آفرین شان در اذهان تمام مردمــــان صلح دوست ودر صفحات زرین تاریخ نبرد های عادلانه بشری جاویدانه ثبت است، واینك نمونه از وحشی گریهای قاتلین بشریت را برای شما یاد آوری می کنیم :

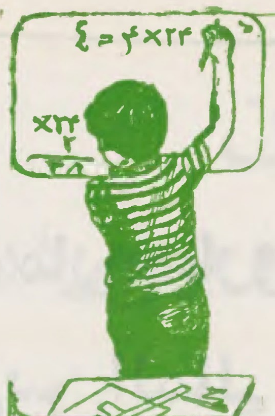
دیوانه های هتلری‌این آدمکشان خون‌آشام در مـاه جنوری ۱۹۶۶ در راونسبرگ یـك گروپ نیروی مقاومت متشکل از چـهار زن فرانسوی، چهار زن انگلیسی، یك زن‌چك‌ویك زن شوروی رابدار آویختند، اما هر گـــز نتوانستند فریاد رسای آزادی و همبستگی‌را خاموش نمایند و همانطور یکه خون زن‌چکی زن شوروی ،زن فرانسوی و زن انگلیسی‌در مبارزه علیه دشمن مشترك شان در سنگـــر مشترکی ریخت نتیجه این پیکار مشترك ایجاد فدراسیون دموکراتیك جهانی زنـــان در اول دسامبر ۱۹٤٥ در پاریس توا م شد۰ جنبش توده ای زنان با جنبش دموکراتیك جهانـــی اهمیت بزرگی‌را در پیروزی جنبش عمومـــی دموکراتیك کسب نمود ۰

در اغلب کشور هادر روز هشتم مـــارچ جلساتی رابر پا میدارند کار های یکسالــه پیروزی هاو ناکامی های خود را ازیابی می کنند و نقش خوددرادرنهضت عمومی دموکراتیك ودر جامعه خویش محاسبه می نمایند۰ و طرق نوین رابرای موثر گردانیدن اشتراك خویش در ین نهضت جستجو می نمایند۰

بدین جهت می توان به اهمیت روز جهانی زنان نه تنها از لحاظ رشد جنبش برای وحدت وهمبستگی زنان بلکه از لحاظ اهمیت اشتراك آنان در مبارزه عمومی مردم پی برد ۰

اگر چه سال ها قبل علایق زنان عمدتـــا

بقیه در صفحه ٤٤





اطفال امروز

اهمیت مکتب ومدرسه

روان شنا سان معتقد اند که‌یکی از قدرتهای قابل ملاحظه ایکـــه قضایای ضد اجتماعی را در کودکان نا بود میکند مدرسه است .

این نظریات یك واقعیت بسیار بزرگی را بیان میکنند چون کـودك پس از یاد گیری آنچه کــــه از اطرافیان خود در محیط خانـــواده مشاهده نموده است به محیـــط دیگری مانند مدرسه‌انتقال مید هـد و از آن جاروشهای جدید را فــرا میگیرد. دراین محیط که‌اولین گـام بطرف تطابق بااصول و مقــررات اجتماعی است کودك میتوا ند بخوبی راه ساز گاری با افراد مخــتلف، گروههای گو ناگون و اجتماع رابیا موزد.

مدرسه یکی از اولین محیط های اجتماعی است بدون آنکـــه اراده کودك‌درآن دخیل باشد باو تحمیل میگردد . در این محیط است که او با زندگی اجتماعی باید خو بگیرد و با افراد نا آشنا و بیگانه غیـر از خانواده تماس حاصل نماید .

بر حسب مطالعه ایکه دریـــن مورد صورت گر فته بخوبی اثبا ت شده است که اطفال با محیط نــو بیشتر از بزرگ سالان خود ما نی می شوند و عادت می کنند چنانچه محیط مکتب و مد رسه یکی ا ز جا و مکانی است که بعد از چند روزی واقعا محیط واقعی زیست کودك را می سازد .

قدرت مد رسه یا مــکتب یـکـی ا ز قـد رت هـا ی بسیار بزرگی است که تاثیر عمیق و نفوذ کننده‌اش‌در زندگی کودك‌میگذاردبر هیچکس پوشیده نیست زیرا نقش حیاتی و اساسی که در پی ریزی و ساختن بنای آینده او ایفا میکنــد میتواند از کودك انسانی کاملاسالم و ساز گار یا بالعکس بیماروومتمرد و مخالف اصول و موازین بــــار اورد .

امروز کلیه محققان معترفند کـه مدرسه بخوبی قادرست که روح و روان کودکان رادرحیطه‌ای‌قدرت‌خود بیاورد و وجود شان را بطور کامل تسخیر کند بنابر این مدرسه اگر از محیطی سالم بر خوردار نباشـد محقق است که بسادگی کودکان را بکجر فتاری وامیدارد و با گمـراه کردن آنان بسقوط شان در و ر طه بد بختی کمك میکند در حالیکه اگر محیط مدرسه سالم باشد و روشهای صحیح تربیتی عملی شود بخوبـــی میتواند انسانی خوب درستکـار و سالم تحویل اجتماع دهد .

بهمین جهت زیلیگ اتریشـــی معتقد است که یکی از عوامـــل قدرتمند باز دارنده و درعین حال موثر در ایجاد جرم‌تربیت در مدرسه است .

ــ وظیفه مکتب:

با توجه به قدرت مدرسه که از آن یاد شد بوظیفه خطیری کـه در قبال کودکان خانواده ها و اجتماع دارد بیشتر میتوان پی برد .

یکی از وظایف اساسی مدرسـه اماده کردن کودك برای زندگـــی اجتماعی و دوران بلوغ و پرورش قدرت شرکت در فعالیتهای دستـه جمعی و معاونت و همکاری‌بادیگران و بالاخره ایجاد روح ساز گــاری با محیط بزرگ اجتماعی است .

بنابر این مدرسه باید مرکـــز کو ششهای فراوان برای نشـــان دادن حقایق امور و اماده کــردن کودك برای بر خورد های آینـــده با افراد و با همه اجتماع بالاخره ایجاد حس ساز گاری در جامعـه باشد .

نا ساز گاری بامحیط جدید:

گرچه مدرسه از عوامل موثرضد جرم به شمار می اید و اسلحـــه برنده ایست که بخوبی میتواند بـا اعمال بد و زشت مبارزه کند ولی ناگفته نماند که اگر روشهـــای صحیح و مد برانه ای بکار بــرده نشود و بطریقی که لازمست عمـل



مصروفیتهای سالم برای کودکان

پایه و اساس آموزش فرزندان در خانواده گذاشته میشود پدر و مادر هر دو نقش موثر دارند اما مادر چون او قات بیشتری را با فر زندان سپری میکند رول مهم و اساسی را به عهده دارد .

کودك در دوران مکتب ابتدائی تقریباً چند سا عت محدود در خارج از منزل بسر میبرد درین سا عات مربی جانشین مادر است در حقیقت معلم یا مر بی نقش مادر را در مکتب ایفاء میکند .

در نتیجه هما هنگی بین افکار معلم ، پدر ومادر ضروری است تا تنا قص بین تر بیت معلم و والدین ایجاد نشود ما در با مرا قبت غیر مستقیم میتواند عاد ت مطا لعه را در فرزندان خلق نماید وکتابهای راجستجونماید که مطا بق میل و به سو یهفر زندان برابر باشد ، همچنان دیدن فلم های خوب ، تربیوی نقش و تاثیر مثبت بالای شخصیت اطفال می گذارد .

تفر یح و ورزش فرزندان مثل تحصیل برای کود کان مفید و با ارزش است زیرا اگر فر زندان همه او قات را به درس خواندن بپر دازد نمیتوان مطمین بود که بر داشت درستی نموده است . در ایام تعطیل مادران بکوشند کهسر گرمی های مفید برعلاوه درس مکتب تهیه نمایند .

خستگیکه دراثر ورزشنمودن برایفرزندان پیدا میشود اشتهای آنها را بهتر سا خته و فر زنداناز این نوع خستگی لذت میبرند اما برای فر زندان در ایام تعطیل کار کردن یا یامصروفیت سالم میسرشودحسمسئولیت در فرزندان بیدارشدهوتجربهبیشتریکسب خواهند نمود . اما این نکته را باید در نظر داشت که کار متنا سب با سن فرز ندان انتخاب شود .

پر کردن او قات فراغت فر زندان فو ق ـ العاده ضروری است و اگر کارخوب، مناسب و مشروع باشد و فرزندان آنرا خرج نماید در او استقلال بو جود خواهد آورد .

دیگر اشتراكفر زندان درتیم های ورزشی برای فر زندان فعا لیت ، نشاط ، علاقمندی و دوستی را خلق میکند دیگر مطا لعه بعضی آثار تاریخی از طرف مادران در اوقات بیکاری که آنها با تاریخ ، فرهنگ ، جغرافیا و مسا یل گذ شته مملکت آشنایی پیدا میکنند البته در صورت امکان دارد که مادر از سواد بهره داشته باشد دیگر حس بشر دوستی و انسان دو ستی با خواندن حکایات دلپذ یر برای فر زندان بیان شود اما سعی کنیم که هدف مشخص را تعین نماییم تا راه صحیح را در زندگی اجتماعی پیش گیرند . یاد دادن خیا طی ، آشپزی ، وکار های دستی برای دختران جالب است د یگر ر سا می نقا شی ، و غیره مصرو فیت های مفید خلق نماییم تا فر زندان مصروفیت داشته و از بیکاری دلتنگی برایشان پیدا نشود .



نگردد این عامل مفید و ثمر بخشس خود میتواند زیان بخشس و جرم زا باشد .

بسخنی دیگر شکست در این هماهنگی اجتماعی دارای عواقب بسیار نا فرجام و نتایج نا مطلوب فراوان است . بهمین جهت در این تغییر محیط یعنی رفتن از گروه خانواد گی بطرف گروه اجتماعی یا ازیك محیط داخلی بدنیای خارج باید دقت کامل مرعی شود تا کودك بتواند خود را با محیط جدید هما هنگ سازد .

میگو یند :

«مدرسه یکی از عوامل موثر باز دارنده کودك از اعمال ضد اجتماعی است .

همین دو دانشمند نیز دارای قول متفقند که از طرفی عدم ساز گاری با محیط مدرسه هم خود میتواند یکی از عوامل اصلی رفتار های ضد اجتماعی آینده کودکان باشد .

مطا لعاتیکه در همین زمینه صورت گرفته است بخوبی اثبات میکند که عدم هماهنگی با محیط تحصیلی غالبا باعث فرار وولگردی کودکان شده است که در نتیجه پایه های تر بیتی آینده آنان را بنا کرده است .

ژامبو مرلن یکیاز دا نشمندان که بر حسب مطا لعات انجام شده عدم ساز گرای با محیط مدرسه در نزد مجرمان جوان بسیار دیده شده است عده کثیری از آنان از مدرسه فرار کرده و به دوره گردی پر داخته و بالاخره منحرف گردیده اند . برخی از آنان که در محیط مدرسه باقی مانده اند در زمره افراد بی انضباط متمرد نا فرمان... در امده اند و آزار همگان رافراهم اورده اند .

نوع نا فرمانی و بی انضباتی که در نزد بعضی ها مشاهده شده است عبارت است ازفراراز مکتب وبی دسپلینی ، عدم اطاعت، فقدان نظم، پا فشاری و سما جت بر ای اثبات و تحمیل عقیده تند خویی و زشتی گستاخی و بی بندو باری در گفتار و رفتار تحریك و اقدام بیجا.

عشق انسانی

کسی که عشق و آرمانی ندارد
تنی دارد ولی جانی ندارد
چو سنگ خاره بی احساس و درده
کسی که عشق انسانی ندارد

یوه‌ورځ

شعر .د ((سنگر))

یوه ور ځوه مخا مخ شوه
ما سره یېغله نجلی
ښا یسته وه لکه حوره
ځا و دید له ، نه مستی

* * *

برندی بر ندی یی کتلی
کټ مټ وه لکه غو ټی
چکه ونه هسکه غاړه
توری خټی او کو څی

* * *

بار خو سو ر لکه مڼه
شهلا ستر گی توری توری
زړه زما یی را نه یوو ړ
په کی و ی فتنی لا نوری

* * *

ارت ټټر یی راو تلی
په ټو پو په کی تیو نه
په کی مینه شهو تی وه
وه دمینی یی غو ښتنه

* * *

برند ی ستر گی ستر گــــــی
ستر گی

په کړ س کړس به خند ید له
دایی هیله وه چی شکل شی
له ویلو شر مید له

* * *

تو له مینه سر تر ښنووه
کی تکل دیو ځای کید لو
لکه پرانیتی وی ورمی ته
خپله غیږ غو ټی د گلو

* * *

شو م وروړ ا ند ی چی یـــــی
شکل کړم
تر هید له ، تښتید له
لاس یی زانه کړ او لاړه
گړ ند ی شوه ځغلید له

* * *

دغما زله چوغلتو ب نه
ستړی ستړی وه ستو ما نه .
ډارید ه چی رسوا نه شی
ځکه لاړه شو ه پښیمانه

* * *

دکب ۲۲-۱۳۵۲ کا ل کند ها ر
دفتح خا ن کو څه



میاموز

تــو چشم شوخ را د یــدن‌میـا موز
فــلك را را ست گر دیدن میا مــوز
تو بکشا چشم تــا مهتاب‌بینی
تو مــه‌را نور بخشیــد ن میا مــو ز
تو عقــل خو یش را از مـــــی‌نگهـدار
تو می‌را عــقل د ز د ید ن میا مو ز
دل مظلوم را ایــمن کــن ازتــرس
دل‌اوراتــو لر ز یدن مــیا مــو ز
تو گل میریــز به فرق عــروسا ن
ز گــل‌چینان تو گل چیندن میا مــوز
چودیدی‌آفتاب‌شمس تبر یز
چورعد ایدل‌خرو شیدن میاموز

جامی

((ون ، یی ، تو))

رنگ‌ها

زندگی من صفحهٔ سفیدبی‌ارزشی
بــود
سبز مایه بالیدنم شد
قرمز به من شوق بخشید .
زرد انصاف و عدالت به مـــن
آ مو خت
وکبود پاکدامنی را
سرخ به من ا مید داد
و خاکستری غم را بیادم آورد
برای تکمیل این نقش آ بـــرو،
سیاه، مرگ را به‌سرم می آورد .
ازنکاه .
زندگی را می‌پرستم
زیرا که رنگ های آ نراستایش
می‌کنم .

ژوندون

باديه نشين

ای عقابهای میهن!

قفس ها را شکسته اید .
دیگر نیست آن قفس های‌تنگ
زبند ا ستبداد رسته اید
ای عقابهای میهن !
((صدای تان رسا))
((پرواز تان بلند)) باد
زسر این مردم و میهن
گذشته روز های سیاه بسی
ورنج دیده اند بیکران
در تیره روزی شدند تباه بسی
لیك عقا بهای غیور
از پر واز نماندند
ای عقابهای میهن !
((صدای‌تان‌رسا))
((پر واز تان بلند)) باد
صیاد ها ، دیگر نیستند
تا عقا بها را در قفس ها
در تیره شبها کشند
خورشید آ زا دیست
بدنبال پرواز تان

ای عقابهای میهن !
((صدای تان رسا))
((پرواز تان بلند)) باد
فضای میهن بها ران است
از بهار آزادی

پیام آزادی رسیده و میرسد
از پرواز عقابها
که عقابها پیام آوران است
خون پاك عقابهای همپرواز را
فراموش نکنید !
پرواز هارا به پیش برید
در دل تیرگی ها
چو خورشید بتابید
ای عقابهای میهن !
((صدای تان رسا))
((پرواز تان بلند)) باد
بهار تان جاویدان
بال و پر تان شکست ناپذیر
راه دور است
ولی رسید نیست
پرواز تان بی امان
تابه شهر خورشید ها
ما همه میرویم و میرسیم
تاآن قله های ار مان
ای عقابهای میهن !
((صدای تان رسا))
((پرواز تان بلند)) باد

صبر کم

دوستان این دل بیمار مرا یاد آرید
صبر کم محنت بسیار مرا یاد آرید
روز روشن چو بهم بزم طرب سازکنید
تیر گیهای شب تار مرا یاد آرید
شاد از قید غم آزاد به بستان چوروید
به قفس مرغ گرفتار مرا یاد آرید
ابر نیسان چو گهر بارشود وقت‌بهار
گریه دیده خونبار مرا یاد آرید
درصف لاله‌رخان چون‌به تماشانگرید
داغ های دل افگار مرا یاد آرید
درچمن برگل وسنبل چونظربگشایید
طره عارض دلدار مرا یاد آرید
چون صبا جعدبنفشه به چمن شانه‌زند
زلف پر پیچ و خم یار مرا یادآرید

محجوبه هروی

که خه زورلري دښمنه بې ایمانه
ماسینه درته سپر کړې په میرانه
چې مې ولی لکه غله غونډې لښانه
داخوزورنه دی ځواني نه ده‌ناځوانه

دوکتور زیار ۵۹/۱۱/۱۷

رشتهٔ گیسو

کیفیت چشمان تو میخانه ندارد
سر شاری دیدار تو پیمانه ندارد
خوبست به رخسارتو افتاده‌بر یشان
زلفین تو حاجت بسر شانه ندارد
شمع گل رخسارتو پاتا بسرم‌سوخت
این طاقت مارا پر پر وانه ندارد
در رشته گیسوی تو شد پای دلم بند
بگذار دگر حاجت زولانه ندارد
دشمن نکند آنچه بمن دوست نموده
ظلم و ستمش از خود و بیگانه‌ندارد
ناصح به‌نباتی تومده پندکزین بیش
پروای نصیحت ، دل دیوانه ندارد.

نباتی

از شگفتی های رنگا رنگ جهان

پلان‌های وسیع برای تداوی امراض قلبی

تداوی امراض قلبی هنوز هم‌یکی از مشکل تر ین ساحه طبا بت را تشکیل میدهد چه کار هایی درین ساحه در اتحاد شوروی انجام شده است . این سوال را ایگور شخوات سبایا امر انستیتوت‌تحقیقات امراض قلبی ما یسنیکوف طی مقاله به روز نامه مسکو نیوز انفار میشن جواب گفته است .

امراض قلبی در حیات مدرن کنونی ناشی از علل مختلف است که شاید از قلت فعالیت تغذیه نادرست و نا معقول و آلودگی‌باشد به همین دلیل ما تحقیقات اساسی را بطور کل روی همین پرابلم ها براه انداخته ایم از اطلاعاتیکه تاکنون در دست داریم مرکز امراض قلبی اکادمی علوم طبی اتحادشوروی در صدد آغاز از مایشات سیستم تدابیری جهت جلو گیری از ادامه افزایش در واقعات بی نظمی های دورانی در چند سال اینده می‌باشند چیزی که درین زمینه قابل یاد اوریست تاسیس یك مرکزخدمات امراض قلبی برای سراسر کشور میباشد شخوات سبایا می گوید :

تیم علمای این انستیتوت چندین پرو گرام را برای احیای مجدد صحت مر یضان پس از حملات قلبی طرح کرده اند که در آن در مدت خیلی کوتاه به هزاران نفر حیات فعال اعاده خواهد شد .چندین کلینیك مسکو و بعضی مراکزصحی جمهوریت های مختلف اتحادشوروی این پرو گرام را قبلا تحت تطبیق قرار داده اند و قرار است این مراکآز در اینده بحیث مراکز یك سیستم واحد احیای مجدد برای تداوی امراض قلبی در سراسر آن کشور تبارز کنند .

درحال حاضر دیپار تمنت جلوگیری از امراض قلبآی مرکز امراض قلبی بین المللی تحقیقی را درمسکو پیش میبرد که هدف آن وقایه‌همه مردم در برابر واقعات قلبی و همچنان امادگی داشتن قبلی برای دفع چنین واقعات می باشد .

علمای این مرکز مطمئن هستند که تداوی های وقایوی خیلی مفید بوده و فشار خون مریضان را عادی نگه میدارد .

انکشاف کلتور در تر کمنستان

موزیم فارم اشتراکی عشق اباد در جنوب جمهو ریت اسیای مرکزی تر کمنستان شوروی یگانه جایی است که می توان در آن اثار زندگی دهاتی باستانی را مثل کلبه های مردمان بی بضاعت اسباب اولیه باستانی و ظروف قدیمی مشاهده کرد .

این وسایل بیانگر تغییر فاحشی در زندگی مردم در طول تاریخ میباشد این موزیم که تحت یك پلان تجربی در آن شهر ساخته شده بایك تیاتر و یك نمایشگاه رسامی احاطه شده و در نزدیکی آن یك ستدیوم قرار دارد .

قرار اظهار اشیر ما میبلیوف وزیر کلتور تر کمنستان شصت سال قبل زبان ترکمنی کلمات (تیاتر)، (کتابخانه) یا (انسامبل موسیقی) نداشت پس از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ مردم پیشرفتها ی برابر با قرنها را نصیب شدند تر کمنستان اکنون دارای هفت‌تیاتر مسلکی و سی و پنج تیاتر مردمی یك انستیتوت هنر ها، چندین موزیم ، سینما و کلوپ ها می باشد .

حق استفاده از مزایای کلتوری در قانون اساسی اتحاد شوروی و قانون اساسی تر کمنستان محفوظ است این امر بوسیله یك شبکه واحد تا سیسات کلتوری تضمین شده و دولت شوروی برای انکشاف موزون انسان و توانایی روحی وی سعی می نماید . تخصیصات دولتی برای انکشاف فر هنگ همه ساله افزایش می یابد در سال جاری که سال اخیر دهمین پلان پنج ساله بود جمهو ریت تر کمنستان بیشس از بیست ملیون ربل را برای همین مقاصد تخصیص داده است که بیست فیصد بیشتر از پنج سال گذشته میباشد در سال های اخیر صدها مرکز فر هنگی ، کلوپ های دهاتی و کارگری مکاتب جدید موسیقی و مکاتب مسلکی و ثانوی در تر کمنستان افتتاح شده است.

وزیر کلتور ترکمنستان خاطر نشان کرد که بیشس از هفتاد روز نامه و مجله که اضافه ازنصف آن به زبان تر کمنی می با شد در تر کمنستان انتشار م یابد در حالیکه مردم تر کمن قبل از تحکیم قدرت شورا ها نه نشراتی داشتند و نه هم تحریر به زبان خود شان .

مشکلات انرژی وانرژی آینده

ترجمهٔ نور محمد همتا
ازمجله سپوتنیک

بشر در آینده از کدام منابع انرژی استفاده خواهد کرد؟

آیا انرژی برقی ـ انرژی اتومی و انرژی بادی و انرژی حرارتی تحت زمین جانشین‌منابع کنونی انرژی شده می‌تواند؟

• • •

چندی قبل نفت و گاز در بازار جهانی ارزشی نداشت، نتیجه‌برآن شد که اکثر از منابع ذغال سنگ در اروپا استخراج نشوند و جای آنها را پایپ‌لین های گاز و خطوط نفت اشغال‌کنند.

در اتحادشوروی تجدید موسسات اساسی انرژی شبه آمیز بود . . . انکشاف همه جانبه در تمام ساحات انرژی بدون امتیاز به یکی ازمنابع ادامه یافت . این امر امکانات و شرایط بروز رقابت آزاد، بخش‌های مختلف انرژی را در بازار های داخلی از بین برد .

طوریکه گذشت زمان تثبیت کرد که برد با انکشاف همه جانبهٔ بخشی های مختلف انرژی است به این علت بود که بحران عمومی و عمدهٔ انرژیستیکی اتحاد شوروی را متاثر نساخت .

امروز نیز در اتحاد شوروی انکشاف همه جانبهٔ بخش های مختلف انرژی در نظر گرفته میشود یعنی‌علاوه از استحصال پر محصول و تزاید ذغال به نفت و گاز هم توجهٔ خاصی مبذول می دارند .

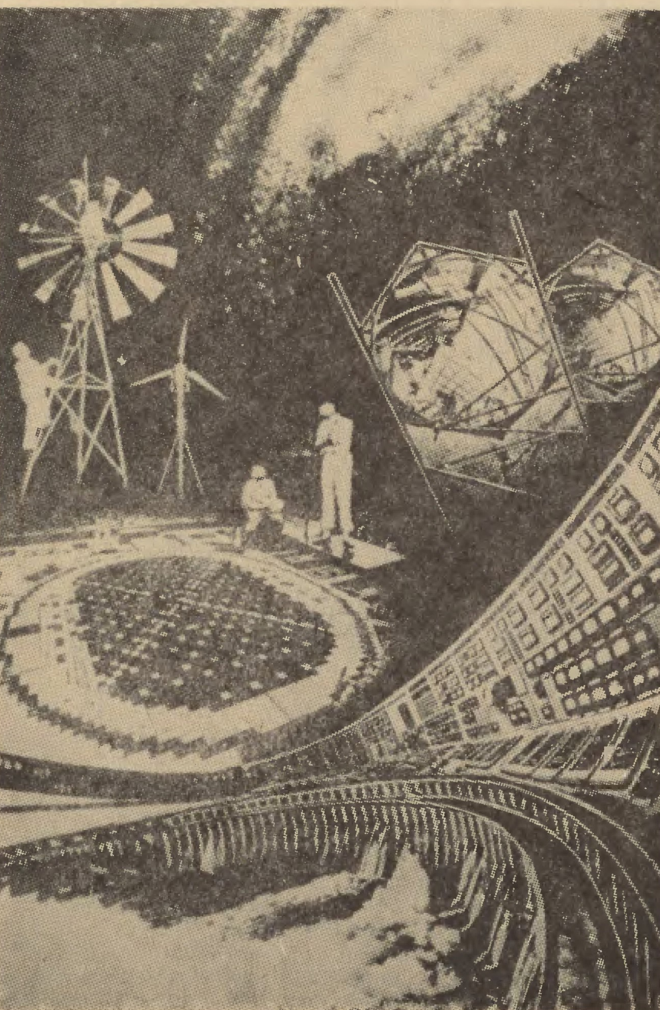
انرژی اتومی :

مخازن اساسی حرارتی و منابع آبی اتحاد شوروی در یورال و تقاضای اساسی آن در قسمت اروپایی آنست . این عدم‌تناسب جغرافیایی مصارف هنگفت اقتصادی را برای مملکت ایجاب می کند . در عین زمان یك واگون ذغال معادل با مادهٔ احتراقی هسته ای به اندازه قطی گوگرد است . چنین شرایطی انرژی اتومی را با تولید برق خصوصا درقسمت های اروپایی اتحاد شوروی در یك ردیف قرار میدهد . بدین ملحوظ تصمیم گرفته شد که آنجا ساختمان مراکز حرارتی ایکه از نفت و گازاستفاده میشد قطع وبصورت عموم ساختمان مراکز حرارتی اتو می آغاز شود ناگفته نماند که در سال های 1978 به استفاده از مراکزحرارتی اتومی صد ها هزار واگون ذغال سنگ صرفه جویی شده است . اگر به آینده نظر اندازی شود قرار گفتهٔ وزیر برق و انرژی اتحاد شوروی پیاتر نیبار وژنی از سال ۱۹۸۰ به بعد قسمت زیادی تولید انرژی بر قی بخش ار و پا یی مملکت از استیشن های برقی اتومی حاصل میشود .

بدین منظور درساحل ذخیره آب سیملیا نسك ، کنار کانالیکه ((ولسگا)) را (با دون) وصل می کند ساختمان کار خانه اختصاصی تولید ریاکتور های اتومی برای اولین بار در پراتیك جهانی جریان دارد . قرار پروژهٔ طرح شده کار-خانهٔ مذکور ریاکتور های اتومی ایرا تولید می کند که قدرت عمومی آن سالانه ۸ ملیون کیلو وات است . سا ختمان مراحل اولی این پروژه در سال ۱۹۷۸ شروع شد .

در زمان حاضر انکشاف انرژی اتومی در اتحاد شوروی دارایی دو مرحله است :

مرحلهٔ اول : بکار بردن ریاکتور های اتومی در صنعت که‌باجنراتور های عنعنوی باامنیت تخنیکی رقابت کرده بتواند تا (۳۰) سال آینده جهت ساختمان استیشن های برقی اتومی منطقه‌یی انتخاب میشود که کثرت نفوس کم و برای زراعت مساعد نباشد . اگر محل ساختمان ساحل انتخاب شود در ینصورت طوفان ها ، امواج بحری و لغزش ساحل باید نیز در نظر گرفته شود .



در این عکس چند شکل استفاده‌از انرژی نشان داده شده‌است.

بقیه‌درصفحه۵۱

قدرت

فرخنده باد روز بین‌المللی زنان جهان

روز هفدهم حوت ۱۳۵۹ مطابق به هشتم مارچ ۱۹۸۱ مصادف است به هفتاد و یکمین سالروز بین‌المللی زنان جهان و همه ساله از این روز تاریخی درسراسر کشورما و جهان با تدویر محافل شکوهمند استقبال بعمل می آید، بی جهت نخواهد بود تا پیرامون سوابق این روز تاریخی سطور چند بر شتهٔ تحریر در آید.

بنیانگزار این روز تاریخی یعنی روز بین‌المللی زنان جهان شخصیتی بودبنام کلارا تکین که یکی از مشهورترین رهبران نهضت کارگری در آلمان و یکی از اساسگذاران اصلی جنبش بین‌المللی زنان بشمار می رود.

او در ژوئیهٔ ۱۸۵۷ چشم بجهان گشوده در ۲۰ ژوئین ۱۹۳۳ پدرود حیات گفت. این شخصیت ترقیخواه و بشردوست تمام دورهٔ حیات خود را وقف مبارزه در راه آزادی و احقاق حقوق زحمتکشان وبخصوص کتلهٔ زنان نمود.

کلارا تکین به این عقیده بودکه بدون سهم فعال و شرکت زنان این نیمهٔ کاملی از پیکر جوامع بشری هرگز نمیتوان جامعهٔ مطلوب انسانی را ایجاد نمود.

او عقیده داشت که فقط آزادی و برابری حقوق زنان در جامعه یی می توانند تامین شود که قدرت حاکمهٔ دولت از طبقات حاکم جامعه به طبقهٔ محکوم ورنجدیده وبه نمایندگی از طبقهٔ عذاب دیده به حزب زحمتکشان تعلق گیرد.

زتکین در سال ۱۹۱۰ هنگام تدویر کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست پیشنهاد کرد که روزی بنام روز بین‌المللی زنان تعیین گردد و هدف از این پیشنهاد این بود که به جنبش زنان هر چه بیشتر خصلت بین‌المللی داده شود واز این طریق مبارزات آزادیخواهانهٔ زنان جهان اوج گیرد و در امر احقاق حقوق حقهٔ ایشان اثرات سودمندی ببار آورد.

زنان که نیمه یی از پیکر اجتماعات بشری را تشکیل می دهند در نظام های سرمایه داری وسیستم های ماقبل سرمایه داری به مثابه انسان از حقوق انسانی در تعیین سرنوشت خویش برخوردار نمیباشند و در تحت ستم های دوگانه‌طبقاتی واجتماعی با مصایب و مشاکل روزگار پنجه نرم می کنند.

در کشور محبوب ما افغانستان آزاد و انقلابی پیش از آنکه انقلاب نجات بخش ثور به پیروزی انجامد، زنان هموطن ما مانند مردان و حتی بیشتر از آن مورد ستم و استثمار قرار می گرفتند و از همه حقوق انسانی خویش محروم بودند.

باوصف‌آنکه تاریخ درخشان کشور ما مثال های فراوانی از قهرمانی های حماسه انگیز زنان دلیر و غیرتمند میهن ما را بیاد می دهد و قهرمانی های رابعه ها، ملالی ها و عایشه ها همه و همه چون رشته های ارغوانی در دل تاریخ کشور نقش زنان پیکارجو و مبارزات عادلانه ووطن پرستانهٔ آن ها را برضد ظلم و بیعدالتی ارائه می دارد محافل حاکمه مستبد گذشته بر قدرت و توانایی زنان حماسه آفرین کشور ما بدیده قدر نمی نگریستند و سعی می نمودند تا از جنبش توفانزای بیداری زنان افغان جلوگیری نمایند و سد راه مبارزات عادلانه و برحق ایشان گردند، ولی همانسانکه مردان افغان این گردان پیکارجو و دوران ساز کشور برای محو و نابودی انواع رنج و ستم از دامان مطهر میهن خویش بدور حزب دموکراتیک خلق افغانستان «پیش‌آهنگ طبقهٔ کارگر وتمام زحمتکشان کشور.» حلقه زدند و در تحت رهبری اصولی این حزب قهرمان مبارزات عادلانهٔ طبقاتی ضد فیودالی وضد امپریالیستی خویش را آغاز نمودند، زنان حماسه‌ساز ما نیز بدور سازمان دموکراتیک زنان جمع گردیده صفوف انقلابی شان را فشرده و فشرده تر ساختند.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که شانزده سال قبل از امروز پا به عرصه وجود گذاشت منحیث اولین سازمان توده یی زنان در شرایطی ایجاد شد که حاکمیت دو هزار ساله فیودالی وماقبل فیودالی وبازمانده های جامعهٔ پدرشاهی ونظام قبیلوی در افغانستان زنان را نسل به نسل به برده دست و پا بسته تبدیل نموده مرد را عملا به سرنوشت وی حاکم گردانیده بود.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با درک این واقعیت که آزادی زنان و تامین حقوق سیاسی و اجتماعی آن ها بدون آزادی تمام زحمتکشان کشور از تحت ستم و بیعدالتی ناممکن است دوش بدوش حزب زحمتکشان افغانستان بر ضد فیودالیزم، ارتجاع وامپریالیزم و سایر قدرت‌های حاکمهٔ مرتجع کشوردلیرانه ووطن پرستانه مبارزات خویش را به جلو برده است.

بعد از آنکه انقلاب نجات‌بخش ثور برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی انجامید و قدرت حاکمه از سلطهٔ جباران و ستمگران به زحمتکشان کشور و به نمایندگی از آن ها به حزب دموکراتیک خلق افغانستان ((پیش آهنگ

بقیه‌درصفحه ۳۷



زنان کشور هندوستان دردوران سی سال قبل

«کروپسکایا زن مبارز و قهرمان»

نادیژدا کانستانیتنو وا کروپسکایا همیشه باماست آنهائیکه اورا میشناسند ویا باوی ملاقات کرده‌اند ویا آثاراورا مطالعه نموده‌ویا اقلا یکبار به عکس او نگاه نموده این شعار بزرگ که (او همیشه باماست)راپذیرفته اند.

کروپسکایا در ۱٤ فبروری سال ۱۸٦۹در خانواده خورده بورژوایی تولد یافته ودر سال ۱۸۸۵ پدراوچشم ازجهان پوشید، کروپسکایا پدرش رابخاك سپرده وبه زندگی پرمشقت‌خود آغاز نمود او فعالیت خودرا از وظیفه مقدس معلمی در مکتب شبانه که در آنجا کارگران تعلیم می‌آموختند آغازنمود تعدادزیاد شاگردان اوبه اثر فعالیت وی شامل کورس های‌آموزش مارکسیستی بود وکروپسکایا به ایشان اثر بزرگ مارکس ((سرمایه)) را آموزش میداد.

اولین ملاقات وی در سال ۱۸۹٤ هنگـام کار دریکی ازحوزه های کارگری بالنین صـورت گرفت .

کـلاراژیتکین درمورد کروپسکایاچنین می نویسد : «عمیق ترین توافق نظر به زندگی کروپسکایا را بالنین وابسته‌می‌ساخت اوبازوی راست لینن کبیر بود اولین و خوبترین سکرتر ومطمئن ترین رفیق هم رزمش بود »

در سال ۱۸۹۵ و۰ای لینن حوزه هـــای مارکسیستی پتر بورك‌رامتحد ساخته وسازمان سیاسی واحد بوجود آورد که « مبارزه برای نجات کارگران» نام داشت از جمله هیـات رهبری این سازمان یکی هم ن،ك کروپسکایا بود در ۱۳ فبروری سال ۱۸۹۷ لینن مدت‌سه سال رابه سایبریا تبعید گردید و در ماه می همـا ن سـا ل بـه قـریـه دور افتـاده سایبریابنام شوشینسکایا وارد شد یکسا ل بعد کروپسکایا را نیز به آن جا تبعیدنمودند و در همان قریه لنین و کـروپسکایا ازدواج نمودند کروپسکایا همسر لینن شد و تاآخر دوست، همکار و یاور صدٰیق لینن باقی‌ماند.

کروپسکایا سکر تر روز نامه های اسکره فپیریود وپرولتاریات بود وبا تحریر صد ها مقاله پلان های وسیع لینن رادر مورد اعمـار جامعه سوسیالیستی تبلیغ نمود .

بعد از پیروزی انقلاب اکتوبر کروپسکایا عضو کمیته مرکزی حزب کمونست ووکیـل شورای عالی گردید . کروپسکا یـا در راه صنفی ساختن جامعه شوروی وکلیکتیو شدن زراعت فعالیت چشمگیر نمود کروپسکایا زن دانشمند وبا استعداد و یکی از اولیـن ز ن



نادژدا کنستانتینونا کروپسکایا

اکادمیسین شوروی بود در سال ۱۹۳۱ عضو افتخاری اکادمی علوم انتخاب گردید.

کروپسکا یا بیشتراز‌صد اثر درموردنظریات مارکسیستی تاریخ حزب کمو نست اتـحاد شوروی اعمار جامعه سوسیا لسـتی آموزش مردم و تربیت کمو نستی زحمت کشان نوشته است .

عزم آهنینی ، زحمت‌کش اوانسان رامتعجب می سازد .

اینك مقالی راکه خودش تحریر نموده‌تقدیم می نماییم :

«اکنون حساب نمودیم : ۳۸ جـلـسـه ۲۰ کنفرانس ۱٤ مقاله و ۱٦۰ مکتوب را جواب‌داده ام یك سلسله یاد داشت هارا در ج نموده‌و ملاقات با نمایندگان مختلف انجام داده ام»

کروپسکایا یك انسان خارق العاده بود: شجاع قهرمان ، خیـر خـواه ، انسان دوسـت و مخالف با هرنوع تظاهر، صمیمی ودرمناسبات خودبی آلایش بود .

کـلاراز تکیـن مـی نـویسد : اگـــر اتفاقا دراتاقی که کروپسکایا با خانم هـای دیگر می بودند و اطفال بدانجا راه می یافتند بدون شك تما م اطفال پروانه وار بدور وی می چرخیدند و سر به آغوش پر لطف اومی گذاشتند کروپسکایا در بین مردم ازمحبوبیت خاصی رابر خوردار بود و خودش به اطفال وبزرگان توجه و احترام خاصی داشت . در مراعات نظم و دسپلین و پرنسیب ها شکست ناپذیرو جدی بود در بر خورد با لحظات‌بحرانی ومشکلات زندگی چون سخره ستیگی محکم و استواربود در سال ۱۹۲٤ رو زها ی غم‌انگیز جنوری که قلب رهبر کبیر پرولتاریای جهان متوقف گردید کروپسکایا با تمام غم‌هاواندوه هامردانه و با عظمت بر خورد نمود. در دومین کنگره کارگران و دهقانان اتحاد شوروی‌او خطاب به پرولتاریای جهان گفت : «برای به دست آوردن آرمان های انقلاب اکتوبر تحت پرچم لنینیستی متحد گردیده وبسیج شوید.

سال هابعد فیلیکس کوون می نویسد :

«وقتیکه‌من‌دربالای‌تریبون‌کنگره دوم شوراها ن،ك کروپسکایا رادیدم ودعوت وی را بابلند داشتن پرچم لیننستی‌شنیدم‌برایم هویدا گردید که‌این زن در حزب کمو نستی شوروی چه خدماتی بزرگی را انجام داده است وفهمیدم که‌چه اراده شکست ناپذیر ی برای انجام‌این وظیفه لازم است .

من در حزب کمو نست شوروی ٤۰ سال مبارزه نموده‌ام ولی آن چه راکه درلحظهٔ بیانیه انسانی وپر محتوای کروپسکایا در دومیـــن کنگره درك واحساس کردم در هیـچ لحظـه زندگی و مبارزه ام احساس ودرك نکرده بودم»

شهپرهای زنجیر شکن

کار من شولیر قهرمان جنبش مقاو مـت پاراگوای وشاعره معروف به زندگی وی می توان باارائه یك کلمه «مبارزه» روشنی انداخت این است مفهوم زندگی یك زن شجاع .

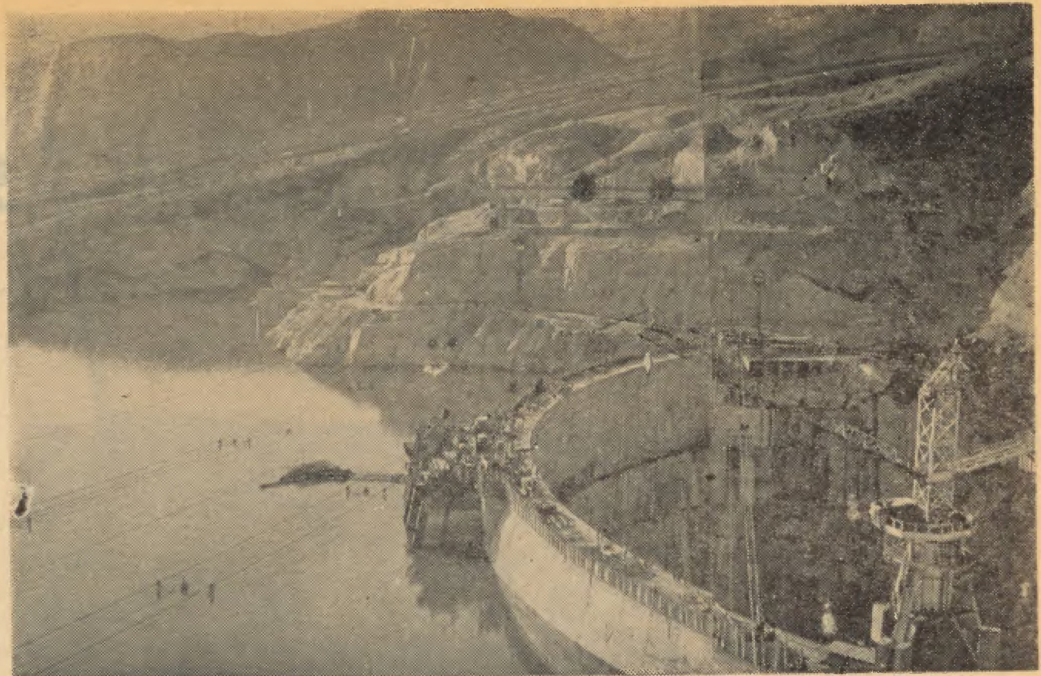
نگرش به زندگی کارمن شولیر ، بازگویی قصار کلماتی از وی به آغاز می گیریم :

قدرت قلب عشق، نفرت وهمه احساسات درونی کارمن در مبا رزه است تمام مفهوم و هدف زندگی کار من شولیر در مبارزه او است اومیداند برای چه مبارزه می کند .

کارمن شولیر دریك فامیل ثروتمند تولد یافته است پدر او وکیل مشهور ودیپلومات بلند رتبه دولتی بود ولی چون انسان دارای مفکوره مترقی بود فرزندانٔ خود را باروحیه دموکراسی ووطن پرستی تربیه نمود .

برادر کـارمن میکیل انخین شولیر منشی عمومی‌کمیته‌مرکزی‌حزب‌کمونیست پاراگوای بود آخرین بار در سال ۱۹۷۵ محبوس گردید به اساس شهادت مشهو دین اورا سختریـــن شکنجه ها میدادند واز آن آوان تاحال ازمیگیل هیچ خبری نیست .

بقیه در صفحه ٤۵



نمائی یک‌بند برق آبی درداغستان

جمهوری سی زبان وهزار کوه

سیاحان شگفت ز د ه با ر ها یادکرده اند که مردم هر نشیب کوهی در داغستان به زبانی‌جداگانه گپ می زنند .

کاوش های‌با ستان شنا سی نشان می دهد که این سر ز مین هزاران سال پیش مردم نشین‌شده است . کوه های بلند سا کنان این سر زمین را از تاخت وتاز دشمنان گوناگون نگه داشته است . ا ین کوه ها ، از جا نبی ار تباط میان قبیله های مختلف با فر هنگ های گوناگون و زبان های متعدد را مانع شده است . این است که‌داغستان بایك ملیون و ششصد هزار نفوس، چندین زبان دارد .

در این سر زمین نسبتا کو چك ۵۰۳۰۰ کیلو متری د هها ملیت زندگی می کنند در کو هستان غربی اوارها ، اندی ها ، اکواك ها ، بوتلیك ها ، قراتا ی ها و دیبای‌ها ساکن اند . در کو هستان شر قی دهکده های لك‌ها و دارغین ها ، ودر بستر سمور گروپ های ملل رزگین ، اگول ، رو تول ، ساخور وتبسا ران ز ندگی می کنند .

در جنوب رود خانهٔ تریك‌کومیك ها و در شمال‌ناگی‌ها سا کنند . مسافران درکهن‌ترین شهرداغستان، دربند ، باتات ها ، یهو دیان کوهی، آذر بایجانی ها وروس ها بر می ـ خورند . جمهو ری خود مختار داغستان هنگام تشکیل در جنوری ۱۹۲۱ نام با ستانی بخش‌کوهستانی را بر گزید .

برفراز ابرها :

«داغستان» یعنی « کوهستان » حتی پس از پیوستن دا منه های ناگی و دشت های کیزلر ، ۵۰ در صد این سر زمین کو هستان‌است. در کو هها در هر کیلو متر مربع۴۰ نفر بو دو باش دارند. گا هی‌ابرها درمیان طبقات منازل قرار میگیرند. اکنون این خانه های کو هستانی‌همه وسایل را حتی را دارند وکوره راه های قدیمی و پل های معلق فقط به حیث نمو نه یی از زندگی قدیم مانده است . اکنون در داغستا ن مصنو عات ماشین هاوابزاری ساخته می‌شود که در سراسر جهان مو رد استعمار واستفاده قرار می گیرند. در طول ۶۰ سال حکومت شو را ها صنایع ما شینی این سر زمین‌دوصد برابر شده است . صنعت‌قالین‌نیز در داغستان قابل تو صیف ا ست. صنایع د ستی دهکده های داغستان شهرت فوق‌العاده دارند.

منابع انرژی :

به صورت کلی ۱۸۰۰ رو د خانهٔ بزرگ و کو چك از دا غستان می‌ـ گذرد. انر ژی آ بی آن از انر ژی آبی ناروی ، سویدن ، یا فنلند بیشتر ا ست . دا غستان سا لا نه بیلیون ها کیلوات برق تو لید می ـ کند .

کوه ز بانها :

وقتی یك گروه ر قص دا غستانی از سفری باز گشتند این قصه ر ا گفتند : پس از اجرای یك کنسر ت با نمایندهٔ یك روز نا مهٔ معتبرغربی مواجه شدیم . خبر نگار از یك نوازنده پر سید :

می گویید از داغستان هستید. این داغستان چه جایی است ؟

ـ داغستان سر زمینی ا ست از کوه ها و زبانها .

خبر نگار از جواب هنر پیشه مشوش شده پر سید :

ـ داغستان‌در کجا مو قعیت‌دارد؟ ازمسکوخیلی دور است؟

ـ کاملا در قفقاز!

ـ حالا می توانم بفهمم چرا د ر عوض زبان خود به زبان روسی‌گپ می‌زنید.

خبر نگار تیوری و سیع غرب، یعنی به اصطلاح‌رو سی سا ختن ملیت های کوچك را در ذهن‌داشت ولی هنر پیشه گفت :

ـ بنو یسید که از هر سه نفر داغستانی یك نفر به چندین زبان به‌شمول روسی که زبان دوم بومی خود می داند گپ‌می زنند . نزد ما روسی ز بان مفا همهٔ جهانی است. شاعر داغستانی رسول غمزا تو ف باری گفته بود: مانخوا ستیم ونمی‌ـ خواهیم یك‌ماه از همه ستا ر گان بسازیم .

هرگروه نژادی داغسه تانی‌هرچند از ۲۰ـ۳۰ هزار نفر کمتر باشند رادیوی خود ، اخبار خود و آ ثار ادبی مخصوص به خود را دارد .



چوپان دا غستانی ورمه اش

سطح دانش در این سرز مین کوهستانی از حالت بیسوادی به سطح تاسیس ا کا دیمی علو م ارتقاء یافت .

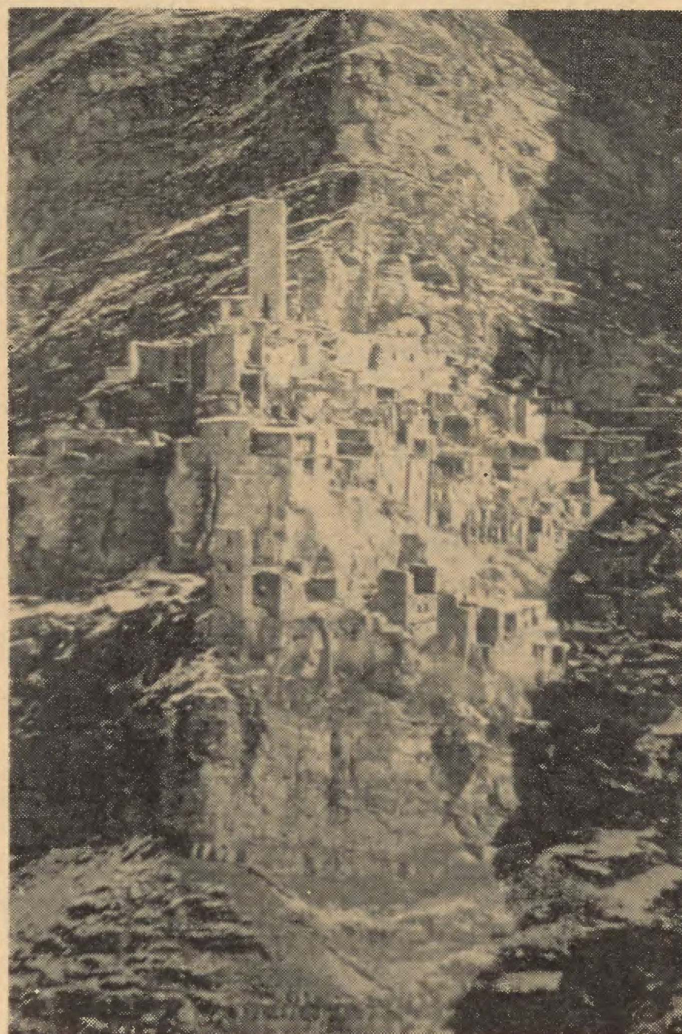
امروز در جمهوری دا غستا ن ۱۷۰۰ مکتب عمومی ۲۹ مکتب ثانوی تخصصی و پنج مو سسه عا لی آموزشی وجود دارد . دا غستان از نگاه شمار شاگردان از کشو ر های پیشرفته کا پیتالیستی پیشتر رفته است . نمایندگان ملیت های بومی تقریبا ۷۰ در صد تعداد داخلهٔ شاگردان کالج ها و مکاتب ثا نوی تخصصی را تشکیل می دهند.

در سال ۱۹۲۰ داغستان یك تیاتر روسی و یك استد دیوی درا مهٔ غیر روسی را به زبان محلی افتتاح کرد . حالا در این تیاترها هنرمندان داغستانی نمایش ا جرا می کنند .

در سال ۱۹۲۲ لنین ا براز امیدواری کرد که پیو ند های نز د یك این ملیت ها چنان نمو نه یی از یك دنیای کثیرالملل بیافرینند که در تحت حکمروایی بورژ وازی ها غیر قابل پیش بینی باشد . ا کنون امید لنین عملی شده است .



نمو نه یی از صنایع د ستی داغستان



گوشه یی ازیك دهکده قدیمی و کوهستانی درداغستان

بقیه صفحه ۳٤

فرخنده باد...

طبقهٔ کارگر و تما م زحمتکشا ن کشور)) ا نتقال نمود ، زنا ن افغان نیز ما نند مر دا ن بلا کشید ۀمیهن ما به سرنوشت خویش مقدر گردیده بر بسا ازحقوق وآزادی های د موکرا تیك وا نسا نی خود نا یل آمد ند . و لی حفیظ ا لله امین خو ن آشا م این اجنت معلو م الحا ل سی ، آی ، ای هما نطوریکه باوطن و انقلاب ما کینه دیرینه دا شت و به هنگا م غصب قدر ت حزبی و دو لتی در کشوراستقلا ل ملی ، حا کمیت ملی و تما میت ارضی کشور ما را در معر ض معامله بیگا نگا ن قرار داده بود باکشتار بیر حما نه هزار ها زن پیشتا ز و انقلا بی میهن ما در زندا ن ها وشکنجه گاه ها د شمنی د یر ینه خود را با نهضت جوا ن بیدا ر ی زنا ن کشور بر ملا سا خت وبدین ترتیب مورد نفر ین همهٔ ز نا ن پیشاز و دو را نسا ز کشور ما وا قع گردید .

با بمیا ن آمد ن تحو ل شش جدی و سقو ط ا بد ی امین جنایتکار و دار و دسته آد مکش وی ز نا ن پیکار جو و انقلا بی افغانستا ن در پهلو ی برا درا ن زحمتکش خویش بر آزادی های مسلم و دموکراتیك خو د دو باره نا یل آمدند

وامروز هر زن افغان با فرا غ خا طر و اطمینا ن کا مل در یك فضای آزاد وصلح آمیز همد و ش مر دا ن مبارز و انقلا بی کشور درامر بز رگ د فا ع از میهن وانقلا ب وایجاد جا معه عاد لا نهٔ نو ین قازع از ستم ا نسا ن تو سط انسا ن سهم فعا ل می گیر ند ونقش ارزند ه و مهمی را در ا مر د فا ع از انقلاب شکو همند ثو ر و د ست آورد ها ی انقلا بی آن ا یفا می نما یند .

ببر ك کارمل منشی عمو می کمیته مر کزی حزب د مو کرا تیك خلق افغا نستا ن ، رئیس شورای انقلا بی و صد را عظم جمهو ر ی د مو کرا تیك افغا نستا ن درکنفرانس سر تا سر ی ز نا ن جمهوری دمو کرا تیك افغا نستا ن که درماه قوس سال جاری درکابل گشا یش یا فت در این مورد چنین بیا ن داشتند :

((حزب به نقش شما ز نا ن نجیب افغا ن در دفاع از د ست آورد ها ی انقلا بی مرد م ما ا رج وارزش بزرگ قایل ا ست ، امروز پد را ن برا درا ن فر زندا ن و شو هرا ن شما از آرما ن های مقد س خود دفا ع می کنند وحماسه می آفر یننند اما در پشت سر این قهرما نا ن و حما سه آفرینان زنان و ما درا ن قهر ما ن این حا ملین ا ند یشه ها و ار مان های انسا نی و نجیبا نه قرار دارند .))

به یقین ا مروز مر دا ن وزنا ن دو را نساز ما در فروغ آ ر ما ن های والای انقلاب آزادی بخش ثور و بخصوص مر حله نوین و تکاملی آن برهمه تاریکی ها ونا بسا ما نی های ا جتما عی ، سیا سی واقتصادی چیره گی حا صل می نما یندو باهمت والای خو یش د شمنا ن آتش بجان دین وآئین ومأمن مقدس خود را یکی بعد دیگر محو ونابود می سازند وسر انجام جامعه یی را ایجاد می نمایند که درآن ظلم ، بیعدالتی ،حق تلفی وسایری تفاوت هاو نابر ا بر ی های نژادی، قومی ولسانی جنسی و منطقوی راه نداشته باشد وهمه زحمتکشان افغانستان نوین در فضای کاملا آزاد آباد و صلح آمیز بزندگی آرام وشرافتمندانه خود ادامه دهند .

دکتور روان فرهادی

ضرورت نشر آثار نوائی

(٨٤٤-٩٠٦ه . ق)

ولزوم‌نشر آثار دربارهٔ او

اینك ٥٤٠ سال شمسی پس از تولد نظام الدین امیر علی شیرنوائی (١٤٤١ تا ١٥٠١)م درمی‌یابیم که‌وی نه تنها هنر مند هنر پرور، شاعر ادب شناس‌وادب دوست، وزیر دانا وکار گزار، پار سای پاك دین، پاکدل ومدد گار آدمیان، صو فی نقشبندی دلدادهٔ کردگار بود(واین همه رادر باره او قدیمیان در یافته بودند)، بلکه ملتفت می شویم که او نیز(بحساب جستجوی علمی‌امروزی) وعده گاه‌تاریخی، جغرافیائی، بشری آسیای مرکزی ، با خراسان بود: شخص حلقه وصل واتحاد جاودان مردمان نیکودل وتازه خون‌شهسوار دشتهای آسیای مرکزی وآسیای‌علیا باد هقانان روستا وشهر نشینان جهان کهنسال خراسان امیر علی شیرملتقای چمن زار باکشت‌زاربود واین معنی پهناور دارد.

از هر جانب اندازه کنیم،باهر مقیاس اندازه کنیم، از هر بعد بنگریم چاپ‌آثار وترجمه آثار امیر- نظام الدین علیشیر نوائی را از ضروریات عمده عصرخود تشخیص خواهیم داد. پس باید با او بیشتر وبهتر آشنا شد : با او وبا آثاراو، با او وبا احوال او .

آن بزر گوار چهار دسته آثار دارد: نثر ترکی، نظم‌ترکی، نثر دری ، نظم‌دری. همه آثاراو راکه در جهان امروز بدست داریم باید چاپ کنیم، آنچه رابه ترکی نوشته نه تنها بچاپ رسانیم بلکه باید ترجمه کنیم .

در باره احوال‌او دیگران در زمان او وپس ازو، آثاری نوشته اند که آنرا باید نشر کنیم، در قرن حاضر تحقیقات مزید به طرز امروزی در باره او شده است که بایدترجمه مجمل آنرا نیز تهیه وبچاپ‌رسانیم.

ازجانب دیگر، چون خوا ند ن کلیات هر نویسنده بزرگ کار متخصصان است، باید برگزیده همه آثار او را با ترجمه چاپ کنیم(چنا- نکه برگزیده آثار امیرخسرو بلخی دهلوی رادرسه‌جلدکو چك‌چاپ‌کرده ایم) باینصورت عده کافی خوانند- گان به آثار آن بزرگوار دسترسی خواهند داشت .

چاپ های تاشکند ولیننگرادپایه سودمند چاپ کلیات خواهد بوداما رجوع به عکس نسخه ها ی خطی معتبر کتا بخانه های استا نبول ، تاشکند، پاریس وغیره ضرور ی می افتد .

درین مقاله مجمل، بر نامه کار های اجرا شدنی را پیشنهاد می- کنیم خوانندگان باید بـرای آشنائی با فهرست آثار امیر نظام- الدین علیشیر نوایی به‌مقاله دکتور محمد یعقوب واحدی جوز جا نی مراجعه فرمایند .

استنساخ متن کلیات .

استخراج متن‌همه کتب‌و رسایل نوایی به ترکی ودری که میسر باشد بااستفاده از:

١- نسخه های خطی میسر در کشور .

٢- نسخه های خطی عمده میسر درکتابخانه های عمده جهان.

٣-نسخه های‌چاپی سابق موجود به خط عربی .

٤- نسخه های چاپی موجودبخط کریلی .(مشهور به خط روسی کـه در آسیای مرکزی شوروی متد اول است) .

مندرجات‌هرکدام از اجزاء کلیات:

مقدمه الف: پیشگفتار بر چاپ با معرفی نسخه های خطی عمده که مرجع متن مرتبه برای چا پ قرار گرفته است .

ب: مختصر احوال امیر علی شیرنوائی .

ج: مقام همان کتاب یار ساله‌در مجموع آثار امیر علی شیرنوائی .

متن کتاب یار ساله :

حواشی بصورت پاورقی شامل توضیح مختصر لغوی یا ادبی یـا تاریخی .

فهرست های الفبا ئی‌اعـلا م (اشخاص، اماکن،کتب قدیم وغیره.)

فهرست الفبائی مطالب

فهرست الفبائی لغات‌دشوار و قابل توجه ومعنی آن

فهر ست مند ر جات

تصاویربشمول مینا تور ها

مندر جات اجزاء کلیات کـه بـه نثرترکی‌است.

علاوه بر مند رجات فوق الذ کر (یعنی بیان مندرجات هر کدام از اجزاء کلیات):

١- ترجمه کامل متن بزبان پشتو یادری (صفحه مقابل صفحه یاستون مقابل ستون) .

٢- فهرست الفبائی لغات قابل توجه از نظر زبان شنا سی یـا ترجمه .

مندر جات اجزاء کلیات که به‌نظم ترکی است :

عـلاوه بر مند رجات قبل الذکر (یعنی بیان مندر جات هر کدام از اجزاء کلیات):

١- ترجمه تحت الفظ به‌نثر دری که امکان ترجمه منظور دری رابرای علاقمندان دراینده میسر کند .

٢- مقارنه ومقایسه به اشعاردری عهد امیر علی شیر نوائی علیـه- الر حمه .

مندر جات اجزاء کلیات که به‌نظم یانثر دری.

علاوه بر مندر جات قبل الذ کر یعنی بیان مند رجات هر کـدام از اجزاء کلیات):

١- مجمل کتاب یار ساله بزبان ازبکی

٢- مقایسه اثر به‌آن آثار ترکی مولف که‌در موضوع ارتباط با این کتاب یارساله داشته باشد .

منتخبات آثار نوائی (با ترجمه‌و مینا تور ها) .

١- برگزیده نظم ترکی.

٢-برگزیده نظم دری.

٣-برگزیده نثر ترکی

٤- برگزیده نثر دری

٥- منتخبات نظم ونثر بـرای کود کان (باتصاویر)

نشر کتب ورسایل شرح احوال وآثار وافکار امیر علی شیرنوائی:

١- نشر متن کامل همه آثار دری وترکی که در عصر نوائی وقر ن‌های بعد از ودرین زمینه تالیف شده و متن خطی یا چاپی آن میسر شده باشد .

٢-مجمل اصل یاتر جمه مجمل کتب عمده که در عصر حاضر درین زمینه به ترکی یا دری تالیف شده است (بشمول زندگی نامه که عالم شرف الدینوف نگاشته است) .

٣- ترجمه‌مجمل آثارمحققان دیگر درباره امیر علی شیر نوائی(بشمول زندگی نامه ئی که بر تلس‌فقیـد نوشته است) وکتب تحقیقی درباره مثنوی های نوائی.

٤-روابط مولاناجامی‌ونوائی دریك رساله خاصی .

نشرات علمی ما بعد :

١- الف: نشر دیوان اشعار شعرای ترکی زبان که معاصرنوائی بوده اند بطور خاص آنان‌که درساحه جغرافیائی افغا نستان زیسته انـد (مانند لطفی هروی، تائی بلخی).

ب: ضمنا تاریخ ادبیات تر کی شرقی بخشی دوره تیموری بایـد تالیف ونشر شود .

٢- نشر آثار منثور ترکی زبان معاصر نوائی که نویسند گان ترکی زبان معاصر نوائی نگاشته اند، با ترجمه .

برنامه چاپ کتب ورسایل‌معاونه:

-قا موس جیبی او ز بیکی بـه پشتو ودری

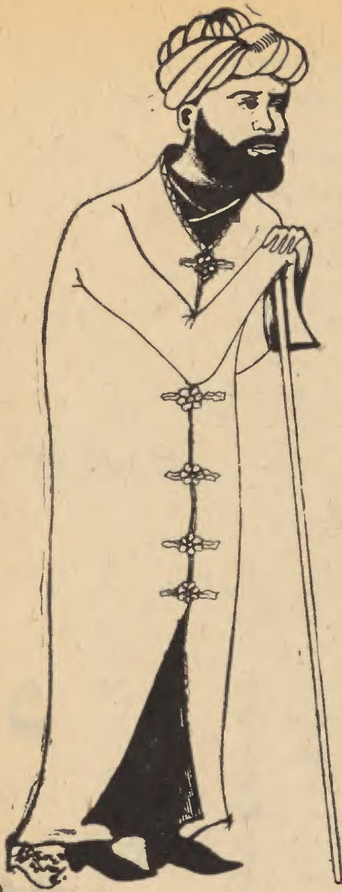
-قاموس جیبی ترکی به پښتو و دری.

-قاموس جیبی پښتو به‌اوزبیکی‌و ترکمنی.

-قاموس جیبی دری به اوزبیکی

- دستور زبان اوزبیکی (بطور مجمل‌باشرح پشتو ودری)

بقیه درصفحه٥٣



مخمس نوابی بر غزل نوائی

ازشکوه آریانا نام بلخ آمد پدید | عالم عرفان از اسلام بلخ آمد پدید
خوبی ایام از ایام بلخ آمد پدید | بزم می در کام دردآشام بلخ آمد پدید
این همه آغاز از انجام بلخ آمد پدید

آن نگاری این دل غمگین فگار خون نکرد | گرد سر دورم نداد و جان نثار خود نکرد
ذره سان آن شمس تابان بیقرار خود نکرد | هیچکس عنقای مغرب را شکار خود نکرد
شاد باش ایدل کاندر دام بلخ آمد پدید

مدتی شد در دلم افتاده سودای نجف | ای خوش آن فرصت که نوشم می ز مینای نجف
عاشقم بر مشهد جان بخش والای نجف | گوهری غائب شد اندر قعر دریای نجف
وین زمان از قبة الاسلام بلخ آمد پدید

از گریبان افق نجم جلی پیدا شود | از میان اتقیا باری ولی پیدا شود
اندرین ظلمت سرا نور علی پیدا شود | شامیان را بعد ازین قدر علی پیدا شود
کاین فروزان شمع اندر شام بلخ آمد پدید

چشمه سار بلخ می باشد شفابخش و معین | شستشو کن قلب خود ای جان تو با عین الیقین
رهنمایت می شود ای راستکار و پاکدین | ثانی خلد برین یعنی مزار شاه دین
در مقام لازم الاکرام بلخ آمد پدید

آبرو از جویبار بوکه می جستند خلق | از سریر بارگاهش تحفه می جستند خلق
لاله و نسرین و گل از شوره می جستند خلق | عین آب زندگی از کوفه می جستند خلق
ای سکندر بین که اندر جام بلخ آمد پدید

از نوائی ای نوابی یار عالیجاه جوی | اندرین ره ای سخنور یار خاطرخواه جوی
در صراط المستقیم زندگی همراه جوی | رونمائی بزم عرفان از مزار شاه جوی
سکه شاهنشهی بنام بلخ آمد پدید

شعر از غ ح نوابی تیموریان
خط از امیر فقیر

(۱) چشمهٔ شفا مقصد همان چشمهٔ شفا معروف است که در نواحی ولسوالی شولگره (بوینه قره) ولایت بلخ واقع است.
(۲) بوکه که املا ابکا، یعنی گریه است درین مقام سلطان العلما با مردم بلخ وداع کرده است و اهالی بلخ گریه کرده اند.
(۳) بارگاه نام تعمیر است در ولسوالی چمتال بلخ که مقام و منزل سلطان ابراهیم ادهم بود (۴۱۰) امیر علیشیر نوائی بزبان دری که شعر میگفت فانی تخلص میکرد.

د مینې مرغلره

دانګلیسي لیکوال ولتر ا ثر

دحافظ ژباړه

دغه افسانه په شمالي هند کې پیښه شوې . هو په هغه سیمه کې چې له بل هر ځای. نه ئې په زمکه کې دمینې نیالګي ډېره ښه وده کوي. د هندوستان په قطبي برخه کې یوه داسې سیمه پرته ده چې تورو او ګورو ځنګلونښکلو منظرو او دسیند ونو پاکو اوبو او بوټو ئې دجنت زړه هم سخیږي .

ښکلي او زړه وړونکي درې ئې دکال په هر موسم کې دګلونو په وچتوا غوټیو باندې پټې دي په افق کې ئې تور لوړ لوړ غرونه چې ډارونکي ښې لري هسک دریدلي. ځوکې ئې په سپینو واوورو پټې او سرونه ئې اسمان ته رسیدلي دي. دتن نه ډېر کلونه وړاندې په دغه ملک کې یو ښکلي ځوان شاهزاده چې دډېرښه احساس خاوندو حکومت کاؤ دغه شاهزاده په ټولو خلکو ګران ؤ او هر چا په ورته داحترام په سترګه کتل. یوه ورځ ددغه ځوان شاهزاده زړه دیوې داسې پیغلې دمینې ددام په لومه کې ښکیل شو چې دحسن اوښکلا اوازه ئې په ټول هیواد کې خپره شوې وه او هیچرې ساری نه لیدل کید.

هغه خپل مین زړه دهغې په ښنو کې واچاؤ اوهغه ښکلې پیغله چې له دپسرلي نوې غوټې په نوې ځواني راغلې وه خپله میرمنه کړه دوی دواړو یود بل سره ډېره مینه درلوده یوبه دبل په لیدلو خوشحاله او دیوې ډېرې ښې او رو ښانه راتلونکې په هیله ئې دژوند شپې او ورځې په ډېر ښه رنګ سره تیرولې. او دا فکر ورسره ؤ چې ددوی راتلونکی ژونددی لکه دجنت غوندې وی.ددوی دواړو په زړه ونو کې دو مره پاکه مینه پټه پروته چې دشاعرانه تخیل په چو کاټ کې هم نه ځائیږي مینانو ددې سوزونکې مینې ځخه لایو نیم کال نه ؤ تیرشوی چې ناڅاپه سر نوشت دژوند دګاډي ارابه بلې خواته ورڅوله. او هغه ښکلې نجلۍ چې د خپلو خومینو سره یو نږدې ځنګل ته دسیل دپاره تللې وه دیو سا رائي ګل دبوټو لوله کبله مسمومه شوه او چې کله ئې مانې ته راوړه نو په ډېره کړاوي سره ئې ساه ورکړه .

شاهزاده چې کله دخپلې معشو قې په نا ببره مرګ دخپل ژوند ماني نړیدلي ولیده نو په ژوند کې ډېر بې هیلې شو .

دخپلې مینې له مړینې نه وروسته تل په یوه ګوښه کې غلی او چـپ ناست ؤ اودغم پیټې به ئې په زړه پروت ؤ. دهیچا سره ئې خبرې نه کولې. یوې ورځې نه به ئې بلې ته غوښتې اوبه کیدې تر دې چې د مخ هډوکې ئې په کې راووتل او لاسې تیریدخلک په ویره کې شوه چې هسې نه کومه ورځ ځان مړنه کړي. خو دا چې شاهزاده نه ورور نه مورنه خور نه او لاد اونه نور ځوک داسې لنډ خپلوان درلودل چې غمونه ئې ورسره سپك کړي اودزړه په زخم ئې ورته ددرد ته داړو اوتسل پټې کیردی.شپې او ورځې به ئې دخپلې معشوقې دبې ساه کالبوت له ځنګه تیرولې تکیه به ئې ورته وهلې وه او دیو ژورغم په سمندر کې بهلاهوشوی ؤ .

خو یوه ورځ ناڅا په دخپلې مړې معشوقې له څنګه پاڅیداو خپلې ماني ته لاړ داسې بریښیده لکه چې په وضع کې ئې یو ځرګند بدلون راغلی وي. په تندې کې ئې دیو هوډنښې ښکاریدلې. سمدلاسه ئې امر وکړچې دځنګل دخو شبو یه ونودلرګیوځخه دې دده دمینې دپاره یو صندوق جوړ کړې شي. او بیا دې دهغې مړي - دبدورو او سپینو زرو ځخه په جوړ شوې یونس کې ونغاړي او په دغه صندوق کې دې کیښودل شي.دصندوقمخ دې په بې مثاله مرمري ډېرو چې ډېرې ګراني او نادرې وې و پوښي. چې ددغه کار دسر ته رسولو دپاره ئې ډېر مشهور سنګ تراشان له هرې خوانه راو بلل. دا امرئې هم وکړ چې ډېر قیمتي جواهردې په کې ولګوي . خوچې دصندوق مخ ډېر ښکلې شي. به توله هغه موده کې چې سنګ تراشان او هنرمندان ددغه لوی شاهکار په جوړ ولو بوخت ؤ نو شاهزاده به هره ورځ دمانې دانګړ په منځ کې ددنګو رنګو ونو دګورو ښاخو نو په لړ او بر کې دخپلې ځواني مینې په فکر کې ډوب تللی ؤ. کله به دخپلې مینې کوټې ورته او بیا په هغو ځایونو کې چې یو له بله سره به ئې دمینې راز ونیاز کاؤ او خوږې شیبې به ئې تیرولې کیناسته او په خپلو تیرو شوونیك مرغیو پسې به بې دارمان لاسو نه مړوړل داسې به ښکاریده چې دژوند په ټولو شیبوکې ورسره هغه ښکلې تر ځنګه ناسته ده او دخپلې پخوانې مینې راز او نیاز ورسره کوي. په ډیر غم کې هم دهغه له سترګو ځخه داونښکې یو ځا ځکې نه توېده ځکه چې ژړا اواونښکوتویو لودانه شو کولی چې دهغه دخوږو تسکین دې پرې وشي .

هغه هیڅکله نه اغوښتل چې خپله سوزونکې مینه دې دنورو خلکو غوندې هسې په بې ګټو چاروسره له یاده وباسي .

خویوه ورځ چې دهیواد ګن خلك دهغه دلیدلو دپاره راغلې ؤ. نو په دغه وخت کې خلکوته دخپل تصمیم ځخه داسې خبر ورکړ او وویل:

شاهزاده ـ زما دپاره نور هیڅ نه دي پاتې شوي. وروسته له دېنه داهم نشم کولی چې دبلې مینې زولنې په پښوکې واچوم او یا خپل لاسې دبلې ښځې په لاس کې کیږد م یوازینۍ هیله چې لرم هغه داده چې یویوه او په کار کې هوښیار ځوان پیدا کړم دخپل نظر لاندې ئې وروزم او یوه ورځ وروسته له ځانه دهیواد هر څه او ټولې چارې هغه ورپریږدم.

نو تا سو نه وایم چې سر له نن ورځې ځخه زما هوډ دادی چې خپل ټول وسس دخپلې معشوقې په یاد دیوې داسې مانې په ودانولو کې په کار واچوم چې په ټوله نړۍ کې ساری او مثال ونه لري . دامانې باید دو مره ستره او ښکلې وي چې وکړای شي زمادمینې تابوت ته په خپله پراخه سینه کې ځای ورکړي.غواړم چې په دغه ځای کې دې یوداسې مانۍ دآبادولو کار پیل کړم چې تر اوسه پورې چانه وې جوړه کړې. او نه ئې ځوك وروسته له دې جوړه کـړ ی . داسې مانۍ چې دټولې نړۍ دخلکو په زړه وځو کې ئې دلیدلواو ننداری ولولې راپورته شي. هوداسې یوه مانۍ چې دیوې ډیرې ښته من خزانې په دود دتل دپاره به دغه جنت نشا نه سیمه کې پاتې شي او به لیدلو سره ئې هر ځوك لوی وي او که کوچنی ښځه او

کەنری دهغی ښځی روح دښښی دغاو کړی
چی عشق ئی دومره لوی شاهکار
منځ ته راوښکلی دی. زه په دغه
ماڼی باندی دهغه سوزانه عشق له
کبله چی په گوگل کی ئی لرم دمر-
غلری دماڼی نوم ږدم. خلکو چی دخپل
ځوان شاهزاده سره ډیر مینه لرله
پەډیره خوښەئی دهغه دروند هرکلی
وکړ اووئی مانه. او په هغه ورځ ئی
کار دیوی ښکلی دری په لمن کی
چی دستر گودیدئی دغرونو په
سپینو څوکو لگید ښیل شو. ورځی
میاشتی او کلونه تیر شول ځوان-
شاهزاده خپل ټول وخت دمرغلری
دماڼی دجوړولو او ښکلی کولو په
چارو وتیراوه او یوه شیبه به ئی هم په کی
بی پروائی نه کوله. دهغه ځای په
شاوخوا کی چی ماڼی په کی جوړید
لەکلی زرغونی غونډی پرتی وی او
ښکته خواته ئی یومست سنید چی
دلیونیو غونډی ئی سپین زگونه په
خوله باد یدل په غورزنگو نو روانږ
له ورایه به پەشته خړه کی دنو رو
ښارونو دآبادی ښښی او ښښانی هم
ښکاریدلی. دماڼی دودانیدلو کار په
ډیره بیړه روانږ او دسرو مرمرو-
ستنی لکه دسرو گلو نو په رنگ
پورته کیدلی او دشاهزاده دمعشوقی
پەجواهرو کی نغښتی تابوت دماڼی
دلوی تالار په منځ کی کیښودل شو
دهغو ستنو په منځ کی چی په لوړ
والی کی ئی داسمان سره سیالی
کوله دهنداری غونډی روښان دیوالو
نەجوړ کړی شول او بیا ورباندی
یوه ځوړنده گنبده دمرمرو څخه ووهل
شوەچی کلونه، کلونه د ربا ندی
سنگ ترا شانو او معمارانو دخپل
فن او هنر داد ورکړ. دغه گنبده به
لکه دالماس داسی بریښیدلەوکار
په ښیل کی دماڼی دومره باعظمته او
لویه نەوه اونقشەئی ډیره کو چنی
کښلی وه. په زرو جړ او شوی پردی
به دستنو له څنگه ځوړندی وی او
د ښکلی معشوقی تابوت بەددغی
ماڼی په منځ کی هغه دماشوم غونډی

غلی اوآرام لەسترگو کیدچی دسرو
گلونو پەمنځ کی پەیوه خوازه خوب
ویده وی. دماڼی گنبده ئی هم په اول
سرکی په شنه کاشی باندی پوښلی
وه او په مخ باندی ئی ورته سپین
زرلگولی ؤ خویوه ورځ چی شاهزاده
راغی نو دغه ټول شیان ئی خوښس نه
شول. نو امرئی وکړ چی ماڼی بیرته
له سره جوړه کړی. ده بەویل هغه
عظمت جلال او کمال چی مائی تصور
کاؤ دغه ماڼی ئی زما په نظر کی نه
شی ځلولی . اودمینی داسمانی رویا
سره سمون نەخوری. شاهزادەاوس
هغه پخوانی په زړه نازك اواحسا-
ساتی ځوان نەؤچی یوازی دیونجلی
مینه ئی په خیال باندی لوبی وکړی
اودزړه تاورنه ئی ورته ولړزوی بلکه
دوخت تیریدلو دهغه څخه دیو پوخ
فکر څښتن جوړ کړیؤ. او په ښه کی
ئی دژوند سره دمینی او کلك هوډ
نښی ښکاریدلی. ده به په پورەقوت
دمینی دمرغلری دماڼی دجوړولو په
کار کی ونډه اخیسته. چی دډیرو
کلونو په تیریدلو سرەئی دښکلا
پیژندلو په هنر کی هم لوی لاس
پیدا کړی ؤ. اودهغه نبوغ له کبله
چی درلود هره ورځ بەیی یوه نوی
نقشه چی هیڅ سابقه به ئی نەدرلوده
جوړوله. او دماڼی دچارو په بیلوبیلو
برخو کی به تطبیقد له. دسلگونو
ډولوقیمتی ډبرو پەښکلا پوەشویؤ
او امر یی کړی ؤ چی پەهرەبیه وی
باید چی هغه واخلی. او دمینی دمر-
غلری دماڼی دبشپړولو په چارو کی
ورته کار واخیستل شی. درنگو لو
په چارو کی هم دیو لوړذوق خاوند
اوپوخ اشعار شوی‌وه او ورو ستە
له دی یی دپخوانی شیانو په باب فکر
نه کاؤ دمثال په ډول نور دهغه دپاره
لعابی- سیمایی او طلائی رنگونو
ار زښت نه درلود یوازی فیرزەیی
رنگ چی لکه دپسرلی دشین اسمان
غونډی ځلیدونکی وی ډیر بەئی خوښوه
چی ددی سره یی تیز ار غوا نی
رنگ هم په زړه پوریؤ . هغه دا

غوښتل چی دماڼی لوړی ستنی لکه
دیو نامعلوم سیوری غونډی ددغو
رنگو نو ترمنځ وکسیږد ما نی ټولی
ډیری ښی چاری او دستنو دښکلا
برخی ئی خپله نقشه کولی چی خلکو
او ننداره چیانو به ورته له هغی اولی
ورځی څخه دحیرت په نظر کتل خو
هیڅکله ئی دهغه جلال- عظمت ښکلا
او جمال چی دکار په پای کی ئی ځان
راخرگند کړ تصور قدری هم نەشو
کولی. هر کله به چی ننداره چیانو
ددغی ستری ماڼی دچارو جریان ته
کتل نویو بل ته به ئی په غوږونو کی
ویل. رښتیا چی څومره ستره او
ښکلی ماڼی ده. وگوری چی عشق او
مینه په سړی کی څومره لوئی او نا
شونی چاری تر سره کوی. دهغه
هیواد ټولی ښځی اوممدارنگه دنړی
ښځی به چی دمینی له دغی کیسی
څخه خبریدلی اودشاهزادەوقایه یی
لیدله نو په زړونو کی به ئی ورسره
مینه پیدا کوله. او دیوی داسی
رښتینی مینی هیله به ئی درلوده د
ماڼی په منځ کی دتیریدلو یوه لویه
لاره جوړه شوی وەچی سرو ستنوئی
پەدواړوخواوکی کتار جوړ کړی ؤ.
دکار په پای کی به هره ورځ شاهز-
اده دماڼی په لوی تالار کی کښیناسته
اوله دغی لاری څخه بەئی مخامخ
لوری ته کتل. ښکلوستنو پراخه
تالارونو دزړه وړونکو رنگو نوسره
یوبی مثله تړون درلود. چی بی
اختیاره بەئی دهر لیدونکی په زړه
باندی لړزه راوستله. او ښکته به
لوید. شاهزاده به شپه او ورځ چپ
او په فکر کی ډوب دماڼی په لوی
تالارکی کښیناسته. اودگڼو ځنگلونو
پراخه منظری ته بەئی کتل .له ورایه
بەئی دغرونو سپینی واورینی څوکی
تر نظره کیدلی. او ددغو ښکلاؤ له
خوسره لروی ټولو بیاهم خو شحا له
کید لو څخه بەیی احساسات را
پار یدل خو سره له دی
ټو لو بیا هم خو شحاله
نه ښکارید. دهغه په نظر کی دمینی
مرغلری اوس هم نیمگړی وه او هره
ورځ بەئی ځنی کوچنی بدلونونه په

کی راوستل . یوه ورځ ئی وویل
چی دقبر پەمنځږیر باید ساده وی.
او چی دلری شیبی دپاره هلته پەفکر
کی‌ودرید بیایی وویل. دقبرله سره
او شاوو خوانه دی تول ښکلی شیان
لری شی. ددی خبرونه وروسته دوه
ورځی پرله پسی ماڼی ته راته غی په
دریمه ورځ په داسی حال کی چی
دسیمی یو شمیر خلك څو تنه مهند-
سان. معماران او دښکلا پیژندلی
پوهان ورسره ؤ دمینی مرغلری ماڼی
ته راغی. کله چی خپلو دمینی دمر-
غلری ماڼی وکتله نو ټول دهغی
ښکلا- جلال او جمال ته حیران پاتی
شول .دمینی مرغلری سوزه هیڅ
نمیگړتیانه درلوده. او لکه دښکلا
دالهی غونډی ئی خپل سرد شنواو
ښکلو باغونو ترمنځ اسمان ته پورته
کړیؤ .خو یوازی یو شی موجودؤ
چی هغه دماڼی دښکلا او ښایست
تناسب له منځه وړیؤ او هغه دشا-
هزداه دمعشوقی تابوتؤ. یعنی هغه
تابوت دیوی داسی ستری ماڼی په
نسبت ډیر کوچنی او نا چیزه له
سترگو کید. هو دغه تابوت دما نی
ټوله ښکلا وزخرابه کړی وه او اوس
دیو بی ارزښته صندوق څخه زیات نه
ؤ. چی پەهیڅ ډول ئی دمینی دمرغلری
دعظمت او لو یوالی سره سمون نه
درلود. داتابوت دننداره چیانو له نظره
داسی ښکاری لکه چی دالما سو په
سنید کی یوەبی ارزښته غونډی کڅوړه
پرته وی شاهزاده دیو څەوخت لپاره
دخلکو په وړاندی چپ او په فکر کی
پاتی شو دخلکو څخه یو هم نه پوهید
چی په دغه شیبه کی شاهزاده پەکوم
فکر کی وخودغی بی خبر ی ډیر
وخت ونه نیو. ځکه چی شا هزادەخو
لەپرانیستله پەسوړ غزل وویل :
یوازی یوشی دمینی دمرغلری دماڼی
ښکلا وزخرابوی چی هغه ددغه تابوت
شته والی دی. هلی ډیر ژر هغەزماله
دغه ښکلی ماڼی څخه دبا ندی
وباسی ....

(پای)

حماسه‌ی آرش کمانگیر

م • عاقل بیرنگ کوهدامنی

گهواره ای رنگیـــن کمـــان ، در کنـــاره های بام ای گلین زیباست در شب های‌برفی پیش آتش ها نشستن ودل به رو یاهـای دامنگیر وگرم شعله بستن ، بسیار زیباست شب وآتش ، برف وشعله ،آتشی که‌شب‌رامی سوزدو شعله ای که برف هارا آب می کند، وبه یاد آوردن آیین نیاکان را و دلبستگی های آنان رابه آتش، آتش که انسان راگرم کرده است و مقدس است ویاد آور بسیاری ازچیز ها می تواند بود . به یاد آوردن آتشگاه هاوآتشکده هاو آیین زردشت که داد رابنیاد نهادو بر ضد بیداد ،ظلمت سیاهی وتاریکی به‌ستیزه بر خاست . وآتشی که او افروخت کنام اهریمنان و جا دوان و سیا هکاران‌را سوخت ، دادرا بر روی زمین بر قرار کرد، آتش او نشانه‌ی زندگی است • زندگی خود مانند آتشگاه است.این آتشگاه رادم انسان هاگرم وفروزان می دارد . کار شان، حرکت شان و پویندگی های شان ••زندگی آتشگاه

آفتاب و با د و با ران برسرت افشان
جان تو خدمتگراتش ...
سربلند وسبز باش ای جنگل انسان !،

لبخند پیر مرد که برای کـودکـان داستان از خود گذری های ارش کمانگیر را می گوید وخود عاشق شهامت های ارش ا ست‌وقصه های حماسی گذشتگان و با زمستان‌ودلمردگی وسردی همیشه ستیزه کرده است •

شب های زمستان را با قصه‌هایی از باغ های آتش وقهرمانی‌های‌ارش‌به صبح رسانده است ومژده‌ای روشنی مید هـد و بشـارت سهاران و کنده‌ای دیگر گذاشتن او درکورهٔ آتش که رو به سردی و خا موشی ا ست‌و همچنان خیره شدن او درسیاهی هاکلبه وکتاب زمان را و رق زدن و به گذشته‌ها فرو رفتن وپرداختن و آنگاه زیر لب‌آهسته با خـود گفتگو کردن او، تصویری است شاعرانه ودر اوج‌گویایی تمثیل واراه‌ای ازیك شب تاریك خود کودکان است پیر مرد نتیجه گیری‌نمی‌ـ کند ودر سطح واعظان اندرز گویان‌بی‌عمل سقوط نمی نماید او این نکته را در یافته است که داستان های حماسی قصه‌هاوروایت ها واسطوره های ملی ومیهن خود به خود تاثیر گذارند•))

کودکان سرا پا گوش اند • یکجا به‌ارش‌ـ کمانگیر قهرمان بزرگ ملی، به شور وشوق می آیند دل شان می‌خواهدکه ارش بـاشند ارش های آینده ادامه دهنده راه آن جهان ـ پهلوان . حماسهٔ ارش آنان را بیدار نگـاه میدارد درشب های دراز وسیاه ز مستا نی کارنامهٔ ارش چراغ رده شان است . قو ت روان‌های شان‌کودکان‌باشنیدن‌حکایت بلندارش مهربانی راوخشم رایادمی‌گیرندمهربانی برای آنان که ستم دیده اند و زحمت کشیده اند ودر اسارت نگا هداشته شده و خشم ونفرین برای آنانی که ازرنج دیگران گنج اندوخته

انسان جنگلی است روینده وبالنده دربرابر حوادث سیلاب ها و توفان ها سر خم نمی‌ـ کند ، ازهر شکستنی بارور تر می شود و ریشه های خویش را در زمین‌فروتروعمیق‌تر میکندجنگل‌انسان خاموشی وسکوت راوخشکی وافسردگی راهرگزنمی‌پذیرد. همیشه سربلند سرسبز وسایه افشان است .

جنگل انسان با هرچه باد وتوفان با شد به مبارزه بر می خیزد افسرده برگ ریزان وپژمرده نمی شود . جنگل انسان چشمه هارا درسایه ساران خویش می پرورد آشیان‌هارا می‌آراید و می سازد • جنگل انسان انـبوه است بی پایان است‌بیکرانه وجا و دانه‌است آفتاب وبادوباران خدمت گزاران جنگل‌انسان اند جنگل انسان خودروان آتش را زنده می‌ـ دارد آتش مقدس پیکار را وسیطره راوحرکت وپویش را جان جنگل انسان که این همه‌سبز است شاداب است وسر زنده پاسدار آتش ه

دیرنده پا بر جاست، باید این آتشگاه را پاس داشت تا رقص شعله هایش درکرانه‌ها بگسترد• بدون تلاش مقدس بـــدون نفس آتشین کوره ی زندگی سرد و آتشگاه زندگی خاموش می گردد ، که ایـن گناه است گناه بزرگ ونا بخشودنی و سر پیچی از آیین نیاکان که‌دل بستگان روشنی ها بودند و پاسداران باغ آتش ، آتش ، رقص شعله‌ها الهام دهنده است و بیدار کننده و بـر- انگیزنده •

پیر مرد آرام و بالبخند
کنده ای در کوره افسرده جـان افگند .
چشمهـایش در سیا هی های کو مـــه
جستجوی مـــی کرد .
زیر لب آهسته باخود گفتگو می‌کرد .
(... زندگی را شعلـه باید بر فـروزنده
شعله هارا هیمه سوزنده .
جنگل هستی توی‌ای انسان !
جنگل ! ای رویده آزاده .
بی دریغ افگنده روی‌کوهها‌دامان
آشیان ها بر سر انگشتان تو جاوید
چشم هادر سایبان های توجو شنده •

وسرد و یخ زدهٔ زمستان که ((عمونوروز)) برای کو دکان خویش که عاشق کار نا مه های گذشتگان اند و پیر مرد آنان رابا‌روح وطن پرستی آشنا می‌کند حماسه های‌قهرمانان ملی را به یاد شان می آورد و به آنان می‌ـ آموزد که چگونه وقتی‌که‌بزرگ می شو ند از هم میهن خویش دفاع نمایند و وطـن راو‌مردم‌را دوست بدارند • پیر مرد برا ی کودکان قصـه هـای زردپری وسبزپری ر ا نمی‌خواند • قصه انسانی ار جمندرا میگوید که برای آسودگی و ر هایی‌دیگران خودرا فدا کرد وقصه هایی ازین گونه برای کودکان آموزنده است و بر انگیزنده کو دکان‌را باید تربیتی چنین داد نه اینکه آ نان رابه‌افسانه هایی درخواب کرد که سرگذشت شاهزادگان ودختر شاه پریان باشد • کودکان بـایـد باسطوره های میهنی بزرگ شوند به‌داستان های پر شور و انقلابی عادت کنند پیر مرد بهترین قصه های ز مان را به کو دکـــان خویش می گوید • پیر مرد اندرز نمی‌گوید حکایت می کند نتیجه گیری وقضاوت‌به‌دست

اند . تن به تولید وکار نمی دهند غاصبان اند ومستکبران پیرمردکه‌گرم وسردروزگار را بسیار دیده است خودنیز عاشق‌کارنامهٔ ارش است ودر لحظات تنهایی نیز حماسه‌ی ارش‌را باخود زمزمه می‌کند وآتش یاد گذشتگان را فروغمند می دارد •

پیرمرد از لحظاتی که کورهٔ زندگی خاموش شود شعلهٔ زندگی به افسردگی گراید بسیار بیمناك است وبیزار اودل بسته یی شوراست وشتاب وشوق ودوست داشتن زندگی وانسان هاکه زندگی را می آرایند و پاسدار آ تش زندگی اند• او در کوره‌ی زندگی‌کـنده‌ای دیگرمی گذارد یعنی سرود شهامت انسان را می خواند •

شعر عصیان اورا وداستان مقـا و مت و ایستادگی اوراونفی‌کردن بیدادراه ارش ازتبار آریایی است وبرضد نهاد های‌پوسیده‌ای بـه مبارزه برخاسته است که تورانیان وافراسیاب هابنیاد نهاه اند . یعنی تهاجم سیطره جویی غارت وتاراج وپیرمرد قصه گـو ارش را و حماسه‌ی اورا سخت دوست دارد •

است نگا هبان مـهربانـی وداد گستری پس ((سر بلند و سبز باش ای جنگل انسان •))
زندگانی شعله مـی خواهد صدا سر ـاد
عمو نوروز
شعله هارا هیمه باید روشنی افروز

کودکانم داستان مازارش بود .
اوبه جان خدمت گزار باغ آتش بود .

قصه‌ی عمو نوروز((که: خود سوگوارترین مرغ است و یگانه عاشق جنگل)) از اینجـا آغازمی‌شود تاحال هرچه دیدیم چشم دیـــد شاعربود که در روزی بارانی و برف آلود ازشهر روانه‌ی کوهستان ها شده است بـه دهکده ها روی آورده است که از شهروندان دل گرفته‌است‌وملول او که صدای های‌درگلو خفته‌ی نسلی را و ملتی را فریاد می کنـــد از جایگاه خویش از شهر بیرون می گـــردد به گشت و گذار می پردازد تاخو د ببینـــد وتجربه کند و لمس نماید که: ((آسمان‌هر کجا آیا همین رنگی است)) که اودر دیاران خویش می بیند یا آسمان در هـ کجایك‌رنگ را ندارد • تااینجا مقدمه‌ای بود از شا عر

برحماسه‌ی ارش کمانگیر ۰ پیر مرد ازیـــن جابه بعد داستان خودرا آغاز می کند . او پیش ازین نیز به کودکان بیدار وبه‌آینده سازان هوشیار قصه هـایـی گفته اسـت ، قصـه هـا یـی کـاوه ها ورستم هـا وسهراب‌ها واسفندیارهارا داستان زر دست و مزدک وبابک ومانی را که کارنامه هــای درخشان وشیوا وگیرنده دارند ۰ و حـالا حماسه‌ی ارش کمانگیر را قصه می‌کنداو که «خدمت گزار باغ آتش بود » وخود در ختی تناور وبالنده از جنگل انبوه انسان‌پیرمرد چنین ادامه می‌دهد ۰

((۰ روزگاری بود ۰
روزگار تلخ تلخ وتاری‌بود
بخت‌ما چون روی بد خواهان ماتیره
دشمنان بر جان ما چیره
شهر سیلی خورده هذیان داشت،
زندگی سرد وسیه چون سنگ
روز بدنامی
روزگار ننگ
غیرت اندر بندهای بندگی پیچان
عشق دربیماری دلمردگی بیجان
فصل ها فصل زمستان شد .
صحنه‌ی گلگشت هاگـم شد نشستن در شبستان شد ۰
درشبستان های خاموش
می‌تراوید از گل اندیشه ها عطر فراموشی
ترس بود و بال های مرگ
کس نمی جنبید چون برشاخه برگ از برگ
سنگر آزادگان خاموش
خیمه گاه دشمنان پرجوش
مرز های ملک
همچون سرحدات دامنگستر انـدیشـه بی سامان
برجهای شهر
همچو بارو های دل بشکسته وویران
دشمنان بگذشته از سر حد وازبارو
هیچ سینه کینه‌ای در برنمی انـدوخـت
هیچ دل مهری نمی ورزید
هیچکس دستی بسوی کس نمی‌آورد ۰
هیچکس در روی دیگرکس نمی خندید .
باغهای آرزو بی برگ
آسمان اشک ها پر بربار
گرم روآزادگان در بند
روپسی نامردمان در کار ۰۰۰
انجمن ها کرد دشمن
رایزن ها گرد هم آورد دشمن
تابه تدبیری که درناپاک دل دارند
هم به دست ماشکست مابراندیشند
نازک اندیشان شان بی شرم
که مبادا شان دگر روز بی در چشم
یافتند آخر فسونی راکه می جستند ...

پیرمرد برای کودکان بیدار قصه می‌کند از روزگاران تلخ وتار می گویداز هنگامی‌که سپاه ا هریمنی افراسیاب به سر زمین‌آریانا تاخت وتاز آورد ۰ فضا را تنگ کردندونفس هارا درسینه ها زندانی نمودند ۰ به بیـداد وتاراج وآدم کشی پرداختند ستم هـا روا داشتند . وپاک یتان راکه پاسدارکردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک .» بود در اسارت کشیدند سپاه لگام گسیخته و دیـوانه‌ی افراسیاب که از ماورای سیحون آ مـده بودند تاتوانستند ویران کردند و نا بـود نمودند ، آتشگاه ها و دانشگاه‌هاوکتابخانه‌ها را بادانش دانشمند به ستیزه و پر خاش پرداختند . مجال هرگونه اعتراض رانمی ـ دادند اعمال بیداد گرانه‌ی خویش را موجـه می‌پنداشتند سپاه شیطانی افراسیاب ر حـم نمی شناخت از سلاله‌ی ظلمت وظلم بودند روشنی هارا رخصت ظهور نمی دادند بـا چراغها و چراغـداران به دشمنی برخاسته بودند فرمان می راندند وبکه تازی میکردند وبه آریا نژادگان اذیت و آزار می رسانـدند سپاه بی دادگر افراسیاب برای بـه کـرسی نشاندن منطق زور و دروغ کو شش میکردند جواب آن کسی که از رفتار خود سرانه‌ی شان انتقاد می‌کرد سر نیزه وخنجر بود ۰ باری روز گار تلخ و سیاهی بود افراسیابیان آریایی نژادگان را تامی توانستند تو هین وتحقیر می کردند . کاردبه استخوان مردم رسیده بود باید با این وضع خاتمه داده میشد ورنه تباهی و نابودی را دربی‌داشت بخت با پاسداران بیداد و سپاه تاراج گـر افراسیاب یار گشته بود آ نان بودند کـه برمرکب مراد سوار گشته بودند و به یکـه تازی و شمشیر بازی می پرداختند سپاهیان افراسیاب از آریایی نژادگان هر که‌دربرابر شان مقاومت می‌کرد می کشتند . هیچ رحم نداشتند چون خرد نداشتند و بی بهره از دانش بودند ودر وجودشان جاودان ودیوان رخنه ونفوذ کرده بود باری دشمنان سپاهیان افراسیاب تسلط و قدرت و چیر گی یافتـه بودند روز روز آنها بود به گنج‌های سرشار دست یافته بودند به سر زمین فیض بـار آریایی نژادگان که در اثر کاروتلاش صادقانه سرزمین خویش را آبادان و شاداب کـرده بودند آبادی و شادابی و سر سبزی قلمرو آریایی ها افراسیاب را به و سوسه افگند اوبه سرزمین روشنایی هاتاخت وبخت با او یار گردید وتوانست به امیال شوم خـویش برسد واین دل آزار وغم انگیز بـود بـرای آریایی نژادگان بزم می آراستند وشادمانی برانند از سر زمین های خویش بیرون‌کنند، تادیگر مهاجمان از یارای یورش نما ند ۰ آریایی نژادگان را غیرت و عشق وپایمردی بود اما مجال نمی یافتند اگر سر بلند می ـ کردند سرکوب می شدنـد ۰ د شمن‌مسلط گشته بود دشمن تا می توانست از اوضاع به سود خویش استفاده می کرد. دشمن‌فضا را بسیار تیره وتاریک ودود زده وغم انگیز کرده بود دشمن زمستان آورده بود زمستان اندیشه هاوروش های دشمن مجال شگفتن‌وقد برافراشتن نمی داد ترسی را کـه دشمن تبلیغ‌کرده بود کارگرافتاده بود ز مستان‌شده بودوهمه سردرگریبان بودندمردم ازگلستان ها به شبستان هاروی آورده بود گلگشت و شادمانی راترک کرده بـودنـد بـه خلوت و اندوه پناه برده بودند و درشبستان هـای خاموش ازگل اندیشه ها عطر فرا موش می‌ـ تراوید)) سکوت بود و زمستان سر مابود ترس ووحشت گرگس مرگ ووحشت بر سر توده‌هاسایه‌ی شوم ونا مبارک خویش ر ا گسترده بود. باری « بـرگ از باد و باد از ابر وازماه » می ترسیدند گروهی از فرو- مایگان که‌نژاده‌ی آریایی داشتند نیز به سپاه دشمن پیوسته بودند وازین رو بو د کـه ((سنگرآزادگان خا موش گشته و خیمـه گاه دشمنان گرم وپرجوش بوده » نیرو های غارتگر ووحشی افراسیاب از مرز های آریا نژادگان گذشته بودند به خاک آریایی هاتجاوز کرده بودند برج هاوباروها ودیوار هـا را در هم شکسته بودند تا چشم کار می کرد ویرانی بود و زبونی و بی سر و سا ما نی دشمنان خانه ها و آشیانه‌ها ودل‌های مردم راشکسته بودند شهر درخوابی عمیق وبهتی سنگین فرو رفته بود گـویی بـه روی‌شهر سیلی‌ای محکم نواخته باشند کـه شادابی وسرزندگی خودرا جوش و خروش‌وهیا هوی خودرا از دست داده روزگار تلـخ وسیاهی بود)) افراسیابیان که از سلاله‌ی ظلمـت بودند و از دود مان اژدی هاک (ضحاک) و استبداد وناروایی را پاس مـی داشتنـد سرزمین آریایی نژادگان را تنگ و تا ریک کرده بودند در هر خیمه ای نمایی و در هر خانه‌ای جاسوسی را گماشته بودند آدم ها حتی حق‌کینه داشتن باکسی ودوست داشتن کسی را نداشتند. روز گار تلخ وتاری بود ((هیچکس در روی د یگر کسی نمی خندید وهیچکس دستی بسوی کسی نمی آ و ر د ((زمستان بود ز مستان سخن گفتن ها ولب گشودن افراسیابیان آمده بودند در کشو ر آریایی نژادگان بزم می آراستند و شادمانی هامی‌کردند سرود فتح کـذایی شـان را سر می‌دادند و ((۰۰۰ آهن‌دلان صخره شکـن هم بسان پیکره ها نقش ها عرو سک هـا استاده بـودنـد « اما نه در میـان مـردم ((۰۰۰ آن سوی شیشه های ز مان ۰)) و « تناوران را می پنداشتی که همه سنگواره شده بود ند)) ((چهره های شان همه‌آیینه های تیره‌ی مسخ گشته بود دست هایشان چون دشنه های زنگ آگین » که‌قدرت بزرگی را از دست داده بودند ۰ ((گامهایی که‌برمی- داشتند بسیار بطی بود مانند نبض‌مردگان)) وسرانجام ((۰۰۰ چشم هاهمه چون‌شیشه‌های رنگ آگین وخشم ها نازای و خـواب هـا سنگین) گشته بود ۰ گویی ا هریمنان و جادوان همه را در طلسمی بستـه بـودنـد باید مردی مردستان آن طلسم را در هـم می شکست باغها و درختان و آسمان یکجـا باافاده در سو گی عمیق نشسته بودندوگریه می‌کردند ۰آنهایی که سری بلند کرده بودند قامتی افراخته بودند در بنـد و زنجیـر کشانده شده بودند دوران نامردان و فرو ـ مایگان بود که فر مان می راندند و حکومت می‌کردند ۰ ستم کاران این را در یافته‌بودند البته (به زعم خویش) کـه دیگر آریایـی نژادگان را تاب برخاستن نیست قدرت ستیزه وقیام برای شان نمانده است ۰ برای آنکه قیافه‌ای دادگران و عدالت گستران به خود بیگرند و متجاوز و مداخله گر معرفی‌نشوند (که البته شده بـودنـد) از سر تمسخر و ریشخند اعلام کردند که ما حاضر به مذاکره‌و مصالحه هستیم تیری باید پرتـاب شود و هرکجایی آن تیر فرو نشست و آنجا خـط فاصل میان آریایی ها و تورانی ها با شد آنجا مرز شنا خته شود تو رانیان این ر ا به خوبی می‌دانستند که‌سخت کمان ترین تیر انداز ان هم اگر تیر بیندازد آن قدر فاصله رانمی‌پیماید که سرزمین آریایی هـا را گستردگی بخشد تو رانیان به ر یشخـنـد ایـن پیشنهاد را کرده بودند تعیین مرزبه وسیله پر واز تیری پرواز تیر محدود است نمی تواند دورها را بپیماید تا قلمروکشوری را تعین کند. دشمنان این هو شیار ی را داشتند که سکست آریایی ها به د ست خود شان عملی سازند تا دیگرآنان‌را جای هیچ اعتراضی بر ضد آنهمه تهاجم و تسلط جویی نماند آ نان این منطق را بپذ یرنـد که‌تقسیم عادلانه انجام گرفته ا ست‌وتورانیان به قلمرو شان تعرض نکرده است بـا ر ی دشمن مشاوران ورایزنان را گرد کرده بود وبه همین نتیجه‌ی نهایی رسیده ه بود کـه به این وسیله می تواند عمل ددمنشانه و اهریمنی خویش پنهان بدارد و اعمال شوم وپلید خویش را موجه جلوه د هد ۰ این پیشنهاد نوعی تخدیر بـود وافسـون که از سر ریشخند و تمسخر و استهزا عـنوا ن شده بود ۰

((تو رانیان این را خود به خوبی می ـ دانستند واین واقعیت بود که تیری‌که ازکمان رها می‌شود اگر پهلوانی نیرو مندهم آنرا رها کرده باشد هدفی معین و محدود دا رد دشمن سخت شاد مانه می نمود واز خـود راضی زیرا اطمینان داشت که پس از فرو نشستن تیر به ز مین قلمروی و سیـع و گسترده در تصرف خوا هد داشت و سر- زمین آریایی محدود وتنگ وکوچک خواهد گشت .

چشمها باوحشتی در چشمخانه هر طرفرا جستجو می کرد .

ـ واین خبر را هردهانی زیر گـوشی نجو می‌کرد .

ناتمام

بقیه صفحه ۱۰

بوی نفت و سود سرشار..

امپریالیزم جهان خوار ودارای قدرت مالی و اقتصادی افسانوی هستند. جدول زیراین ادعا را بخوبی ثابت می‌سازد •

فعالیت های انحصارات چند ملیتی نفت‌در سال ۱۹۷۷ به ملیون دالر

همه این کمپنی هادر ردیف آن انحصارهای غول آسایی هستند که دامنهٔ فعالیت آنها حتی از سر حدات یك قاره نیز فراتر می‌رود وتقریبا سراسر جهان سرمایه داری را دربر می‌گیرد • برای بدست آوردن تصورروشن‌از گسترهٔ عظیم عملگرد این کمپنی ها کافی است یاد آور شویم که در سال ۱۹۷۲ ، یعنی در اوج فعالیت آنها ، اراضی تحت امتیاز این کمپنی هادر سراسر جهان سرمایه داری به بیش از ٤٥ ملیون هکتار بالغ می‌شد • در همانسال هفت کمپنی نام برده ٥ر٨٠ فیصد تمام تولید نفت خام کشور های عضو اوپك را تحت کنترول خود داشتند .

درسال ۱۹۷۷ انحصار های هفت گانه عضو کارتل بین المللی نفت که به هفت خواهران معروف هستند ، حدود۸۰فیصد تجارت جهانی نفت را تحت نظارت مستقیم خود داشتند درسال ۱۹۷۸ مجموع فروش هفت کمپنی‌عضو کارتل بین المللی نفت به ٢٤٣ ملیارد دالر بالغ شد • به این شرح :

نام کمپنی ـ میزان فروش به ملیارد دالر

اکسون ـ ٣٣ر ٦٠ ملیارد دالر

رایل دچ شل‌ـ ٠٥ر٤٤ ملیارد دالر

بومیل آویل ـ ٧٣ر٤٣ ملیارد دالر

تك اویل ـ ٦٠ر٢٨ .

بریتش پطرولیم ـ ٣٩ر٢٧ ملیارد دالر

استاندرد اویل آف کالیفرنیا ـ ٢٣ر٢٣

گلف آویل ـ ٠٦ر ١٨ ملیارد دالر

ازهفت انحصار چند ملیتی فوق ، پنج کمپنی امریکایی نفوذ گسترده ای در جهان سرمایه داری دارند •

در سال ۱۹۷۷ ارزش سرمایهٔ اصلی آنها ٥٤ ملیارد دالر بود که معرف قدرت عظیم‌مالی آنهاست • در همان سال ٥ کمپنی امریکائی با ۹ ملیارد دالر سرمایه گذاری ، بیش از ٦ملیارد دالرسودخالص بدست‌آوردند •مجموع فروش پنج کمپنی درسال ۱۹۷۸ به ۱٦٥ملیارد دالر رسید که ٦٧ فیصد مجموع فروش هفت خواهران را شامل بود • بزرگترین انحصار نفت جهان سرمایه داری ، اکسون است‌که سودناخالصش درسال ۱۹۷۷ به ٤ر٦ ملیارد دالر می‌رسید• درهمان سال اکسون‌بزرگترین سرمایه گذار در رشتهٔ انرژی بود طبق‌پروگرام طویل المدتی که در دست اجراست ، مجموع سرمایه‌گذاری اکسون‌درسال‌های۱۹۷۸ـ۱۹۸۱ به ٢٤ ملیارد دالر خو ا هد رسید و ۱۷ ملیارد دالر از ین سرمایه گذاری در ایالات متحدهٔ امریکاو کشور های اروپای غربی انجام خواهد گرفت • عرصهٔ فعالیت ایـن انحصار ها فقط به نفت محدود نمی‌شود ،مجلهٔ «وال ستریت ژورنال » در ٢٥ ماه می۱۹۷۷ نوشت که انحصار های‌نفتی درسال های‌شصت رخنهٔ به منافع ذغال سنگ و منابع انرژی‌زای غیر فسیلی از قبیل انرژی خورشیدی ، انرژی هسته ای وانرژی ژیو ترمال را آغاز کردند ودر حال حاضر ۲۰ فیصد استخراج ذغال‌سنگ و ٣ر٣٣ فیصد استخراج یورا نیوم را تحت کنترول دارند • شرکت «گلف اویل» ذخایر عظیم او رانیوم را در امریکا تحت نظارت گرفته است • شعب انحصارهایی چون‌اکسون شل وبومیل آویل درزمینهٔ ایجاد تکنـولـوژی پیشرفته برای بهره برداری از انرژی خورشید مبالغ هنگفتی سرمایه گذاری کرده اند •

موجزا باید گفته شود که جهان سرمایه بخصوص ایالات متحده از تجارت نفت سود افسانوی ومحیر العقولی بدست آورده اند . چستربنچ یکی ازسودخواران عمدهٔ امریکایی سود انحصار ی کمپنی های نفتی را چنین توصیف می‌کند : «صنعت نفت در جهان‌یکی از صنایع محدودی است که‌شما در آن‌میتوانید شب تهیدست به بستر بروید وصبح ثروتمند برخیز ید !»بهره برداری غارتگرانه ازمنابع کشور های صادر کنندهٔ‌نفت‌وچپاول بی بندوبار مصرف کنندگان دو منبع عمدهٔ سود انحصاری در صنایع نفت‌است•لذا امپریالیزم وبخصوص امپریالیزم ایالات متحده درمنطقه خلیج ودیگر جاها سرو صدا های دروغین امنیت‌ملی خویش رابرای سرهم بندی بهانه جهت مداخلهٔ‌نظامی در آن کشور ها عنوان می‌کند ، در حالیکه‌در حقیقت این‌بوی نفت‌آن‌منطقه‌وسودهای هنگفت ناشی از تجارت نفت است که امریکا رادیوانه ساخته نه خطر به امنیت ملی اش•

منابعی که‌از آن درین مقاله استفاده شده است اینها ست : انرژی درسال۱۹۸۰ صفحه ١٤ مجله تایم هفت می۱۹۷۹ـپطرولیم اکونو- میست جولایی ۱۹۷۸ـنیوزویك جولائی ۱۹۷۹ ودیگر منابع •

بقیه صفحه ۲۷

هشت مارچ یاروز...

منحصر به‌امور منزل وتربیت کودکان بودولی امروز بیش از یك سوم نیاز مندی های مادی بشریت توسط زنان تامین می گردد که ثبوت روشن به تغییر در موقف اجتما عی زنـــان اشتراك فعال ایشان در ساختمان زندگی‌نوین دربرخی از کشور های جهان است اکنون تمام مردم ترقی خواه جهان در تلاش‌آن اند که‌برای ازمیان برداشتن نا برابری بین زنان و مردان وشرکت موثر آنان در حیات سیاسی اقتصادی واجتماعی توجه بیشتر مبذول گردد •

علی الرغم اینکه‌نیرو های ارتجاعی درکشور های استبدادی و امپریا لیستی به وسایـــل مختلف منجمله از طریق تبلیغات تخدیرکننده وفریبنده بوسیله مطبوعات، رادیوها، سینما هاو غیره تلاش میورزند که زنان را از اشتراك درجنبش های دموکراتیك و مبا رزه طبقاتی‌دور نگهدارند• ولی ضرورت‌اشتراکشان درمبارزات وطنپرستانه و ترقی خواهانه به مثابه نیروی رشد یابنده روز تا روز بیشتر می گردد•

بادرك این ضرورت در وطن با استفاده از امکانات و مساعدت زمان و به خاطر پـــاسخ مثبت به خواستهای زنان کشور و با درك‌این واقعیت انکار ناپذیرکه‌زنان‌میهن ما از ابتدایی ترین حقوق بشری‌محروم‌بودند ،هسته سازمان دموکراتیك زنان افغانستان بتاریخ هشتـــم جوزای ١٣٤٤ به ابتکارزن مبارزه پیشروافغا- نستان داکتر اناهیتا راتب زاد در کارو مبارزه شرافتمندانه به خاطر احیای حقوق زنـــــان دموکراسی ، استقلال ملی ، ترقی اجتماعـی صلح و نجات خلقهای تحت ستم و بخصوص زنان کشور بوجود آمدو پیروز مندانه عرصه های مختلف مبارزه سیاسی ، اقتصادی و سازمانی را پیمود و موفقانه مراحل رشد و تکامل خود را می پیماید •

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان بمثابه گردان متشکل زنان میهن مادلیرانه و شجاعانه درطی پانزده سال اخیر ازآزمون تاریخ‌موفق وبا افتخار سر بلند نموده است ایجاد اولین کنفرانس سازمان دموکراتیك زنان افغانستان وتصویب مرام نجات بخش آن در سال ١٣٤٦ نقش بس عظیمی را در تاریخ نهضت رهایی بخش زنان افغانستان اجرا نمود •

با جرئت وافتخار میتوان یاد آور شد که سازمان دموکراتیك زنان افغانستان در طی پانزده سال عمر از تلاش و مبارزه خود، هیچ مسئله از مسایل سیاسی و اجتماعی رابه‌خاطر ندارد که در آن بخاطر انجام وظایف وطن- پرستانه سهم‌فعال و ارزنده نداشته باشد •

سازمان‌دموکراتیك زنان‌افغانستان ازانقلاب شکوهمند ثور قاطعانه دفاع و پشتیبانی خود را اعلام نمود و همکاری همه جانبه خود رادر تطبیق پلان های‌جمهوری‌دموکراتیك افغانستان اعلام کرد •

ولی بادرك جهت انحرافی امین تبهکار و باند جلادش موضعگیری اصو لی و قاطعانه در برابر باند اتخاذ نمود • و به خاطر تثبیـت اصولیت و نجات‌دست آورد های انقلاب‌سترگ ثور از چنگال جاسوس معلوم الحال امپریا- لیزم و باند جنایتکار وی، بی هـراس و شجاعانه رزمید ودر برابر به بند کشیدنها، شکنجه دادنها، تعقیب و تهدید ، دلیرانـــه مقاومت نمود و کوچکترین خدشه، در ایمان آهنین دختران رزمجوی سازمان نسبت بـــه پیروزی اصولیت و پیروزی جنبش رهایی - بخش ملی ، ایجاد نگردید •

اعضای سازمان‌دموکراتیك زنان افغانستان وقتی درشرایط عینی عرصه رابرای پیکـا ر انقلابی محدود دیدند و احساس کردند کـــه باند در صدد ایجاد فضای ترور و اختناق‌است باددلاوری فعالیت خود را مخفیانه تنظیم نمودند وبااستفاده‌ازاشکال‌گوناگون وشیوه‌های‌مختلف مبارزه مخفی بار ها جواسیس درنده امیـــن را از اغفال نموده و قهرمانی هـای چشمگیری در مبارزه مخفی از خود نشان دادند •

افتخار بشما رفقای همسنگر که به‌خاطـــر رهایی خلقهای افغانستان از بند فاشیزم تـا سرحد جان پیش رفتید و هر گز شکیب و حوصله خود را حتی در بدترین لحظات‌شکنجه از دست نداد ید و با ایمان به این واقعیت که ماپیروز خواهیم شد وفاشیزم محکوم به فناست شکنجـه های درنـده خویان امینـی را تحمل کردید .

افتخار بشمارفقای‌همنبرد که در کارو پیکار انقلابی برای ایجاد افغانستان آزاد با فردای شگوفانی انسانی لحظه هم درنگ ننمودید و قهرمانانه صف متشکَل و فشرده رادر مبارزه بادشمن های چون امین و باند خونخـــوارش ایجاد گردید •

سازمان دموکراتیك زنان افغا نستان قیام ظفر مند ششم جدی را بمثابه چرخش عمیق‌از الام و بدبختی ها بسوی ایجاد افـغا نستان آباد ، شگوفان ومرفه میپندارد و همبستگـی خودرابا ح.د.خ.ا، درنبردعلیه دشمنان انقلاب اعلام داشته و تعهد می سپاردکه‌در راه تطبیق آرمانهای والای انسانی ح•د•خ•ا و جمهوری دموکراتیك افغانستان و به خاطر رفا وآسایش مردم عذاب‌کشیده وطن محبوب ما لحظه ی هم فروگذاشت نخواهند کرد .

ـفرخنده باد هشتم مارچ روز جهانـــی همبستگی زنان !

ـبرافراشته باد درفش‌صلح، آزادی،استقلال ملی وترقی اجتماعی !

ـمرگ بر امپرا لیزم امریکا، فاشیزم و صهیو نیزم !

ـبه پیش در تحت درفش جبهه وسیع ملی پدر وطن در راه آبادانی‌و شگوفانی میهن‌زیبای ماافغا نستان انقلابی !

بقیه صفحه ۱۳

ارزشها و مایهٔ‌های...

صاحب علایق ملی‌یی اکنون در کشور ما یافت نمی شود که به ارزش این دوستی‌پی نبرده باشد و آنرا خلل ناپذیر و خدشه بردار نداند .

* * *

صدیق الله کار گر آزموده‌وباتجربه دیگری است که در مسایل مربوط به دوستی خلق های افغان و شوروی صاحب نظر و اندیشه است و با اطلاعات و آگاهی نسبی ایکه‌در زمینه دارد میتواندخصوصیات عمده این‌دوستی دیرپای و باسابقه را بر شمارد .

وی در نخست کلام اشاره یی دارد به ارزش های جهانی این دوستی و معتقد است که‌صفا صمیمیت و احساس مشترك مردم افغان و شوروی در روابط حسنه شان ، همسایگی نیك و احترام متقابلی که هر یك به ضوابط وشرایط حاکم برکشوردیگری‌دارند، وی‌اشاره‌یی هم به‌اثرات باارزش این‌دوستی‌درزمینه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور ماکرده می گوید : همین اکنون‌به‌تعداد هزاران جوان مادر کشور بزرگ شورا ها مصروف تحصیل می باشند و صد ها کارآموز، و متخصص این کشور در امور علمی و تخنیکی در داخل‌کشور مادوش بدوش برادران افغان خود ما را یاری میدهند ، از سوی دیگر پروژه های فراوان‌و عام المنفعه یی که به کمك کشور کبیر شورا هادر کشور ما به ثمر آمده است همه و هر یك به تنهایی نمونه یی است از این همکاری مثمر وباارزش در جریان دهه هایی که‌ازعمر این‌دوستی می گذرد .

او اظهار عقیده می کند که دوام روابط نیك وحسنه میان مردم دو کشور و تلاش در راه تحکیم روز افزون آن چیزی است که‌مارانوید میدهد که با سرعت بیشتر بتوانیم خود را با آهنگ زمان هم آوا بسازیم و پسمانیهای خود راجبران کنیم.

* * *

کریمه دانشیار که تازه تحصیلات خودرا در لیسه آریانا به اتمام رسانیده است در جواب به یك سوال پیرامون ارزش های روابط نیك میان ما و همسایه بزرگ شمالی ماابراز نظرمی‌کند که شوروی‌ازبعداز استرداد آزادی کشور ما تاکنون تنها کشوری بوده است که بدون نظر خاص سیاسی صرفا به منظور انکشاف کشور ما و جبران عقب ماندگی های اقتصادی و فرهنگی آن کمك های بدون قید و شرط خودرا در اختیار ما قرار داده‌و باز هم میدهد .

وی در جواب به سوال دیگری در همین زمینه از کمك های فرهنگی ایـن کشور از پروژه های تفحصاتی و استخراجی نفت وگاز ازفارم های زراعتی و صد ها کیلو متر راه اسفالتی‌یاد آوری می کند که همه و همه به کمك کشور دوست و برادر ما اتحاد شوروی عملی شده و طبیعی است‌که هر یك‌درانکشاف امور اقتصادی کشور ما و تحکیم زیر بنای اقتصادی نقش عظیم و سترگ دارد .

کریمه دانشیار در جایی دیگر از سخن‌خود وبه پاسخ یك پرسش دیگر می گوید :

موجودیت قطعات محدود نظامی شوروی در کشور ما که صرفاً به منظور جلو گیری از توطئه های ارتجاع داخلی و امپریا لیزم‌جهانی وبه خواست حکومت‌جمهوری دموکراتیك افغانستان صورت گرفته‌است‌نمونه‌بارزو چشمگیری ازهمکاری دوستانه و حسن همجواری میان کشور هابه حساب می آید .

وی معتقد است‌موجودیت این قطعات محدود درکشور انقلابی ما افغانستان عزیز موجب‌شده است که امپریا لیزم جهانخوار ودر راس امپریالیزم امریکا نتواند توطئه های ضد صلح و ضد آزادی را در این منطقه جهان به عمل پیاده کند و همین موجب خشم دستگاه های دروغ پرداز این کشور ها شده که همه روزه به اشکال گوناگون می کوشندواقعیت های کشور مارا دگر گون جلوه دهند .

۱۵۵ مخ پاتی

د کوه‌نورالماس

خاو ندانو دوژل کیدو څخه نه‌مړیده دگر گ سنگ بل ورورشیر نسنگ ته ورسیده ،مگر اوس ټول خلك پوهیدل چی دا الماس په خپل روښانه ظاهر کی یو بد کاره او خبیث باطن لری اوداسی یو عجیب روح پکی دی چی آرام نلری! آیا د دکزنا دلر غونی هند د ستر قهرمان روح نه‌وی!

شیر سنگ به‌دی پوهیده اوداخو مگر روښانه الماس یی پټ ساته او ډیره لږه استفاده به یی تری کوله.

شیر سنگ به دا الماس کله کله په جشنونو اویاد خوښیو په‌مراسمو او عمومی غونډه کی ناڅه اود همد غوجشنونو څخه په یوه کی کله چی ده‌دا الماس به‌خپلی پګړی کی تړلی و، ووژل شو او به دی‌ډول سره ددی الماس په قربانیانو یو بل هم ورزیات شو .

دشیر سنگ دمړینی څخه وروسته دکوه نور الماس دلیپ سنگ ته پاتی شو اود لیپ سنگ‌هم چی‌ددی الماس‌ورو ستی هندی خاوندو دانگریزانو نه ماتی وخوړه او دقیمتی مرغلرو او جواهراتو ستری خزانی دکوه نور الماس سره یو ځای د ختیځ‌هند دا نگلیسی کمپنی لاس‌ته ورغلی .

دکوه نور الماس د (۱۸۵۰) عیسوی کال دجون په دریمه نیټه دبرتانوی هند دوایسر اله خوا ددوو افسرانو پوسیله دانگلستان دامپراتوری ملکی و یکتور یا ته په لندن کی وړاندی شو او په کال (۱۹۳۷) عیسوی کی رسما دملکی الیزابت د تاج پر مخکنی برخه کی نصیب شو.

سره له دی چی‌ټول هندیان په دی عقیده دی چی دا الماس شوم دی او خاوندان‌یی هریو په یوه‌ډول له مینځه تللی دی ، مگر انگریزان یاد کوه نور دا لماس اوسنی خاوندان عقیده‌لری‌چی‌داشو موالی‌یوازی دنارینه و دپاره دی او ښځی ددی الماس دشوموالی څخه په امن کی دی ،له همدی کبله دی چی دکوه نور الماس دملکی الیزابت په تاج کی نصب شویدی.

په حقیقت کی که چیری ددی الماس افسانوی تاریخ ته نظر واچوو نو دابه په ډاگه شی چی یوازی ښځی‌ددی الماس دشومیت څخه په امن کی پاتی شوی دی او هرنارینه چی ددی الماس خوند شوی یایی خپل ځان او یایی مال دلاسه ورکړی دی .

(پای)

بقیه صفحه ۲٦

کلارازتکین...

در سالهای بعد زنان کشور های دیگر نیزاز این روز تجلیل بعمل آوردند . چنانچه در سال ۱۹۱۲ کشور ها لند ، سویس ودر سال ۱۹۱۳ کشور روسیه تزاری از تجلیل‌کنندگان روزهشتم‌مارچ‌بودندرسال ۱۹۱۵ کنفرانسی تحت ریاست کلارازتکین تشکیل گردید که‌در آن سازمان های زنان‌کشور های هالند،سویس انگلستان ، فرانسه‌و پولند و ایتا لیا اشتراك فعال نمودند شعار عمده این کنفرانس را مبارزه زنان علیه امپریا لیزم تشکیل میداد. ازآن به بعد در روز هشت مارچ زنان جهان درعین ابراز همبستگی بین المللی متناسب‌با شرایط خاص و خواست های ویژه زنان هر کشور مراسمی برگزار می کنند.

امروز آرمان کلاراز تکین و همه زنان مترقی که برای ایجاد این روز و رسمیت بخشیدن به آن دلیرانه پیکار نموده اند در بخش وسیعی از جهان که در آن نظامات کهن بورژوازی سر نگون گردیده و به جای آن رژیم های مترقی برقرار شده تحقق پذیرفته است از همین رو زنان کشور های مترقی‌روز هشتم مارچ رابه مثابه جنبش پر شگو هی برگزار می نمایند.

بقیه صفحه ۳۵

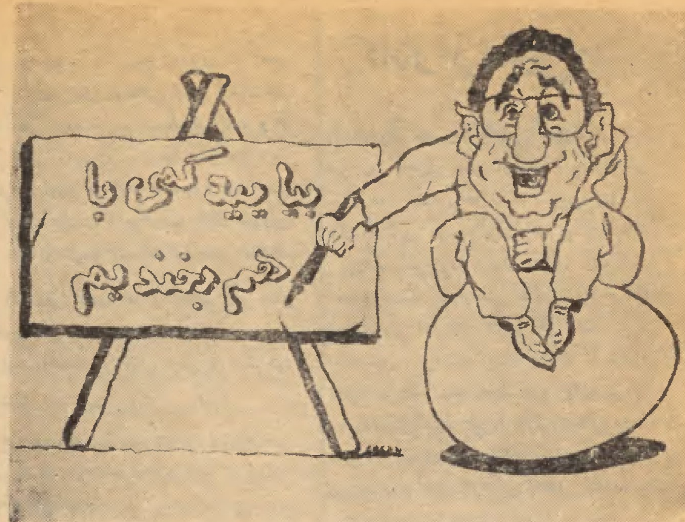
شهپرهای...

کارمن شولیر بعد از ختم تحصیلات در ولایت دور افتاده چاگو وظیفه معلمی و فعالیت های انقلابی خود را آغاز نمود .

به رهبری کارمن جنبش دموکراتیك زنان یعنی جنبش طرفداران صلح فعالیت می‌کرد. باید یاد آور شد که بنیان گذاراین جنبش‌پدر کارمن بودبه خاطر شرکت ورهبری قیام ضد دکتاتوری مور ینیگو کارمن شولیر در سال ۱۹٤۷ـ از پاراگــوای تبعید گردید ایـن آغاز شکنجه هابود که بعدا بندی خانه تبعید گرسنگی شکنجه و تنها یی اورا استقبال‌نمود کارمن شولیر در عقب میله های زندان اشعاری رادر ذهن خود سروده و حفظ می نمود اشعار اونیز حق آزادی را نداشت در حالیکه او به آزادی سخت ایمان داشت اشعار وی خیلی پرارزش می باشد .

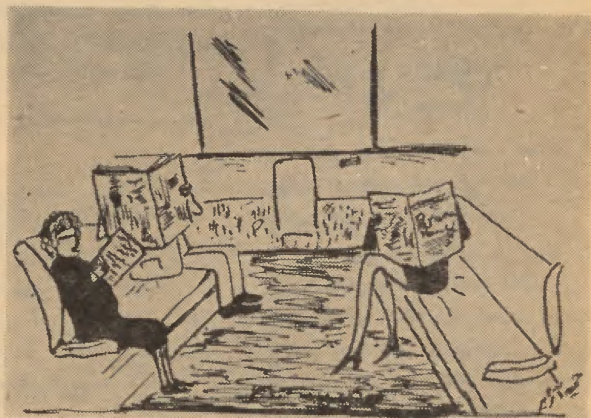
باخون انسان مزرعه گندم را آبیاری می کردند ولی خود دیدم و ایمان دارم قسم یاد می‌کنم که ایمان دارم که در آن مزرعه تخم های بود که از آن شهپر های زنجیر شکن‌می روئید نده.

کارمن خوشبخت است زیرا شوهر یگانه فرزندش رفقای هم رزم او می باشند درحال حاضر کارمن شولیر باز هم در فراق دوری ازمیهن می‌سوزد ولی باز هم او یك لحظه مبارزه خودرا متوقف ننموده است .



پدر و مادرم

دو دختر فرانسوی دریکی از کافی های بادو رو پاریس نشسته وباهم گپ‌میزدند...
یکی ازآنها گفت :
-خواهر جان ... راستی میدانی تاحال صددفعه ازمن می خواستن ازدواج کنم .
دختر دومی با خوشحالی گفت :
-اوه ...چه بدشانسی... خوب چه کسانی‌از تو خواستن ازدواج کنی
- خوب معلومدار است ... پدر جانم ومادرجانم دیگر !!



بدون شرح

مثل همه کار کنی

مرحوم او ناسیس ، چند سال پیش ازدخات آقازاده اش را که تازه به سن کار وزندگی رسیده بود صدا کردو گفت :
-پسرم ، تو دیگر به سنی رسیدی که‌باید خودت کار کنی‌وگلیم‌خودت‌راازآب‌بکشی وراه ورسم کار وزندگی رایادبگیری ، خیال دارم تورا در شرکت‌حمل‌ونقل دریایی خودم‌استخدام کنم اما خیال نکنی که چون پسر او ناسیس هستی شغل مهمی برایت میدهم . نخیر ... باید مثل همه مردم از کار های معمول شروع کنی ... بهمین‌جهت‌شغل معاون و مقام مدیر عامل ورئیس هیات مدیره شرکت را برایت در نظر گرفتم .

* * *

زنی جوانی که چند ماه از ازدواجش‌گذشته بودروبه شوهرش کردو گفت :
-عزیزم آیا بیاد داری روزی‌که از من تقاضای ازدواج کردی ومن از شدت خوشحالی مدت یکساعت قادر به حرف زدن باتو نبودم .
مرد آهی کشید وگفت :
بلی عزیزم آن یك ساعت خوش ترین‌ایام زندگی من بود .
ارسالی : یوسف امیری



وقتیکه خاك روب بخواهد روز گذرانی کند.

در کشتی

در کشتی مسافربری ، یکی ازمسافرین‌پس‌ازخوردن غذا حالش خراب ودچار حالت دل بدی شدید شد به کنار کشتی رفت ...
دراین موقع پیشخدمت رستوران باسینی کباب آمدو گفت : ببخشین قربان : کباب‌تان را در همین جامیل میکنین یا ببرم در اطاق تان ؟؟
مسافر که از دست خوردن به‌آن حال افتاده بود بزحمت جوابداد :
بعقیده من بهتر است ازهمین حالابریزین دربین دریا ....چون کارمن آسانتر میشود!!

تمرین ویلون

مردی پس ازمدتها دوستش راکه کورس موسیقی میرفت دیدو پس از صحبت از او پرسید :
- راستی تمرین ویلونت بکجا رسیده ، همچنان ادامه دارد ؟
او جوابداد :
-بلی .... خیلی هم پیشرفت کرده ام .
چه خوب . عقیده دیگران چیست ؟
-من‌از روی عقیده دیگران این حرف را میزنم .... چون خانواده ای که‌در همسایگی مابودند وقتی من شروع تمرین ویلون کردم یکهفته بعد تغیر منزل دادند ... مستاجرین بعدی هم یکهفته نماندند . اما همسایه سوم یکماه ماندو همسایه چارم اکنون شش ماه است که در اینجا سکونت دارند ....!



برادر جان تو باخانمت چه گفته بودی که به این حال شدی !

مردی درسینما

مردی برای یکی از همکارانش تعریف میکرد:
-بلی ... نمیدانی ... دیشب رفتم سینما ...بسیار هم خوش گذشت :
همکارش پرسید :
-حتماً فلم بسیار خوب بود !
-بلی ... بد نبود !
- حتماً جای من خالی بود ؟
-نی بابا !
-چطور مگر ؟
-برای اینکه همه چوکی های سینما پربود واصلا جای خالی نداشت .

بدون شرح

روبدون

کارت ویزت

شکارچی برای شکار مر غا بی‌رفت وهرچه مرمی‌داشت مصرف‌کرد ونتوانست یك مر غابی راهم‌بزند...چون کمی باروت‌همراه داشت ، با چند عدد کارت و یزیت خود ، چند مرمی درست‌کرد و آنهارا بمصرف رساند و دست‌خالی بمنزل‌برگشت. موقع شام زنش او را صدا کرد.

بیا عزیزم غذا بخوریم!

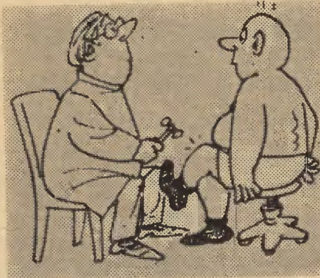
مردپرسید:

– شب چی داریم ؟

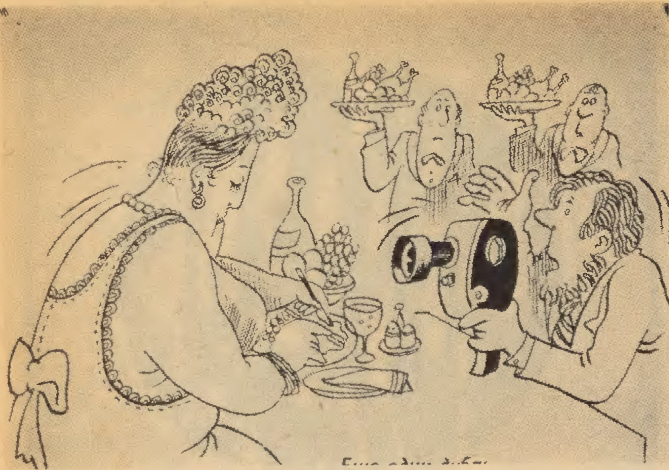
–خوراك مرغابی سرخ کرده !

– مرا مسخره‌میکنی ؟

نه عزیزم ... ابدا ... چون یکی از مر غابی‌ها که کارت و یز یـت تو بدستش رسیده خودش بخا نه‌ما آمد و من او را گرفتم‌وسرخ کردم!!



در معاینه خانه داکتر اعصاب



شما از من نشر هیت کمی سر خود را بالا کنید



زن – عزیزم تیلفون را باید قطع‌کنم.. . فکر میکنم که کدام حادثه رخداده است

یك سال به شکم مادرم بودم

خانمی برای در یافت کاری بـه یکی از اداره هـا ر فتـه بـود... مامور مربوطه پرسید :

– خانم ... شما چند سال‌دارین؟

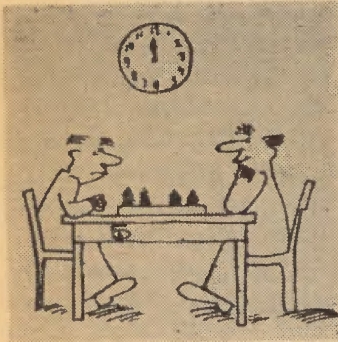
خانم جوابداد :

– بیست و نه سال ؟

– پس چرا اینجا درین تذکـره تو نوشته شده سی سال ؟

خانم عشوه‌یی کرد :

– آخر یك سال هم در بین‌شکم مادرم بودم .



بدون شرح



بدون شرح

مرد خیال باف

دو مردنیمه های شب درکافی‌یی‌نشسته ومشغول با ده گسا ر ی بودند ... یکی از آ نها رو بد یگری‌کرد و گفت :

– واه یکساعت بعد از نصف‌شب مانده برای چی بمنزل نمیری ؟

مست دو می سری تکا نـدا د و گفت :

– بروم چه کنم ... هر شب که بخانه میرم ، ز نم او قاتش تـلخ وبامن د عوا میکند ...

– برای چه همرایت د عوا میکند!

– برای‌اینکه من هرشب نا وقت بخانه میرم !!



بدون شرح



پیوسته بگذشته

هیله

از تاریخ باید آموخت

ولی در مقابل این همه و طن ـ پرستان و رز مجو یان قهر ما ن بودند عده‌ای قلیل و نا چیزنابکاران که به د شمن جاسوسی می کر دند واخبار رزمندگان راه آزادی را به انگلیس ها می دادند . ازین حمله یکی هم ولی محمد خان بود که‌مردم او را ولی محمد لاتی می نا مید ند چنانچه در جریان قیام عمومی مردم ما که در ماه دسامبر ۱۸۷۹برعلیه تسلط استعمار انگلیس صو ر ت گرفت ، همینکه گروه های جنگجوی افغان تحت ر هبری برادر پر و یز شاه خان پغمانی آ مادۀ حر کت به جانب کاریز میر شدند و هم چنان دیگر اخبار مربوط به این قیام ر ا ولی محمد لاتی به جنرال انگلیس‌ها (رابرتس) داد و دشمن با استفاده ازین معلو مات جاسوس خو یش آمادگی گرفت ، لذا ((میکفرسن)) باقشون خود کاریز میر را قبلا موضع خود قرار داد ولی از جا نب شمالی دسته های رز مند گان تحت قیادت میر بچه خان روز و شب نهم ودهم د سمبر بادشمن رز میده و خودرا به کاریز میر رسا نید ، دسته جات مبارز وردك تحت‌فرمان‌ـ دهی جنرال محمدجان خان ورد کی خودرابه قلعۀ قاضی ر سا نید ند . دشمن که تحت فر مان رابر تس قرار داشت از دو جناح (میکفرسن ازطرف راست وجنرال ((ملیسی)) از طرف چپ) بر قوای ا فغا نی حمله ور شد و لی قبل از آ نکه دستور قو ماندانی ا نگلیس، عملی شود میر بچه خان با قوای‌خودبایك حمله برق آ سا بر میکفرسن و لشکرش حمله ور شد چنا نچه جنرال انگلیسی نه به جلو ر فته توانست و نه مجال عقب نشینی یافت، همچنان قوای رزمندگان‌وردك تحت فر ماندهی محمد جان خان بر قوای تحت فر ماندهی جنرال میسی حمله ورشد . هکذا لشکر ((بیکر)) در چار آسیاب‌مورد حملۀ نا گهانی قو ای لو گر قرار گرفت. لذا در نتیجۀ این رشادت ها ی وطن پرستان دشمن در هر طرف تحت حمله قرار داشته و تلفا ت سنگینی را متحمل شد . د ر ین هنگام جنرال را بر تس‌چون قوای خودرا در حال ا ضمحلال د ید شخصا با قوای با قیمانده بمقا بل سپاه محمد جانخان شتافت . بازهم درینجا ر شادت یك مبارز د یگر از اهالی چهار دهی قابل ذکر ا ست. او شخصا بالای رابر تس حمله ور شد ولی یك نفر از سپاه ا نگلیسی او رانجات داد . در نزدیکی قلعه قاضی نبرد شدیدی بین‌قوای‌افغانی وانگلیسی در گرفت . این جنگ چندان شدید و چنان طولانی بودکه به جنگ تن به تن منتهی شد . رابرتس به همه قوای انگلیس درهر جا که بودند امر صادر کرد که عقب نشینی نمایند . اینست کار‌ـ نامۀ شیر مردان د لیر افغان که علاوه از مباهات قابل آ موزش و تجربه است و جوانان ما باید اعمال نیاکان خودرا همیشه سر مشق‌قرار د هند.

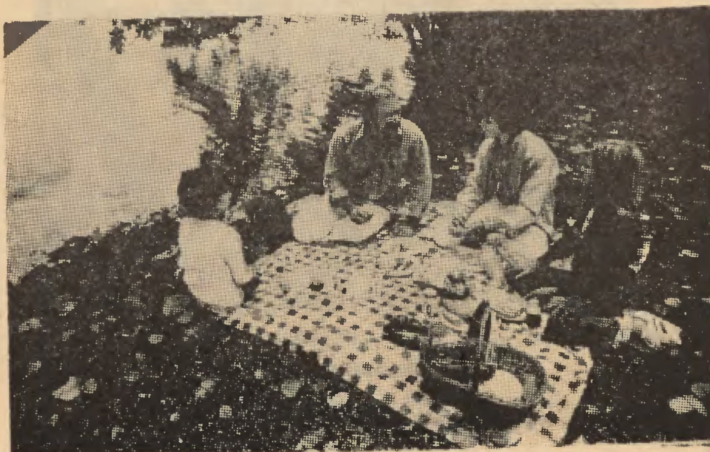
ادامه دارد

جوانان وروابط خانوادگی

به زندگی گذشته‌ام ، به زندگی یکسال مشترکمان فکر میکردم ، به‌نقاط ضعیف که‌باعث‌شد در طول این یکسال زندگی مشترك زناشویی ما چندان خو شبخت نبا شیم فکر میکردم وهرقدر بیشتر متو جه خطا های که در طول این یکسا ل ازطرف‌من‌وهمسرم سر زد ه بود میشدم بیشتر افسوس می خور م که چرا سعادت و خو شبختی خانوادگی خودرا با دست های خود آگاهانه خراب سا ختیم .

قصه ازین قرار است :

یکسال‌قبل‌بادختری‌یکی از اقوام خود از دواج کردم . بااینکه قرابت نزدیك داشتیم‌ولی‌متاسفانه‌ازهمدیگر شناختی‌که لازم بود وبرای یك زن وشوهرحتمی ولازمی شمرده می‌شود باهمدیگرنداشتیم. چرا؟ شایداین‌چرا علت های‌گوناگونی داشته و لی به عقیدۀ من با اینکه ماهر دو از یك فامیل بودیم و لی تربیه ما وطرز



دید ما تفاوت داشت ، او طو ری تربیه یافته و من طوری د یگر، بااین تضاد ما باهم ازدواج‌کردیم و فکر می‌کردیم که شاید به مرور سا لها این تضاد تر بیت از بین برود و بتوانیم ز ندگی خوش و سعا دت باری خانوادگی را بسازیم . و لی افسوس که این خواستۀ ما جامۀعمل نپوشید و ما سخت اشتباه نمو ده بودیم . میگویم :ما،برای‌اینکه هردو یعنی هم‌من‌وهم همسرم هردومقصر هستیم .

اگر به راستی به زندگی با نگاه واقعیت می نگر یستیم ا مروز این حالت را نداشتیم وچنین بد بخت وبی چاره نمیشدیم ، حالا که ا ز کرده های‌خود هردو پشیمان هستیم دیگر چاره نیست زیرا مدتی است که از هم جدا شده ایم .

خوب چه درد سر بدهم یکسال قبل که ما با هم از دواج کردیم ، فکر میکردیم می توانیم در زند گی زناشویی‌خویش‌خوشبخت با شیم، و واقعا اگر حوصله می‌کردیم‌شایدمی‌ـ توانستیم به این خواست خو یش برسیم ،ولی عجولانه تصمیم گرفتیم وبالاخره از هم جدا گشتیم .

علت این جدایی واین ناسازگاری رابه شما جوانان ارجمند و عزیز که شاید روزی از دواج کنید و پیوند ز ندگی مشترك راببندید،تذکر میدهم :

یك هفته پس از ازدوا ج من و همسرم به خانۀ خسرم د عوت‌شدیم شروع نا ساز گاری ما از همین دعوت آغاز گشت : ابتدا دعوت با خوشی باخنده وتفریح آغاز شد ولی بعد ها آرام آرام مداخله ا ین وآن باعث شد که بین من وهمسرم گفتگوی لفظی صورت بگیرد ، ا ین گفتگوی لفظی بالاخره با و ساطت دیگران پایان یافت و ما به منز ل خود بر گشتیم آن شب نه من با همسرم حرفی زدم و نه او با من ، به همین ترتیب صبح شد و روز دیگر این کدورت ادامه داشت تا اینکه من‌پیشقدم‌شدم وخواستم‌که‌این را ا ز میا ن بر دا ر م شروع کردم شوخی با همسرم‌وگاه گاهی هم همرایش در امور منز ل کمك می نمودم اما همسرم ما نند گذشته با سردی بامن ر فتار می ـ کرد . خوب بهر صورت باز هم حوصله کردم و کوشش نمودم که

به‌هرترتیب می‌شود این کدورت را بر طرف سازم و لی همسرم هرگز از لجاجت خویش بر نمی‌داشت تااینکه حوصله و صبر من نیز پایان یافت و بنای مخالفت و سرسختی را با او گذاشتم ، من نمیگویم که سراسر گناه از اوبوده خیر من نیز بنوبه خود مقصرم ولی اگر راستش را بخواهید او بیشتر از من در این راه تقصیر دارد .

نپرسید که‌علت‌اختلاف ما در آن مهمانی چه بود ، برایتان می‌گویم : میدانید که یك شوخی بی‌مزه باعث شد که این همه ماجرا بدرزندگی خانوادگی ما بروز کند من از این متاثر نیستم که‌چرادیگران بما شوخی کردند و چنین ماجرای رابوجود آوردند تاثرمن در این است که چرا ما این قدر تحت‌تاثیر سخنان دیگران باشیم و قراربگیریم که زندگی خوش خانوادگی ما چنین سرنوشتی رابخودبگیرد . بهرحال زندگی ما بایك شوخی از هم پاشید وامروز آن تاریخ تقریبا بیش‌ازشش ماه می گذرد .

شما جوانان عزیز متوجه باشید که در زندگی خانوادگی خود دقت نظر و حوصله فراخ داشته باشید، زیرا بدون این دو عامل مشکل‌است که درزندگی خانوادگی خوشبخت بود.

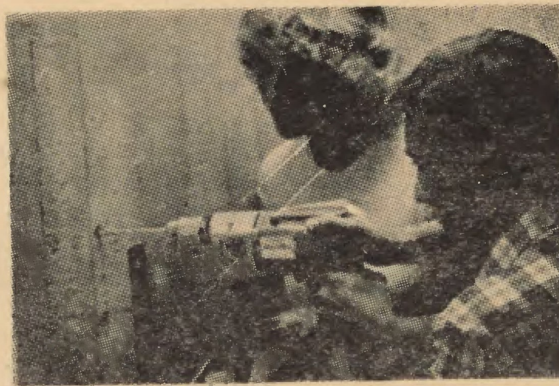
امروز بخوبی متوجه این موضوع شده‌ام که‌هردو اشتباه نموده ایم وهردو از کاری که نموده ایم‌پشیمان هستیم ولی کار از کار گذشته است .

شما که در آینده صاحب زندگی مشترك خانوادگی خواهید شدمتوجه این مسأله حیاتی باشید که وقتی دختری را به همسری خویش‌انتخاب می‌کنید اولا کوشش نمائید که‌ذوق ها و خواسته و توقعات تان‌تااندازه باهم مشابه باشد . اگر خدای نخواسته بین شما تفاهم وجود نداشته باشد مشکل است که‌بتوانید زندگی مشترك خانوادگی را از پیش ببرید .

امروز که شما زندگی خانوادگی را می سازید ، باید برای استحکام ودوام‌آن تلاش زیاد بخرچ دهید، وتا می توانید بخاطر خوشبختی خانوادگی تان سعی و کوشش‌کنید زیرا زندگی که در آن خوشبختی نباشد نمی توان به آن زندگی گفت .

تفاهم‌میان‌زن‌وشوهر

همکاری در همه ساحات‌زندگی چه در امور منزل و چه در خارج منزل یکی‌از مسایلی است که باید هر جوان مخصوصا زن و شوهر به آن توجه داشته باشد . درخانواده که‌زن‌وشوهر با تفاهم کامل درامور منزل و در ساختمان زندگی مشترك میداشته باشند و بی آلایشانه بدون اینکه بگویند این



کار من نیست ، این کار تو است و... زندگی خانوادگی‌شان سرشار وآگنده ازخوشی خواهد بود.

شرایط عصر و زمان ایجاب میکند که زن و مرد هر دو پهلو به پهلوی هم در امر ساختن‌زندگی مشترك شان کار کنند و به حیات خانوادگی شان سر و سامان بدهند .

آن زن وشوهر یکه کوتاه نظر اند و زندگی را در چهار چوب پوسیدهٔ گذشته می بینند زندگی شان خالی از هر گونه لطف‌وشادی در خانه می باشد واز همین رو این گونه زن و شوهر ها دایم در جدال وکشمکش می باشند و این جدال آنها یك روزه نبوده بلکه دایما در حال تناوب بوده و شکل دایمی‌را تقریبا می داشته باشد . اما امروز جوانان مابادرك واقعیت زندگی دریافته اند که زن بازوی مرد است وباید برای این بازو وقت داد تا خلاقیت خویش را ثابت سازد . از همین رو ازدواج های که اکنون صورت می گیرد زن و شوهرها از تفاهم کامل بر خورداراند و در زندگی خانوادگی خوشبخت و سعادتمند می باشند این تفاهم‌است که آنها را سعادتمند ساخته‌وزندگی خانوادگی شان راسرشارازمهربانی ولطف گردانیده است .

وقتی میان زن و شوهر جوان تفاهم که رکن اساسی زندگی امروزی محسوب می شود وجود داشته باشد در هر گونه مسایل تسهیلات فراهم می شود . مثلاوقتی زن می خواهد خانه اش چنان‌رنگ داشته باشد و لوازم خانه‌اش چنین باشد مرد نیز چون به ذوق وسلیقهٔ همسرش اطمینان دارد او نیزبنوبه خود آن را می پسندد و می پذیرد این اطمینان باعث می شود که زن بیشتر به امور منزل علاقه گیرد و سهم بیشتری داشته باشد . مردان مخصوصا شوهران که در گذشته بیشتر خودرائی بودند ، اکنون دریافته اند که در مسایل خانه و ساختن یك زندگی مرفه‌وآبرومند زن نیز نقش قابل ملاحظهٔ دارد و باید نظر و خواسته او محترم‌شمرده شود .

از همین رو است که زندگی‌جوانان امروزی سرشار از خوشی و سعادت خانوادگی است .

تیلفون وسیله تفریح نیست!

دراین شکی نیست که تکنالوزی عصر ووسایل ارتباط جمعی‌همه‌وهمه در خدمت بشر قرار دارد و خواهد داشت . مثلا رادیو ، تلویزیون ، جراید ، مجلات و غیره همه درخدمت بشر بوده و برای تنویر افکار و معلومات آنها شب و روز خدمت میکند . و لی یکعده از همشهری‌های ما از این وسایل طوری استفاده می‌کنند که نباید بنمایند و توقع هم چنین نیست .

بطور مثال درفلان خانه صدای رادیو را آنقدر بلند می نمایند که همسایه های چهار اطراف منزل از صدای بلند رادیو ناراحت می‌شوند مخصوصا وقتی که یکی‌ازهمسایگان مریض وناراحتی هم داشته باشند

بعضی ها از تلویزیون این پدیدهٔ تازه و محبوب خانواده ها طوری استفاده می کنند که‌دور از انصاف است . مثلا فلان خانه برای اینکه از پروگرام تلویزیون باز نماند ، از تمام دوستان و آشنایان صرف نظر نموده و خودرا مصروف دیدن وتماشای تلویزیون می سازند . وای بسا که این ها بین خود نیز در دیدن و تماشای تلویزیون‌موافق نباشند، شاید یکعده خواهان دیدن تلویزیون به رنگ های طبیعی باشند و عدهٔ دیگر علاقمند رنگ های تیز وغیر طبیعی ،یکی روشن می‌خواهد و دیگر کمی تاریك تر و...

همچنین استفاده از تیلفون که‌بارها وبارها در بارهٔ آن صحبت شده ودر جراید و مجلات مطالب زیادی دربارهٔ آن نشر شده است . و لی بازهم بی مورد نخواهد بود که باز هم یاد آوری نمائیم و خدمت آنعده کسانی که کمتر متوجه‌اعمال خویش هستند تذکر دهیم که تیلفون هم مانند سایر وسایل مال مشترك همه بوده و باید از آن استفاده معقول شود . چقدر دردناك است وقتی شما با وجودکارضروری و فوری وعاجل ساعت ها در انتظار نوبت باشید تا فلان خانمی را که در غرفه تیلفون با دوستش قصه فلمی را می نماید . که دیشب در سینما یا تلویزیون دیده است. دعا

بقیه درصفحه ۵۳

بقیه صفحه ۱۷

نگرشی به‌سینمای...

زوایای‌گوناگون ترسیم شده‌است. آثارادبیات کلاسیك روس‌سوژه بسیاری‌ازفلم های تاریخی ادوار پیشین قرار گـــرفت فلم سرگـــی باندار چوك برپایه رمان تولستوی بنام جنگ وصلح (۱۹۶٤-۱۹۶۷) درسراسر جهان مورد ستایش قرار گرفته است باندار چوك کوشیده که نه تنهاداستان وپوسته بیرونی این رمان پرمفهوم وشخصیت های جذاب آن را به روی پرده بیاوردبلکه عمق‌اندیشه تاریخی‌تولستوی ودرك فلسفی اورا نیز نمایش دهد سایر آثار تولستوی‌مانندرستاخیزقزاق هاوآناکارنینا، نیز به‌فلم برگردانده شد بسیاری ازآثار پوشکین لرمانتوف ، تور گنیف کوگول ، داستایفسکی چخوف وگورکی به فلم در آمده است •

اندری‌روبلف فلم‌تاریخی‌اندری تارکوفسکی که‌نام اندری روبلف (۱۹۶٤ ر ۱۹۶۷) از روی یك فلم نامه اصیل ساخته‌شدبی تردید یـــك اثر تاریخی درخشان است این فلم شامل هفت داستان است همگی ازیك اندیشه الهام پذیرفته وازیك احساس‌مایه‌گرفته اندریسمانی که این داستان هارابه هم می‌پیوندد وجنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی وروحانی‌روسیه قرن پانزدهم را نشان میدهد سیمای افسانه ای روبلف‌است نقاشی مومن‌راهبی خاموش وسلیم النفس وناظر خستگی ناپذیر زندگی که تخیل خلاق او واقعیت را دگرگون ساخت و پیوند های اورا بازمان وخلقش قوام بخشید •

سراسر فلم انباشته از صحنه های هولناك وخشونت بار روسیه قرون وسطایی است باز نمایش نیرومند رویداد های خون بار فلم ،گاه تاحد تحمل ناپذیری تکان دهنده وخشن است در صحنه پایانی فلم تفسیر دقیقی از شمایل ها وتابلو های اندری روبلف (این گیوتوی روسی) به عمل می آید .

فلم اندری ژوبلف‌بانظرهای گوناگون مواجه شدبحث درباره کارگردانان به موقعیت های تاریخی و شخصیت های فردی همچنان ادامه دارد • اما در خشش ورصالت هنرمندانه فلم تردید ناپذیر است جان‌مایهٔ فلم طنین والایی دارد. جاودانگی هنرمندی که سرنوشت خود را به خلقی توانا وایثار گرگره زد •

سینمای جنگی :-

فلم های تاریخی شوروی در عین حال که زمان های دوری مانند قرن پانزدهم را ترسیم می‌کند به نحو فزاینده ای به تشریـــح رونده های‌تاریخی‌گذشته ونزدیك میپردازند واز همه بیشتر به دوران جنگ بزرگ میهنی •

به راستی که این موضوع پایان ناپذیراست سینمای شوروی تعداد زیادی فلم در باره‌جنگ جهانی دوم تقدیم کرده است‌که از میان آنهابه این فلم ها اشاره می‌کنیم•گارد جوان (۱۹۲۸) از گراسیموف، سومین ضربه از ساو چنگو داستان یك‌انسان‌واقعی ازستولبر ، لك‌لك ها به پروازدرمی آیند (۱۹۵۷) از کالاتوزوف ، حماسه یك سرباز(۱۹۵۹) ازچوخرای - سرنوشت یك انسان (۱۹۵۹) از باندار چوك وکودکی ایوان (۱۹۶۲) از تارکوفسکی •

توصیف این فلم های بسیار متفاوت‌ازعهده این مقاله بیرون است اما تمام این فلم‌هابه تعهد هایی چند وفادارند القای روحیه دوستی بشری ، نفرت از جنگ به مثابه بلائی عمومی، عشق به صـــلـــح ندای پیش گیری از تکرار وحشت های جنگ ، ودر کنار آن میهن‌دوستی واحترام عمیق نسبت به کسانی که‌زندگی خود رابرای آزادی کشور شان واعتلای آرمان های والای‌کمونیسم فدا کردند• فلم برادران‌شوروی بیش ازسه ملیون ونیم متر فلم از جریان جنگ فلم برداری کردند که تمام رویدادهای مهم جبهه وپشت جبهه دشمن رادربرمی‌گیرد. این فلم برداران‌بافعالیت جانبازانه‌ی خوداسناد تاریخی بسیار ارزشمند ومهمی تهیه کرده‌اند•

در طول تاریخ پنجاه ساله سینمای شوروی فلم های تاریخی نقش عمده ای ایفا کرده‌اند سینمای شوروی برپایه مضامین تاریخی آثار فناناپذیر عظیمی آفریده . سنت هنرمندانه باروری یافته وروش هنر مندانه ای بـــرای به‌پرده‌آوردن رویدادهاوشخصیت های واقعی به شیوه ای حقیقی وجذاب ابداع نموده است•

احساس ملی •میهن‌دوستی وآگاهی ازپیوند های انسان باکشورش بخش مهمی ازآموزش اخلاقی انسان نوین رامی سازد• سینماراه‌های احیای‌گذشته‌درتصاویرروشن‌وزنده رایافته‌است تاریخ بروی پرده جان می‌گیرد • گذشته به حال می‌پیوند دو جاودانه میشود •

بقیه صفحه ۲۱

نخستین ریشه‌های...

اسرار پیش چشم او ما نندطومار کاغذ باز میشود . هیو لای گنا ه لحظه به لحظه بیشتر دهان بـــاز میکند و انسا ن را که مسئوو لیت کا مل اعما ل خود را پذ یر فتـه است با خود به دیا ر نیستی مـی برد .

۳-در تیا تر سو فو کل رها یی نیست ، رها یی از سوی خدا یان نیست و انسا ن خود در باره بودن یا نبو د ن خود تصمیم میگیرد .

همچنا ن سو فو کل از لحا ظ تیا تر شنا سی در تکنیك ترا ژیدی تغییراتی داد:

۱- شخصی سو م را وارد بازی کرد .

۲- گروه همسر ا یا ن را ا ز ۱۲ نفر به ۱۵ نفر رسا ند ، و لی بر عکس آشیل همسر ا یا ن را در آثار خود بیشتر به تفسیر و توجیه نمایش وا داشت تـا د خا لـت‌در بطن نما یش .

۳-سو فو کل شیوهٔ کشف‌سا - بقه یك اتفا ق و تو لید هیجا ن نا شی از کنجکا وی را به تیا تر آورد .

٤-آشیل برای قیـــا م انسا ن احترا م قایل ا ست ، و لی قیا م و آزادی هر دو را از سوی خدایان میدا ند . سو فو کل قیا م‌انسا ن رامحـــترم می‌شمارد اما آزادی‌و رها یی را در به بنـــد کشید ن احسا سا ت و در محدود کر د ن نیا ز ها و آرا یش و تعاو ن مـی بیند .

۵-زبا ن سو فو کل غلیـا ن‌و هیجا ن و هیبت شعر ا سطو ره‌یی واحسا سی را ندارد . زبا ن او به مردم و زما ن نزدیك ا ست گر م وتند و شد ید .(۱)

اور یپید آخرین تراژیدی نو یس یونا ن در ٤۸۵ق.م. تو لدودر٤۰٦- ق.م. فو ت شد ه ا ست . اور- یپید را جع به انسا نها قلمفرسایی میکند . در آثار اور یپید یك نو ع شك و تر دید نسبت به ار با ب الانوا ع و یك بی تفاو تی به تصا- دفا ت و قوای فو ق طبیعی د یـده میشود . آثار او مملو از علا قه به بشر و محر کا ت رو حی او کـــه موجب اعما ل انسا نی‌میشوداست.

آندره بونار یو نا ن شنا س سویسی ، او لین نماد های‌ریا - لتی را در آثار او یپید مخصو صا در نمـا یش مـد ه یا فته ا ست در او لین نظر اظهار عقیده با نار انسا ن را به شگفتی و امید ارد ، زیرا این تراژ یدی دا ستا ن ز ن جا دو گر وجنا یتکا ری ا ست .

معهذا در تراژ یدی اور یپیـد مسا یل عادی خا نواد گی و رو - یداد ها ی روزا نه و تفکر ا نسانی آنقدر ساده و عادی مطر ح شـــده کـــه با عـث حیر ت ما میشود.(۲)

اور یپید در تیا تر قدر ت بـی پا یا ن خدایا ن ووا قعیت اسطوره را باور ندارد . و به عنوا ن‌مد ل فکر ی محکو م میکند . او تو جـه دارد که هر چیز به صور ت جمـع اضداد مطر ح‌میشود . ارزش هـای اخلاقی را نسبی میپندارد، ز بـان مردم را زبا ن ترا ژ یدی ها یش قرار می دهد ، و به روابط یـــك علت نه بلکه چند ین علت جستجو گر ا ست .

همچنان او لین کسی ا ست که میخوا هد روا ن ا نسا ن رابکا ود ومبارزه انسا ن را برای نجـــا ت او پیشدکش می کند . (۳)

اینك که معلو ما ت مختصر ی در باره ترا ژیدی یو نـــان ارائـه داشتیم یك دید گذرا بر کـمیـدی یونان که همپای تراژیدی تو سـط ار یستو فا ن پیش میر فت مــی اندازیم .

۱- ایرج زهری ، ((آشنا یـــی باتیا تر یونان))، تما ث ، ۲۸۹ (سال ششم ۱۳۵۵) ص ۷٦ - ۷۷

۲-پیرامه لوشار، ص ۱۱٦ .

۳- ایرج زهری ، تماشا، ص ص ۷۸- ۷۹.

مشکلات انرژی...

بقیه صفحه ۳۳

استیشن برقی اتومی از منطقه زندگی مردم همیشه سه (۳) کیلومتر ساحه صحی وقایوی باید فاصله داشته باشد .

دستگاه مخصوص ص (مقدار سنج) بدون وقفه تشعشعات محیطی را در محل استیشن های برقی اتومی ته ساحهٔ با شعاع پنجاه کیلو متر را در برمی گیرد کنترول می کند . ضایعات رادیو اکتوی در کا پسول های کانکریتی مخصوص ص و در مدفن های زیر زمینی حفظ میشوند . محل این مدفن ها هیچگاه مورد استفاده زراعتی و یا ساختمان هی رهایشی قرار نمی گیرد .

مرحله دوم : ـ استعمال ریاکتور های نوع جدید در صنعت :

هدف از گذار از ریاکتور های نایترونی بطی حرارتی به ریاکتور های نایترونی سریع است . فرق آنها در این است که مرحله دوم نه تنها یورانیم۲۳۵ بوده بلکه تمام مواد خام یورانیمی راکه فعلا بمصرف می رسند میتوان محترق ساخت . یعنی از هر تن مواد خام یورانیمی ۹۹۳ کیلو گرام آن‌میتواند قابل استفاده باشد .

تحقیقات درین ساحه در سال های ۱۹۴۹ شروع شد . اولین دستگاه تجر بوی در اوایل سال های ۱۹۶۰ در شهر د یمتروف‌گراد تاسیس شد . در شهر شیفچینکه عین ریاکتور جهت استحصال انرژی برقی و تصفیهٔ آب های بحری حرارت تولید می کند .

شبه جزیرهٔ منقشلاك درقزاقستان جاییکه شهر شیفچینکه قرار دارد و ۱۲۵ هزار نفوس در آن زندگی می کند فاقد آب شیرین طبیعی بود مراکز اتومی برای این منطقه زندگی بخشیده و از نقطه نظر آب شیرین بی نیاز ساخته است . علاوه برآن شرایط تفحص نفت را که در اعماق این شهر نهفته است مسا عد ساخته است . شهر منقشلاك یکی از شهر های تامین شده از نکاه آب شیرین در دنیا است .

مرحلهٔ دوم انکشاف انرژی حرارتی ریا کتور ها ی سر یع حرارتی به ریا کتور های حرارتی هسته (ترمویدری) ا نجام می پذیرد که مواد احتراقی این نوع ریاکتور ها عبارت از (هسته دی تیری) یکی از ایزوتوپ های هایدرو جن است که آب معمولی آنرا دا راست . این ریاکتور ها بدون ضایعات انرژی زیادی تولید می کند . جهت تحقیقات علمی و تیور تیکی ده‌ها لابراتوار در اکثر از ممالك‌جهان تاسیس شده است. از آنجمله فز یکدانان اتحادشوروی در تحقیقات علمی پیشی جسته اند . آنها در دستگاه ((تو که ملك)) طریقه تحفظ پلازم های حرارت هستهٔ (تر مویدری) را حاصل کرده اند . مدت نگهداشت آنها که پتوك عظیم نایترون ها را تامین می کند ده ها ثانیه است .درحالیکه ریکارد جهانی این مدت نگهداشت پلازم ها نیم ثانیه است لذا میتوان گفت که زمان حل پرابلم انرژتیکی جهانیان فرار سیده است .

انرژی آفتاب : منبع عظیم انرژی آیندهٔ بشر:

فعلا در اتحاد شوروی صد استیشن برق آفتابی در سرحد شمالی ، در تپه های یخ ، درغرب و جنوب ، در کالنین گراد و شر ق دور خلاصه تقریبا در همه جا و در تمام ساحات اتحاد شوروی مورد استفاده قرار داشته و فعال اند . درنقاط بعیدبحیرهٔ بانیسوه که‌هنگام گشتی رانی در تابستان آفتاب ۲۴ ساعته می تابد (مه یك) انرژی برقی خود را از استیشن برق آفتابی می گیرد . به همین ترتیب مه یك های دیگری در بحیره‌بالتیك و خلیج لا دوژسك کار می کنند .

در ایالت چی تینسك در شاه راه بایکال ـ آمورسك دستگاه مختلط آفتابی به استیشن های هواشناسی انرژی میدهد که به نوبهٔ خود این استیشن ها خطوط ارتباطی ،مخابرات را که در مسیر پایپ لین گاز آسیای میانه و مرکز قرار دارند تغذیه می نمایند .

عالم مشهور اتحاد شوروی عضو ا کا د می علو م نیکو لا ی لیدارنیکه می گوید : من یقین دارم که استیشن‌های عظیم آینده به استفاده از انرژی آفتاب فعال‌خواهند شد .شاید در هزار سال آینده این استیشن ها به منابع عظیم انرژ تیکی تبدیل شوند . و انرژی آفتاب‌هم پایان ناپذیر است . تفوق این انرژی نیز از این مطلب ناشی میشود .

واقعا صد استیشن برقی آفتابی هنوز شروع بکار نموده است . مشکل فعلی درآنست که تصفیهٔ سنگ چقماق نیمه ها دی که از آن بطری های آفتابی ساخته‌میشود با تخنیك در دست داشته فعلی گران تمام میشود . اما متخصصین عقیده دراند که در ده پانزده سال آینده قیمت تصفیهٔ این سنگ هاده ها چند پایین خواهد آمد .

انرژی بادی :

قرار محاسبه علمای اتحادشوروی مجموع قدرت باد هاییکه در محوطه اتحاد شوروی می وزد تقریبا یکصدو سه ملیارد کیلو وات برق میتواند تولید کند ، که خود چون اوقیانوس انرژی است .

بطور مثال در مناطق قطبی اتحاد شوروی میتوان مراکز برقی بادی ایرا تاسیس کرد که قدرت عمومی آنها تمام کرهٔ زمین را از انرژی برقی بی نیاز میسازد . تحقیقات اخیر نشان میدهد که ساختمان استیشن های برقی به استفاده از باد های طبیعی نظر به ساختمان استیشن های برقی‌دیگری اقتصا دی تر تمام میشود . علاوه بر آن در منا طقیکه سرعت وزش باد بطور اوسط سالانه زیاده از سه ونیم متر در ثانیه است ، تاسیس مراکز انرژتیکی بادی مفید تر است چنین ساحات در اتحادشوروی بحد کافی وجود دارد .

دوسال قبل در اتحاد شور وی اتحادیه علمی و تولیدی (سیکلون گردباد) تشکیل شده به تعقیب آن سریال موتور های بادی با قدرت صد کیلو وات در بخشس های مختلف بکار انداخته شد .این موتور ها در تتویر اقامت گاه های زراعتی ، آرد کردن حبوبات ، میده کردن علوفه جات ، آبیاری زمین های زراعتی ، باغچه ها، تامین آب فارم های مالداری و قصبات تصفیه آبهای معدنی و بحری و غیره بکار برده میشوند.

در ده سال آینده سا ختمان یکصدو پنجاه هزار دستگاه های برقی بادی در نظر است.متخصصین اتحاد شوروی توربین های حرارتی را موازی به موتور های بادی نیز نصب کردند که در صورت کمی وزش باد ازآن ها استفاده بعمل می آید . همچنان در اتحاد شوروی پروژهٔ سیستم دورانی مختلط انرژی بادی درشبه جز یرهٔ کولسك به امتداد یکهزارو یکصد کیلو متر و شامل دو صدو سی و هشت گروپ های مختلف انرژی بادی که‌هرکدام با قدرت یکملیون کیلو وات برق است در ۱۹۸۰ رویدست گرفته شد .

حرارت تحت زمین :ـ

در اتحاد شوروی ذخیرهٔ عظیم حرارتی در تحت زمین قرار داردکه اکثرا بنام آب های حرارت سنج یاد میشوند . علمای اتحاد شوروی حوض های آبهای داغ را کشف کردند مجمو عا ساحهٔ چند ین ملیون کیلو متر مربع را احتوا نموده در بیست و چهار ساعت از بیست ودو الی بیست و چهار ملیون متر مکعب آب با حرارت چهل الی دو صد درجه سانتی‌گراد میدهند و عمق این چاه ها تا ۳٫۵ هزار متر می رسند .

توسط این انرژی حرارتی طبیعی یکتعداد از منا طق کو هستا نی اتحاد شو روی تسخین می شو ند. تقریبا نصف تعمیرات شهر مخچکان (قفقاز) در طول سال آب گرم و تسخین زمستانی خود را ازاین آبها می‌گیرند.

پروژهٔ حرارتی شهر گر جستان در شرف تکمیل است که در اینجا آب داغ بعد از تسخین منازل و تعمیرات صنعتی در مخاذن حرارتی جمع شده از آنجا به اعماق زمین جریان پیدا می کند و بعد از گرفتن حرارت از اعماق زمین دو باره به سطح زمین جریان نموده قابل استفاده میشود.

در گرجستان تا سال ۱۹۶۰، ۶۰ هکتار زمین‌مخزن آب حرار تی سا خته شده که قرار ا ست . تا سال ۱۹۸۵ دو مرتبه ازدیاد یابد . خصوصا در کمچاتکه که از خود نفت‌و گاز و ذغال سنگ ندارد اما طبیعت حوضه های آب های حرارتی را برای این سر زمین ارزانی نموده است تحقیقات علمی نشان میدهد که در اینجا در عمق یك کیلو متر مخلوط های بخارآبی دارایی حرارت از دوصد الی دوصد و پنجاه درجهٔ سانتی گراد است . ذخایر انرژی حرارتی این منطقه میتوانند که استیشن های برقی پر قدرتی را به استفاده از آب های داغ زیر زمینی ایجاد کنند.

بقیه صفحه ۸

تدویر نخستین کنگره...

اعضای اتحادیه محفوظ می ماند .

در ماده دیگری گفته شده است که : افرادیکه خدمت زیر بیرق را انجام‌می دهند از تمام امتیازات و حقوق مساوی بر خور دار اند .

محترمه نفیسه (عا شوری) عضو شورای ولایتی اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ و عضو اتحادیه صنفی فابریکه نساجی ولایت بلخ که افتخار اشتراك‌در کنگرهٔ اتحادیه های صنفی زحمت‌کشان افغا نستان را حاصل نموده است در باره اینکه اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ‌تاکنون چه خدماتی را به زحمتکشان آنجا انجام داده اند گفت :

اتحادیه‌های صنفی زحمتکشان‌ولایت بلخ تا کنون خد مات زیادی‌رابرای کار گران و زحمتکشان مربوط انجام داده‌اند. بطور مثال برای کار گران وزحمتکشان این ولایت تاکنون‌پنج مغازهٔ روغن و صابون که تولید دست خودشان‌میباشد باز گر دیده است وکار گران و زحمتکشان دوران ساز ما می توانند از آن استفاده بعمل آورند . همچنین اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت بلخ چندین کورس سواد آموزی تیو ریك ، هنری وورزشی افتتاح نموده‌ا ست که کار گران و زحمتکشان ما با علاقه سر شار در آنها اشتراك می ورزند .

بهمین قسم ا تحا دیه های‌صنفی زحمتکشان ولایت بلخ از طریق توزیع اموال امدادی کشور دوست و همسایهٔ شمالی ما اتحاد شوروی بکار گران و زحمتکشان افغا نستان خدمات قابل قدری را انجام داده اند .

مو صوف تعداد زنانی را که در نخستین کنگره اتحادیه های‌صنفی زحمتکشان افغا نستان اشتراك ورزیده اند چنین بیان داشت :

در این کنگره به تعداد یکصد نفر از زنان آزاده کشورما اشتراك ورزیده اند که از جملهٔ (۷۹) نفر آنها نماینده گان اتحادیه های‌صنفی زحمتکشان مرکز و بیست و یک نفر دیگر آن ها نماینده گان اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایات کشور بودند .

محمد ظاهر معاشر رئیس اتخادیه های صنفی زحمتکشان ولایت سمنگان بجوا ب این سوال که اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان درامر آبادی و شگوفانی افغا نستان آز ا د و سر بلند چه نقشی را حایز اند چنین اظهار داشت :

اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان که مرکب از همه‌اقشار و طبقات زحمتکش و عذاب دیده کشور ما می باشند در راه آبادی میهن و بهبود بخشیدن حیات زحمتکشان افغا نستان مقام خاصی را حایز اند. ز حمتکشان ا نقلابی افغا نستان اکنون از برکت پیروزی انقلاب نجات‌بخش ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن فرصت را مساعد یافته اند تا بطور آزادانه و د ا و طلبا نه در صنوف مر بو طهٔ خویش گرد هم جمع شوند و در



محترمه نفیسه عاشوری نماینده ولایت بلخ

تحت رهبری حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان نیروی پر توان خویش را در جهت عمران و اعتلای جامعه و میهن محبوب شان بخرچ دهند.

از آن جاییکه در کلیه اجتماعات بشری اقشار و طبقات زحمتکش و استثمار شونده نقش خلاق تا ریخ ساز و دو ران ساز را حایز اند در افغا نستان انقلابی نیز همین اقشار و طبقات عذاب دیده میهن ما چون کارگران ، دهقانان ماموران ، پیشه وران ، مزدوران و سایری زحمتکشان اند که تاریخ می سازند و جامعه نوین و عادلانه را ایجاد می نمایند بنا بر آن‌نقش اتحادیه های صنفی در امر بسیج تود ه‌های زحمتکش کشور وتجهیز آنان با آید یو لوزی دوران ساز طبقه کار و در راه تحقق آرمان های والای انقلاب شکو همند ثور بسیار ارزنده و مهم‌است که‌نمیتوان دراین فرصت‌اندك به توضیح کلی‌و همه جانبه آن مبادرت ورزید.

رئیس اتحاد یه ها ی صنفی زحمتکشان ولایت سمنگان به پاسخ این سوال که آیا در حال حاضر‌چند اتحادیه صنفی در ولایت شما وجود دارد و اعضای آنها بچند تن بالغ میگردد گفت :

در ولایت سمنگان فعلا به تعداد ۲۱ـاتحادیه صنفی‌وجودداردکه‌تعداد اعضای این اتحادیه ها به دو هزار نفر بالغ میگردد .

از عزیز اله کارگر رئیس شورای ولایتی اتحادیه های صنفی ولایت هرات خواستم تا نظر خود را در باره ارزش اولین کنگره‌اتحادیه صنفی زحمتکشان افغا نستان ابراز بدارد چنین بیان داشت :

کنگره اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان برای ما از این جهت با ارزش و با اهمیت است که اولا نماینده‌گان همه اقشار و طبقات زحمتکش افغا نستان آزاد و انقلابی از شهر ها و دهات کشور در این کنگره باشکوه دورهم جمع شده به اتفاق آراء اساسنامه سمبول و درفش پر افتخار اتحادیه های صنفی زحمتکشان افغا نستان را تایید و تصویب نمودند ، ثانیا اینکه دورهم آیی پنجصد تن‌از نماینده گان زحمتکشان کشور مادر این کنگره مشت گره خورده یی دیگری است که بر دهن تبلیغات چیان کشور های ارتجاعی و امپریا لیستی‌جهان حواله‌میگرددواین دورهم آیی با عظمت نماینده گان زحمتکشان افغا نستان وحدت عمل و نظر مردم عذاب دیدهٔ ما را در انظار جهانیان بر ملا می سازد . ثالثا اینکه اشتراك نماینده گان اتحادیه های سند یکایی جهان در این رویداد با عظمت در تاریخ اتحادیه های صنفی زحمتکشان ا فغا نستا ن جها نیان را بد ین امر متیقین می سازد که مرد مان افغا نستا ن آز ا د ، سر بلند و انقلابی در مبارزات بر حق وعادلانه خویش علیه ارتجاع استبداد و امپر یا لیزم ودر راه ا یجاد جا معهٔ نوین و مترقی خود تنها نبوده از حمایت و پشتیبانی بیدریغ همه مردمان پیشتاز و انقلابی جهان برخوردار می باشند.

رئیس شورای ولایتی اتحادیه های صنفی زحمتکشان ولایت هرات بپاسخ این سوال که شورای ولایتی اتحدیه های صنفی زحمتکشان‌ولایت هرات چه و قت تا سیس گردیده و فعلا در چند موسسه شورای نماینده گان ایجاد نموده است‌چنین ابراز داشت :

به اثر تلاش های خستگی ناپذیر شورای مرکزی اتحادیه های صنفی زحمت کشان افغا نستان شورای ولایتی‌ولایت هرات بتاریخ ۱۸قوس ۱۳۵۹ تاسیس گردید که از آن تاریخ به بعد به‌کارخلاق‌وپر ثمر خویش ادامه میدهد.

ولی گفت: فعلا در ولایت هرات در ۱۵ مو سسه مختلف‌شورای نماینده گان ایجاد گردیده است که اعضای عمومی‌آن هابه پنج هزار نفر بالغ میگر دد .

محترمه مهتاب «بیکار» معاون اتحادیه صنفی مکتب‌نسوان نمبردوم ولایت ننگرهار نقش کنگره اتحادیه های صنفی‌را درشرایط کنونی‌کشور نهایت باارزش خوانده گفت !

کنگره اتحادیه‌های‌صنفی زحمتکشان ا فغا نستا ن ا ز ا ین جهت د ر خو ر ا همیت ا ست که بخاطر تدویر این کنگره باعظمت نما یند گان ز حمتکشان آز ا دهٔ افغا نستان از هر گوشه و کنار کشوردرشهر زیبای‌کابل دورهم‌جمع شده اند ووحدت وهمبستگی‌انقلابی خودرا در امر بزرگ دفاع از میهن مردم وانقلاب آزادی بخش خویش به جهانیان به اثبات می رسانند .

او گفت:دولت های‌مستبد وابسته به‌دودمان تاریخ زده‌یحی که رمز موفقیت خود را در امر ایجاد از هم گسیختگی وپاشیدگی میان توده‌های مردم‌زحمتکش‌کشورسراغ می‌نمودند به ذرایع وو سایل گو نا گون ما نع وحدت وتشکل انقلابی توده های ملیونی مردم مامیگردیدند ولی‌بعداز پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی‌آن‌به اثر مساعی وتلاش های خستگی ناپذیر حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ودو لت جمهوری دمو ـ کراتیك افغا نستان وحدت وتشکل انقلابی توده های وسیع مردم ما از همه اقشارواصناف زحمتکش کشور روزبروز بیشتر و محکمتر میگردد.

ژوندون

بقیه صفحه ٤

هشتم مارچ روز همبستگی...

اند ك اند ك مو فقیت های بیشتر و بیشتر ی را در جهت سهمگیر ی شا ن در امور اجتما عی – اقتصاد ی و سیاسی نصیب میگردند و علا یق زنان که سالها قبل عمدتاً منحصر به امور منز ل و تر بیت کود کا ن بوّد ولی امرو ز بیشس از یك سو م نیاز مند یها ی ماد ی بشر یت تو سط زنان تا مین می گردد .

و اما وضع زنان در کشور عزیز ما از چه منوا ل است ؟ زنا ن زحمتکش ما قبل‌ازانقلاب شکوهمند ثور در تحت شرا یط و مناسبا ت فر تو ت فیودا لی زندگی فلا کتباری داشتند زنان‌ما به مقتضای فر هنگ خرا فی فیودا لی در چار دیوار خانه محصور مانده و از حقو ق وآزادی های انسا نی از قبیل حق تحصیل و کار در بیرو ن از خا نه وسهم‌گیر ی در امور اجتما عی و سیاسی محروم بودند .

چه بسا که دخترا ن زحمتکش ما خلاف کرا مت انسا نی مانند متاع خر ید و فر وش می شدند و بی – رحما نه مورد ستم طبقا تی از یك طر ف وستم جنسی از طر ف دیگر قرار می گر فتند ....

برای او لین بار در تاریخ نهضت زنان کشو ر در دور ه نهضت اما نی برای زنا ن ما حق تحصیل و کار در بیرو ن از منزل آزاد ی در جهت رفع حجاب و کسب سواد و دانشی د ر مکتب داده شد عد ه یی از دختران افغا ن غر ض تحصیل بخار ج فرستاد ه شدند و مکتب ار شاد – النسوا ن تاسیس گردید مگر متاسفا نه که عمر این نهضت کوتاه بود و با سقو ط دور ه اما نی به رکود موا جه گردید و زنا ن ما برای یك دور ه دیگر در تاریکی و جهل با قی ماندند .

ساز ما ن دمو کرا تیك زنان افغانستا ن که در چو کات حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان در سال ١٣٤٤ تاسیس گردید

نقطهٔ عطفی است

در نهضت آزاد ی خوا هی زنا ن کشور ما که به مثا به عا مل ضرور ی درتکا مل جنبش زنا ن کشور ، مبارزا ت زنان دلیر وآزاده افغا نستا ن وارد مر حله جدید کیفی و تکا ملی خو یشس گردید .

س .د.ز.ا به حیث کردا ن پیشا هنگ زنا ن رزمند ه کشو ر از یکطر ف مبارزا ت خود را علیه نا بسا ما نی ها و ظلم و بی عدا لتی های اجتما عی رژیم ها ی استبداد ی و حکو مت های‌وابسته به‌ارتجا ع فیودا لی در صحنه ملی و بین المللی به پیشس برد از جانب دیگر مبارزا ت خستگی نا پذ یر خود را در جهت خواست ها ی صنفی زنان کشور تا مین حقو ق و آزاد ی های انسا نی آنها ادا مه داد و زنا ن مبارز و آگاه کشو ر را در امر دفاع از حقو ق از دست رفته آنها بسیج و متشکل نمود .

انقلاب ثور به ویژه مر حله نوین تکا ملی آن به مثا به نقطه عطف عظیم در تاریخ کشورکهن سال ما افق و دور نما ها ی وسیع و در خشا ن را در برابر خلق کشور در جهت اعمار جا معه فارغ از استثمار و ستم ملی و اجتما عی گشود ه است و مژده رها یی کامل زنان از قید هر نو ع ظلم و ستم و تا مین حقو ق و آزاد ی های دمو کرا تیك را برا ی آنا ن به ار مغا ن آورده است . چنا نچه ببر ك کارمل منشی عمو می کمیته مر کز ی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلا بی وصدراعظم جمهوری دمو کرا تیك افغانستان در کنفرا نس سر تا – سر ی زنان کشو ر گفتند : «رهایی کا مل زنا ن از قید ظلم و ستم خر افا ت و بقایا ی مناسبا ت فیودا لی ، ما قبل فیودا لی و طرد هر آنچه که به اسار ت ، تحقیر و تو هین زنا ن می انجا مد و تا مین شرایط هر چه مسا عد تر برا ی رشد همه جانبه شخصیت زنا ن افغا نستا ن که نیمی از جمعیت و قوای بشر ی با لقوه ما را تشکیل مید هند یکی از آرما ن های بزرگ انقلا ب ملی ، دمو کرا تیك ضد فیودا لی و ضد امپر یا لیستی در کشور ما است .»

در آخر به این نتیجه می رسیم که‌زن از قرنها به‌این طرف در همه دوره های مختلف تاریخ بحیث مو جود ضعیف در تحت فشا ر و ستم زندگی کرده و در اکثر جوا مع امرو ز نیز به نظر تحقیر به زن نگر یسته می شود . در جوا مع بورژواز ی که سر و صدای ها ی بخا طر آزاد ی زن بالا است مگر زن عملا محکو م قوانین ساخته طبقا ت حا کمه جا معه بوده و استثمار می شو ند .

پسس به جرا ت گفته می‌توانیم که سوا ل آزاد ی و برابر ی زن سوا لی است طبقا تی که با مبارز ه کارگرا ن و زحمتکشا ن برا ی آزاد ی اجتما عی و ملی ار تباط نا گسستنی دارد که با از بین بر داشتن طبقا ت و تضاد ها ی اجتما عی راه حل نها یی خود را می یابد .

معرفی کتاب...

گردید . در افغا نستان ، ایران، مصر ، هند ، پاکستان ، اتحاد شوروی ، پولند و چکو سلواکیا نشر آثار ، ترجمه و تدقیق آنها، تحقیق و مطالعه در زمان زندگی محیط ، شخصیت ، مقام و شهرت جامی صورت گرفت و کار های‌علمی زیادی انجام داده شد که نام و عنوان آنها در کرونو لوژی جشن پنج صدو پنجا همین سالگرد تولد جامی در مقالهٔ مجموعهٔ صمد ولی به نام (عبد الر حمان جامی) (شهپر دو شنبه : نشریات دانشس ١٩٧٣) به نشر رسیده است .

در بابهای اول و دوم رساله اساسا روز گار جامی ، تعداد و شرح آثارش مورد بحث قرارگرفته است . از این دو با ب، معلوم میگردد که برای تدقیق افکار جامی تحول و رشد فکری ، انکشاف اندیشه های ادبی و هنری او ، در هریك از این مباحث ، یك اثر مکمل میتوان تالیف کرد ، زیرا جامی هروی شاعر و نویسنده و متفکر بزرگی است که‌تمام ایجادیات خود را به وصف انسان کامل و به منفعت مردم ، وقف کرده ، در اثر های جاودانی اش ، عشق پاك ، انسان دوستی ، وطن پرستی ، علم و فن معارف پروری را ترغیب و تشویق کرده ، از این لحاظ ، آثار او در طول ، عصر ها ، دربسیاری از کشور ها در دل مردم جای‌یافته و بد ین جهت ، جا می هراتی‌شاعر نامور ملی و بین المللی میباشد و آثار او را هم در شرق و هم در غرب به زبانهای گوناگون میخوانند.

خلاصه این که رسالهٔ ((روز گار و آثار عبد الر حمان جامی)) تالیف اعلا خان افصح زاد برای ادیبان، محققان ، محصلان و علاقه مندان دانشس و پژوهشس سود مند و سزاوار استفاده میباشد .

بقیه صفحه ٤٩

تلیفون وسیله...

میکنیم که با چنین سر نو شتی گرفتار نشوید . و لی متاسفانه‌باید عرض کنم که این فقیر حقیر همین دیروز بود که خواستم بیکی از دوستان که کار ضرور به همرایش داشتم صحبت تیلفو نی نما یم. ولی از چانس بد ، تیلفون توسط خانمی جوان ریزرف شده بود .

منظور از این تذکر این بود که مانباید از این و سایل عامه‌که‌برای رفاع همگانی می باشد استفا ده نامعقول نما ئیم. چه از این بهترکه هر کس و طیفه خودرا بشناسیم‌و نزاکت های ز ندگی را مرا عات نمائیم و دیگران را نیز متهم وبی نزاکتی نگو ییم .

بقیه صفحه ٣٨

ضرورت نشر...

– دستورزبان‌ترکمنی(بطور مجمل باشرح پشتو ودری)

– آمادگی تالیف وچاپ قامو س های بزرگ تر

– آمادگی تالیف وچاپ دستور های مفصل تر

این مواد را باید بصورت یك برنامه بترتیب داد .

١– برنامه پنج ساله تا پنجصد– مین سال (نمیه هزاره) بحسا ب قمری از وفات نوائی علیه الرحمه

٢– برنامه دهساله تا پنجصدو– پنجا سال بحساب شمسی از تولد آن بزرگوار .

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد ز مان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاده
آدرس : انصاری واټ‌جوارریاست مطابع دولتی – کابل
تیلفون مدیر مسوول : ٢٦٨٤٩
سوچبورد : ٥٥ – ٢٦٨٥١
تیلفون ارتباطی دفتر : ٢١
تیلفون توزیع وشکایات ٢٦٨٥٩

دولتی مطبعه

ژانــه پروخورنیکو



ژانه دریکی از صحنه های فلم رول خودرا موفقانه انجام میدهد

در اولین فلم ((حماسه یــــک سر باز)) به اوج شهرت رسید .این فلم در سال ۱۹۶۰ هفت جایـــزه بزرگ بین المللی و جایزه لنین را بخود اختصاص داد .

قهرمان های جوان این فلم مورد پسند تماشا چیان امریکا ، فرانسه ار جنتاین ، یونان ، دنمارك ،پولند کیوبا ، لبنان واقع گردیــــــده در فستیوال های پاریس ، سان- فرانسسکو ، مکسیکو ، چکوسلوا- کیا در بین ستارگان پر آوازه عالم سینما این دخترك نزده ساله باچوتی های دراز و چشم ها ی قشنگــك خود همه را متوجه خود ساخــت ژانه آ نقدر طبیعی و زیبابودکه زرق و برق ستاره های دیگر بی اثـر دماند .

اولین معلم و رهنمای وی رژیسور نوا نا و سا زنده فلم (حما سه یــك سر باز) چو خارای بود .

ژانه از طفلی خیلی آرزو داشت اکتریس شود و ششش سال تمام در تیاتر اطفال کلوپ پیشا هنگــان لیننگراد خیلی جدی مصروف فــرا گرفتن بود وبعد ازینکه مکتب راتمام کرد به تمام آموز شگاه های هنری مسکوعریضه داد. ودر مکتب هنری مسکو موفق شد .در صنــــف دوم بود که تصا دفا عکس اش بد ست رژیسور توان چو خارای افتـــاد. او در حالیکه محصله را شخصانمی شناخت اما آنقدر چهره اش بـــه هیروین فلم وی آن قسم که خودش تصور کرده بود برابر بود که بدون کو چکترین تردید او را برای اجرای این نقشس دعوت نمود .

بعدا به انستیتوت سینما شاگرد گرا سموف شد . در جنگل ویــن





ژانه عقیده دارد که آرتیست باید رول ها را خیلی دقیق بازی نماید

آنها بطرف شرق رفتند .

از فلم های دوران محصلــی وی میباشد که ژانه واقعا آنها را خیلی عالی بازی نموده است ژانه بسیار رول های فــر عی اما رول هــای دلچسپ را بازی نموده که همیشه مورد استقبال قرار گرفته است وی عقیده دارد که رول های کوچـــك می آموزد که نباید سهل ا نگاری کرد چرا که بعدا میتوان به همین اساس رول بزرگی را خوبتر بازی نمود . در این اواخر سه فلم راکه مخصوص برای وی نوشته شده بود بازی نموده است (بیگانه) ،(درجای نو) و (جای دور نزدیك) در هرسه فلم از پرابلم های معاصر دهــات بحث میبود هیرو ئین های این فلمها زن های به ظاهر خیلی معمولی اند اما در حقیقت هر کدام خصوصیت های عالی یك زن راکه باید دارا- باشند دارند .

دختر وی کانیا محصل صنــف دوم در انستیتوت سینما وشاگرد گراسموف ا ست و در این او اخر اولین نقشس خود را در فلـــم (جوانی پطر) مو فقانه بازی نموده است زیرا مادر وی خیلی با ملاحظه وبا دقت هر آنچه خودش آ مو خته و تجربه حاصل نموده در اختیـار دخترش قرار داده است .



صحنه دیگری از فلمهایی که ژانه درآن هنر نمایی نموده است.

ژانه ترا فیموفنا عقیده دارد که آرتیست باید رول ها را خیلـــی متفاوت و با دقت بازی نماید باید اکتور جستجو گر باشد .

يك نواخت برای اکتور کشنده است .

ناگفته نباید گذاشت که فلـــم (حماسه يك سر باز) از طریـــق تلو یزیون پخش گردیده و خیلی مورد پسند واقع شده است .




سیف الدین لودین کتابتون
کتاب پر لیسې شمیره